

به نام خدا

فصلنامه پژوهش حسابداری و حسابرسی "نشریه علمی"

سال نهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۵)، زمستان ۱۳۹۸

فصلنامه

پژوهش حسابداری

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سرمدیر: شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مدیر داخلی: پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)
هیأت تحریریه:

حمید پورجلالی، استاد دانشگاه هاوایی

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

ذبیح اله رضایی، استاد دانشگاه ممفیس

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مهناز ملانظری، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

سعید همایون، دانشیار دانشگاه گاول

حسن یزدی فر، استاد دانشگاه سالفورد

ویراستار علمی: پریسا سادات بهبهانی نیا

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: پرستو مصطفایی

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

امور هماهنگی و اجرا: اعظم پاک خصال و خدیجه اسفندی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده

علوم اجتماعی و اقتصادی کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ نامبر: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: jar@alzahra.ac.ir

وبگاه: <http://ijar.alzahra.ac.ir>

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می‌رسد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

پژوهش‌های ارسال‌شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که پژوهش‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم پژوهش به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل پژوهش

پژوهش در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان پژوهش ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی پژوهش ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی پژوهش و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت پژوهش‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن پژوهش از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار پژوهش

۲-۱. صفحه جلد پژوهش: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل پژوهش؛
- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛
- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛
- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۲-۲. **صفحه اول پژوهش:** عنوان و چکیده پژوهش به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف پژوهش، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی: www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای پژوهش:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛
- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛
- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛
- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در پژوهشات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن پژوهش از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود. هر منبعی که در متن پژوهش به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود. در صورت نیازه توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۱-۴. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۲-۴. **پژوهش:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه)

۳-۴. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۳-۴. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

-فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا پژوهش‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره ۱) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌ها است با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جدا اما دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی نوشت و محتوای پی نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

عناوین	معادل انگلیسی
کارشناس	BSc.
دانشجوی کارشناسی ارشد	MSc. Student
کارشناسی ارشد	MSc.
دانشجوی دکترا	Ph. D. Student
دکترا	Ph. D.
استادیار	Assistant Prof.
دانشیار	Associate Prof.
استاد	Prof.

* پژوهش‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.

* فصلنامه از پذیرش پژوهش‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.

* فصلنامه در ویرایش پژوهش‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و پژوهش‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.

* مسئولیت صحت و سقم مطالب پژوهش به عهده نویسنده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

* فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال پژوهش باشد. ۱۳۹۱ پژوهش‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود.

* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ پژوهش، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال پژوهش از ویرایش فنی و ادبی پژوهش و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.

* پژوهش‌های پژوهشی به پژوهش‌هایی گفته می‌شود که از پروژه پژوهشاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.

فهرست مطالب

- بررسی عوامل اثرگذار بر جهانی شدن چارچوب‌های گزارشگری مالی و
استانداردها و رویه‌های حسابداری ۱
غلامرضا سلیمانی امیری، ندا رسولی
- تأثیر کیفیت مدیریت ریسک بر نوسانات ضمنی اعلان سود ۲۳
وحید بخردی نسب، فاطمه ژولانژاد
- تدوین الگو و اولویت بندی عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت حسابداری داخلی ۴۷
زهره حاجیها، حسین رجب‌دُری
- بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر اهرم مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در
بورس اوراق بهادار تهران ۶۵
مجتبی مطلبیان چالشتی، زهرا مصطفوی
- ارتباط مسئولیت اجتماعی و پاداش هیأت مدیره ۸۳
ساره پهلوان، رویا دارابی
- بررسی مبانی نظری تأثیر فاصله جغرافیایی بین مؤسسه حسابداری و شرکت بر
حق‌الزحمه حسابداری، به‌موقع بودن گزارش حسابداری و چرخش حسابرس ۱۰۱
رحمان ساعدی
- حسابداری ناب در سازمان ناب (گذر از رویکرد مبتنی بر هزینه به رویکرد
مبتنی بر ارزش) ۱۱۷
رحیم بنابی قدیم
- مطالعه رفتار چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران ۱۳۵
سید حسام وقفی، کاوه پرندین، سامیران خواجه زاده

بررسی عوامل اثرگذار بر جهانی شدن چارچوب‌های گزارشگری مالی و استانداردها و رویه‌های حسابداری

غلامرضا سلیمانی امیری^۱؛ ندا رسولی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۰۶

چکیده

گوناگونی در حسابداری وجود تفاوت میان ویژگی‌های چارچوب‌های گزارشگری مالی، استانداردها و رویه‌های حسابداری است که در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. ادبیات حسابداری چند مورد از عواملی را که منجر به این گوناگونی می‌گردند ارائه نموده است و بیان می‌دارد که این عوامل اغلب به عوامل محیطی ارتباط دارند. راه حل مشکل گوناگونی در حسابداری، هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری و رویه‌های گزارشگری در سطح بین‌المللی است. با توجه به اینکه در ایران حرکت به سمت بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است، به منظور تسهیل در امر بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و پیش‌بینی و رفع موانع احتمالی استفاده از تجربیات کشورهای متعدد استفاده‌کننده بسیار سودمند خواهد بود. در این مقاله، ادبیات حسابداری در خصوص دلایل گوناگونی و تنوع در چارچوب‌های گزارشگری مالی، استانداردها و رویه‌های حسابداری مرور شده است و نتایج تحقیق به سیاست‌گذاران در تلاش برای ایجاد استانداردهای همگرا با استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ایران، کمک خواهد نمود.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، هماهنگ‌سازی، گوناگونی، عوامل محیطی.

طبقه‌بندی موضوعی: M40

DOI: 10.22051/ijar.2017.14034.1266

^۱ گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (gh.soleymani@alzahra.ac.ir)
^۲ دانشجوی دکتری حسابداری دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، نویسنده مسئول، (nedarasouli66@gmail.com)

مقدمه

چارچوب‌های گزارشگری مالی هر کشور با هدف برطرف نمودن نیازهای جامعه به اطلاعات حسابداری به تناسب محیط حاکم بر آن کشور به وجود آمده‌اند. این نیازها بر اساس عواملی که خاص هر کشور هستند، تعیین می‌گردد، بنابراین چارچوب‌های گزارشگری مالی در میان کشورهای مختلف، متفاوت است. گوناگونی در حسابداری^۱، به تفاوت‌هایی که میان خصوصیات چارچوب‌های گزارشگری مالی، استانداردها و رویه‌های مورد استفاده در کشورهای مختلف وجود دارد، گفته می‌شود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۳).

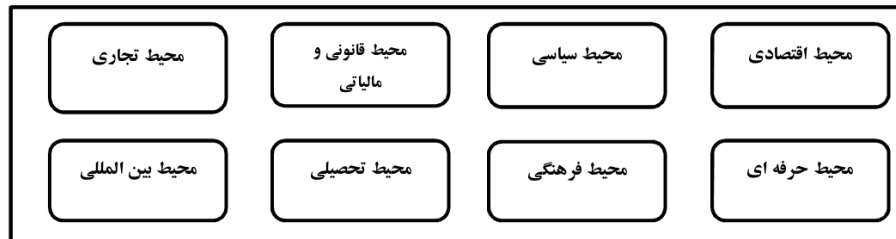
وجود تنوع و گوناگونی در استانداردها و رویه‌های حسابداری در سطح جهان، توجه محققان را به اهمیت بررسی دلایل زیربنایی این پدیده جلب نموده است. در ایران از دهه هشتاد، فعالیت‌ها و تحقیقاتی به منظور هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری ملی با استانداردهای بین‌المللی حسابداری انجام شده است، اما اقدام عملی در راستای بکارگیری واقعی استانداردهای بین‌المللی با ابلاغیه سازمان بورس و اوراق بهادار مبنی بر الزام شرکت‌ها به رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۲، در آبان ماه ۱۳۹۵، رخ داد. با توجه به الزامات قانونی، به نظر می‌رسد که تحقیق در زمینه شناسایی عوامل محیطی موثر بر جهانی شدن استانداردها و رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی امری ضروری است و منجر به درک بهتر عوامل موثر بر هدف هماهنگ‌سازی بین‌المللی حسابداری و محدودیت‌های رسیدن به این هدف خواهد شد. همچنین، در ادبیات حسابداری اغلب این توافق وجود دارد که چارچوب گزارشگری مالی هر کشور حاصل محیط خاص آن کشور است و عوامل محیطی^۳ در شکل‌گیری چارچوب‌های گزارشگری مالی اثرگذار هستند. در این ارتباط، بسیاری از مطالعات بر اثر عوامل محیطی بر فرآیند حسابداری و هماهنگ‌سازی آن پرداخته‌اند که این مقاله به بررسی برخی از این مطالعات پرداخته است.

عوامل محیطی اثرگذار بر وجود چارچوب‌های گزارشگری، استانداردها و رویه‌های مختلف حسابداری در سطح بین‌المللی

فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) بیان می‌کنند که مطابق با ادبیات و پیشینه حسابداری، عوامل محیطی دلیل اصلی وجود چارچوب‌های گزارشگری، استانداردها و رویه‌های مختلف حسابداری در سطح بین‌المللی بشمار می‌رود. روبرتز و همکاران (۲۰۰۵)، بیان می‌کنند که قوانین

و رویه‌های حسابداری توسط تعداد زیادی از عوامل کاملاً متفاوت تحت تأثیر قرار می‌گیرند که مهم‌ترین آن عوامل سیستم اقتصادی و سیاسی، سیستم قانونی، سیستم مالیاتی، سیستم تامین مالی شرکت‌ها و حرفه حسابداری است. بارکر و همکاران (۲۰۰۷) نیز بیان نمودند که تفاوت در سیستم قانونی و اقتصادی موجب تفاوت در حسابداری می‌شود. نوبز در سال ۱۹۹۸ مدلی جامع ارائه نمود تا دلایل تفاوت در رویه‌های حسابداری در سطح بین‌المللی را نشان دهد. مدل مذکور بر دو مبنای قدرت بازار سرمایه و درجه نفوذ فرهنگی طبقه‌بندی شده است. او نشان داد که علت تفاوت در رویه‌های حسابداری مواردی از جمله سیستم سیاسی، مذهب و اینکه کشور در چه مرحله‌ای از توسعه است، می‌باشد.

طی مطالعه دیگری در سال ۱۹۹۸، گری بیان نمود که تفاوت در چارچوب‌های گزارشگری مالی به دلیل سیستم‌های قانونی، محیط اقتصادی، شیوه تامین مالی شرکتی، اندازه و قدرت حرفه حسابداری و فرهنگ ملی هر کشور است. عوامل محیطی مختلف که طبق ادبیات حسابداری بر وجود گوناگونی و تنوع در چارچوب‌های گزارشگری، استانداردها و رویه‌های حسابداری در سطح بین‌المللی اثر می‌گذارند در شکل ۱ بر اساس مطالعه برانسون و همکاران (۲۰۰۹) طبقه‌بندی شده است که در ادامه به هریک از آنها بطور جداگانه پرداخته خواهد شد. طبقه‌بندی مذکور، اکثر عوامل محیطی شناسایی شده موثر بر گوناگونی حسابداری را بر اساس ادبیات و تحقیقات پیرامون این موضوع نشان می‌دهد و بر همین اساس این مقاله با تأکید بر این عوامل، گوناگونی استانداردهای حسابداری را مورد بررسی قرار داده است.



شکل (۱): عوامل محیطی اثرگذار بر تنوع در حسابداری

محیط اقتصادی

تأثیر با اهمیت محیط اقتصادی بر چارچوب‌های گزارشگری مالی در تعداد زیادی از تحقیقات بیان شده است (مانند مک آرتر، ۱۹۹۶؛ نیدلز و همکارانش، ۲۰۰۲؛ آرچامبالت، ۲۰۰۳؛ بلکویی و النجار، ۲۰۰۶؛ بیکر و باربو، ۲۰۰۷؛ دینگ و همکارانش، ۲۰۰۷؛ اسپتیس و جگر کپلو، ۲۰۰۷؛ و مشایخی و مشایخ، ۲۰۰۸).

محیط اقتصادی هر کشور ساختارهایی را بوجود می‌آورد که طبق آنها نیازهای اطلاعاتی و گزارشگری تعیین می‌گردد. با توجه به مطالعات فوق الذکر، عمده عوامل اقتصادی که بر ایجاد چارچوب‌های گزارشگری مالی اثر می‌گذارند عبارتند از خصوصی سازی، روابط اقتصادی بین‌المللی، مراحل توسعه اقتصادی و تجارت بین‌الملل.

خصوصی سازی: خصوصی سازی، واگذاری مالکیت دولتی به بخش غیر دولتی و واگذاری مدیریت دولتی به بخش غیردولتی تعریف می‌گردد. بطور کلی خصوصی سازی شرکت‌ها، نیاز به در دسترس عموم قرار دادن اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد. اشرف و قانی (۲۰۰۵) طی مطالعه‌ای بیان نمودند که وجود رویه‌های مختلف در حسابداری، با افزایش نقش بخش خصوصی، مرتبط است. مشایخی و مشایخ (۲۰۰۸) نیز از خصوصی سازی به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر توسعه حسابداری در کشور ایران یاد کردند. کاملا (۲۰۰۷)، الشیاب (۲۰۰۸)، الشراری و عبدالله (۲۰۰۸) و اکرا و همکاران (۲۰۰۹) نیز بیان نمودند که خصوصی سازی در کشور اردن یکی از انگیزه‌های انتخاب و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بوده است. کامیسا (۲۰۰۲) نیز از مربوط بودن استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای کشورهای در حال توسعه کمونیستی دفاع کرد، زیرا این کشورها باید نیازهای بازارهای سرمایه و بخش خصوصی را برآورده می‌نمودند.

روابط اقتصادی بین‌المللی: روابط اقتصادی بین‌المللی یک کشور را می‌توان میزان حضور کشور در بازارهای بین‌المللی تعریف نمود (کمان، ۲۰۱۳). محیط سرمایه‌گذاری یک کشور باید برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب باشد و وجود یک چارچوب گزارشگری مالی مناسب جهت اطمینان بخشی در خصوص کیفیت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی امری ضروری است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، با هدف افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی، چارچوب‌های گزارشگری مالی خود را تغییر داده‌اند.

حنیفا و کوک (۲۰۰۲)، طی مطالعه‌ای بیان نمودند زمانی که سهم زیادی از سهام شرکت تحت مالکیت سرمایه‌گذاران خارجی است، تقاضا برای افشای اطلاعات افزایش می‌یابد. مشایخ و مشایخی (۲۰۰۸) نیز بیان نمودند که بهبود استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی موجب افزایش سودمندی گزارشات مالی برای سرمایه‌گذاران خواهد شد و این امر راهی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی خواهد بود. به گفته گراوند (۱۳۹۴) افزایش روابط اقتصادی میان کشورهای مختلف در جهان و نیاز به استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، ضرورت دستیابی به اطلاعات قابل مقایسه و قابل اتکا و کاهش هزینه‌های تطبیق صورت‌های مالی که با استفاده از استانداردهای ملی تهیه شده‌اند، موجب ایجاد تمایل به هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری و همگرایی در میان کشورها شده است. ابروین و لوکاس (۲۰۰۶ و ۲۰۰۸) نیز بیان نمودند که انتخاب و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط امارات متحده عربی^۴ با هدف ایجاد و جذب سطوح بالاتری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است.

مراحل توسعه اقتصادی: طبق مطالعات دینگ و همکاران (۲۰۰۷)، انتظار می‌رود که شرکت‌ها در مراحل مختلف توسعه اقتصادی، رویه‌های حسابداری متفاوتی داشته باشند. به گفته ارچامبولت (۲۰۰۳)، نیاز شرکت‌ها به نقدینگی در زمان افزایش توسعه اقتصادی بیشتر می‌شود و در نتیجه نیاز به گزارشگری مالی افزایش خواهد یافت. حتی قبل از آن نیز در سال ۱۹۸۳، نوبز بیان نموده است که در کشورهای در حال توسعه، توسعه اقتصادی بر رویه‌های عمل حسابداری تأثیرگذار است. رودکی و مشایخ و مشایخی نیز در سال ۲۰۰۸ اثر توسعه اقتصادی بر حرفه حسابداری و استانداردگذاری در ایران را تأیید نمودند.

در جهان عرب نیز چندین مطالعه اثر توسعه اقتصاد بر چارچوب‌های گزارشگری مالی را تأیید نموده‌اند. الشماری در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ دریافت که رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای عرب^۵ عامل مشوق، در بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بوده است. حساب النبی و همکاران (۲۰۰۳) و حساب النبی و مسیح (۲۰۰۵) نیز اثرگذاری مرحله توسعه اقتصادی بر توسعه حسابداری در مصر را تأیید نمودند. ناصر و همکاران (۲۰۰۶) نیز طی مطالعاتی به این نتیجه رسیدند که میزان افشا در کشور قطر با مرحله توسعه اقتصادی در ارتباط است.

تجارت بین‌الملل: رویه‌های گزارشگری مالی که مورد استفاده شرکای یک معامله بین‌المللی قرار می‌گیرد بر چارچوب گزارشگری مالی کشور اثرگذار است. به‌عنوان مثال، ابروین (۲۰۰۸)

بیان نمود که معاملات بین‌المللی میان کشورهای عربی و کشورهای اروپایی موجب شد تا کشورهای عربی اقدام به پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نمایند. اثر معاملات بین‌المللی بر چارچوب گزارشگری مالی در سایر مطالعات نیز تأیید شده است (مانند گری، ۱۹۹۸؛ اروین، ۲۰۰۸).

محیط سیاسی

روبرتز و همکاران (۲۰۰۵) میان سیستم سیاسی و سیستم اقتصادی رابطه ایجاد نمودند و سیستم سیاسی - اقتصادی را یکی از اثرگذارترین عوامل بر مقررات مربوط به گزارشگری مالی و رویه های حسابداری برشمردند. آنها بر این باور بودند که گزارشگری مالی تحت تأثیر روشی است که کشور تحت آن روابط اقتصادی خود را سازماندهی می‌کند و نوع سیستم سیاسی و به طبع آن میزان دخالت دولت در موضوعات اقتصادی بر چارچوب گزارشگری مالی مورد استفاده شرکت‌ها اثرگذار است.

بر اساس ادبیات موجود، در کشورهای در حال توسعه سیستم‌های حسابداری تحت تأثیر محیط سیاسی قرار می‌گیرند. تشخیص عواملی که به واسطه محیط سیاسی بوجود می‌آیند همیشه واضح و مشخص نیست و در برخی موارد عاملی با سایر عوامل رابطه دارد. عوامل سیاسی که بر اساس ادبیات حسابداری عمدتاً وجود دارند شامل ثبات سیاسی^۷، حسابداری^۸ و دموکراسی است.

سیستم‌های سیاسی در اکثر کشورهای توسعه یافته بخوبی شکل گرفته و بر مبنای سطوح بالایی از دموکراسی، آزادی، ثبات سیاسی و فرهنگ پاسخگویی و حسابداری هستند. این خصوصیات سیاسی در سیستم‌های تجاری و چارچوب‌های گزارشگری مالی آنها نمود یافته است. از طرفی، کشورهای در حال توسعه، اغلب فاقد تمام یا بخشی از این خصوصیات هستند و حتی اگر این خصوصیات را داشته باشند، سیستم‌های سیاسی آنها اغلب در معرض تغییرات است.

در ادبیات حسابداری، این باور وجود دارد که عواملی از جمله ساختار سیاسی، آزادی سیاسی و مدنی^۹، مشارکت سیاسی و دموکراسی عمدتاً بطور غیرمستقیم بر چارچوب‌های گزارشگری مالی، بخصوص در کشورهای در حال توسعه اثرگذار هستند.

ثبات سیاسی: نوبز در سال ۱۹۹۸ ادعا نمود که سیستم‌های سیاسی در کشورهای توسعه یافته بر حسابداری اثر نمی‌گذارند، زیرا در این کشورها به اندازه کافی هماهنگ سازی حسابداری^۹ وجود دارد، اما این موضوع در مورد کشورهای در حال توسعه صادق نیست.

حسابدهی: اولاندر و میرز (۲۰۱۳) طی تحقیقی بیان نمودند که بکارگیری رویکرد حسابدهی موجب دسترسی سریعتر به هماهنگ سازی در حسابداری خواهد شد. کردری و سیم (۲۰۱۶) نیز طی مطالعه‌ای همین امر را تأیید نمودند.

دموکراسی: بال و همکاران (۲۰۰۳)، اثرگذاری عوامل سیاسی بر رویه‌های عمل گزارشگری مالی در کشورهای آسیای شرقی را به دلیل دموکراسی پایین محتمل دانستند. طبق اظهارات حساب‌النهی و همکاران در سال ۲۰۰۳، در دوران دموکراسی در مصر رشد بیشتری در حرفه حسابداری اتفاق افتاده است و به اعتقاد آنها آزادی سیاسی و دموکراسی اجزای اصلی از محیط سیاسی هستند. ارجامبالت (۲۰۰۳) نیز بیان نمود که با افزایش آزادی سیاسی، میزان افشا افزایش خواهد یافت. آزادی سیاسی به معنای حقوق سیاسی و توانایی مشارکت و رای‌دهی شرکت‌ها، در فرآیندهای سیاست‌گذاری است.

محیط قانونی و مالیاتی

محیط قانونی و مالیاتی اثر مستقیمی بر چگونگی شکل‌گیری و استانداردگذاری حسابداری دارد.

محیط قانونی: بسیاری از نویسندگان دریافته‌اند که محیط قانونی اثر بااهمیتی بر توسعه استانداردها و رویه‌های حسابداری دارد (مانند گری، ۱۹۸۰؛ لارسون و برون، ۲۰۰۱؛ رحمان و همکارانش، ۲۰۰۲؛ نیدلز و همکارانش، ۲۰۰۲؛ پرا و بیدان، ۲۰۰۷ و رودکی، ۲۰۰۸).

اثر محیط قانونی بر حسابداری در ادبیات حسابداری عمدتاً با تمرکز بر تمایز میان دو سیستم قانونی شامل "قانون عرفی"^{۱۰} و "قانون کد"^{۱۱} بحث شده است. نوع سیستم قانونی می‌تواند بر رویکرد مقررات حسابداری و قوانین مربوطه مانند قانون تجارت و قانون شرکت‌ها اثرگذار باشد و تحت آن شکل و اهداف صورت‌های مالی تعریف شود. در ادبیات حسابداری درخصوص تفاوت‌های اصلی بین این دو سیستم و چگونگی اثرگذاری آنها بر استانداردها و رویه‌های

حسابداری بحث شده است (مانند حورا، ۱۹۹۵؛ بال و همکاران، ۲۰۰۰؛ آرچامبالت، ۲۰۰۳؛ بال و همکاران، ۲۰۰۳؛ اشرف و قندی، ۲۰۰۵؛ مشایخ و مشایخی، ۲۰۰۸).

در کشورهای دارای قانون عرفی، چارچوب‌های گزارشگری مالی به سمت ارائه منصفانه، شفافیت و افشای کامل گرایش دارند (این چارچوب به عنوان مدل آنگل - ساکسون شناخته شده است). در این کشورها، در واقع استانداردگذاری بر مبنای نیازهای بخش خصوصی است و دخالت ارگان‌های دولتی محدود بوده و بازار سرمایه منبع اصلی تامین مالی واحدهای تجاری است. بنابراین، هدف اولیه صورت‌های مالی در سیستم مذکور رضایتمندی سهامداران و سرمایه‌گذاران است و چارچوب‌های قانونی بر حقوق سهامداران تأکید دارند.

در مقابل در کشورهای با سیستم قانونی کد، دولت استانداردهای حسابداری را وضع و الزام به اجرا می‌کند و بانک‌ها و دولت منابع اصلی تامین مالی هستند. بنابراین، گزارشگری مالی با هدف حمایت از بستانکاران و اعتباردهندگان تهیه می‌شود (این چارچوب به عنوان مدل کنتیننتال شناخته شده است). در این سیستم، گزارشگری مالی شامل افشای محدود و مطابق با قانون تجارت و قانون مالیاتی است.

بسیاری از مطالعات تأیید نموده‌اند که دو نوع سیستم قانونی فوق‌الذکر بر موضوعات حسابداری از جوانب مختلف از جمله انتخاب و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اثر می‌گذارند. جاگی و لو (۲۰۰۰) دریافتند که کشورهای دارای قانون عرفی، افشای مالی بیشتری دارند و در مقابل پراتر-کینسی و همکاران در سال ۲۰۰۸ دریافتند که استانداردهای ملی کشورهایی که بر مبنای سیستم قانون عرفی هستند، قابلیت مقایسه بیشتری با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مقایسه با کشورهای دارای قانون کد دارند. بر این اساس، بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای با سیستم قانونی کد موجب تغییری با اهمیت در گزارشات مالی، نسبت به کشورهای دارای قانون عرفی خواهد شد.

محیط مالیاتی: محیط مالیاتی نیز بر چارچوب گزارشگری مالی اثرگذار است. در برخی از کشورها، گزارشگری مالی منعکس‌کننده قوانین مالیاتی است (علی و هانگ، ۲۰۰۰). نوبز در سال ۱۹۸۳ طی مطالعاتی بیان نمود که قوانین مالیاتی بر روش اندازه‌گیری حسابداری تأثیر بااهمیتی دارند. مشایخ و مشایخ (۲۰۰۸) دریافتند که قانون مالیات بر توسعه و پیشرفت حسابداری در ایران تأثیرگذار بوده و این موضوع چالشی برای استانداردگذاران ایجاد نموده

است. هانگ و صابرنیام (۲۰۰۷) ادعا نمودند که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، مستقل از ملاحظات گزارشگری مالیاتی است. ساماها و استپلتون نیز در سال ۲۰۰۸ نشان دادند که میزان بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مصر در بخش‌هایی که با قانون مالیاتی در تضاد است، کمتر از سایر بخش‌ها است. سایر نویسندگان نیز شواهدی مبنی بر اثرگذاری قوانین مالیاتی بر قواعد و رویه‌های گزارشگری مالی ارائه نمودند (مانند گری، ۱۹۸۰؛ علی و هانگ، ۲۰۰۰؛ لارسون و برون، ۲۰۰۱؛ هاورالز، ۲۰۰۷؛ رودکی، ۲۰۰۸ و سماها و استپلتون، ۲۰۰۸).

محیط حرفه‌ای

کیفیت گزارشگری مالی به میزان پیشرفت حرفه حسابداری وابسته است. پیشرفت حرفه حسابداری مفهومی گسترده است و به چند روش می‌توان آن را اندازه‌گیری نمود. شاخصه‌های مهم میزان پیشرفت حرفه حسابداری طبق ادبیات حسابداری شامل کفایت استانداردهای حسابداری، وجود و اهمیت گروه‌های حرفه‌ای، کفایت صلاحیت حسابداران و وجود پشتوانه قانونی و نظارتی است.

استانداردهای حسابداری: کند و پتل (۲۰۰۸) بیان نمودند که استانداردها و رویه‌های عمل کنونی حسابداری بطور سنتی شکل گرفته‌اند و تأثیر بااهمیتی بر فرآیند هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی داشته‌اند.

گروه‌های حرفه‌ای: تفاوت‌های موجود در چارچوب‌های گزارشگری مالی به دلایل مختلفی از جمله اندازه و قدرت حرفه حسابداری است (گری، ۱۹۹۸). عسکری در سال ۲۰۰۶ اشاره نمود که گروه‌های حرفه‌ای حسابرسی و حسابداری ملی باید در توسعه و بهبود عملکرد حسابرسی و حسابداری بطور فعالانه عمل نمایند. علی و هانگ (۲۰۰۰) طی مطالعاتی دریافتند در کشورهایی که گروه‌های بخش خصوصی در فرآیند استانداردگذاری مداخله ندارند، اطلاعات حسابداری مالی از مربوط بودن^{۱۲} کمتری برخوردارند. رودکی (۲۰۰۸) نیز بیان نمود که وجود یک حرفه حسابداری قدرتمند برای توسعه و پیشرفت استانداردهای حسابداری و حسابرسی امری ضروری است و نبود گروه‌های حرفه‌ای حسابداری قدرتمند، مانع از استانداردگذاری مناسب در کشورهای در حال توسعه مانند ایران می‌گردد.

صلاحیت حسابداران: چندین مطالعه (مانند چن و همکاران، ۲۰۰۲؛ اسپتیس و جغراکپلو، ۲۰۰۷؛ لاندویست و همکاران، ۲۰۰۸) اثر صلاحیت حسابداران بر توسعه و پیشرفت چارچوب‌های گزارشگری مالی و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را تأیید نموده‌اند. کند و پتل (۲۰۰۸) دریافتند که اعتبار و تجربه حسابداران حرفه‌ای بر هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیرگذار است.

پشتوانه قانونی و نظارتی: در نبود سازوکارهای اجرا و نظارتی تأثیرگذار، کیفیت حسابداری پایین خواهد بود. اشرف و غنی در سال ۲۰۰۵ بیان نمودند که ارگان‌ها و سازوکارهای اجرا در بهبود کیفیت گزارشگری مالی در پاکستان نقشی مهم و تعیین‌کننده دارند. رحمان و همکاران (۲۰۰۲) نیز ادعا نمودند که اثربخشی سازوکارهای اجرا در همسو نمودن رویه‌های عمل حسابداری، اهمیتی برابر با نهادهای استانداردگذار دارد. اهمیت سازوکار اجرا در ترغیب به توسعه حسابداری در بسیاری از مطالعات تأیید شده است (بال و همکاران، ۲۰۰۳؛ ساماها و استیلتون، ۲۰۰۸).

محیط تجاری

محیط تجاری بخش عمده‌ای از شکل و محتوای اطلاعات مورد نیاز را تعیین می‌نماید و بنابراین به شکل‌گیری قوانین و رویه‌های عمل چارچوب گزارشگری مالی کمک می‌نماید. عوامل مرتبط با محیط تجاری در طبقات خصوصیات شرکت، میزان توسعه و پیشرفت بازار سرمایه و سیستم تامین مالی طبقه‌بندی شده‌اند.

خصوصیات شرکت: در ادبیات حسابداری این توافق نظر وجود دارد که خصوصیات متفاوت شرکت بر نوع اطلاعات حسابداری مورد نیاز و ویژگی‌های چارچوب گزارشگری مالی تأثیرگذار است. موثرترین خصوصیات مذکور عبارتند از اندازه، نوع صنعت، شکل قانونی، میزان تمرکز مالکیت و عضویت در بورس.

- اندازه: بسیاری از نویسندگان بر این باورند که اندازه شرکت معیار مهمی در تعیین میزان افشا و چارچوب گزارشگری مالی است (مانند جاگی و لا، ۲۰۰۰؛ جوشی و المودهاکی، ۲۰۰۱؛ جوشی و برمسر، ۲۰۰۳؛ ناصر و همکاران، ۲۰۰۶؛ الساید و هکو، ۲۰۱۰). بوسو و کامر (۲۰۰۷) بر این باورند که شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچکتر اطلاعات بیشتری افشا

می‌نمایند، زیرا این شرکت‌ها دامنه گسترده‌تری از مالکین را دارند. رحمان و همکاران (۲۰۰۲) نیز بیان می‌کنند که با توجه به اینکه شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچکتر از حجم فعالیت بیشتری برخوردار هستند، تغییرات بیشتری در رویه عمل آنان به وجود می‌آید و باید به میزان بیشتری اقدام به افشای اطلاعات نمایند. بسیاری از مطالعات به این نتیجه رسیدند که اندازه شرکت بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و رعایت الزامات آن اثرگذار است. هانگ و صابرامانیام (۲۰۰۷) بیان نمودند که در آلمان شرکت‌های بزرگ‌تر در مقایسه با سایر شرکت‌ها، در پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پیشقدم هستند. جوشی و راماهان (۲۰۰۲)، در شرکت‌های بحرینی نیز به همین نتیجه رسیدند. تأثیر اندازه شرکت بر میزان پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط سایر مطالعات نیز تأیید شده است (آلجیفری و کاشارمه، ۲۰۰۶؛ فلوروپولاس، ۲۰۰۶؛ جاگاناس و نانجیگودا، ۲۰۰۸؛ الشماری و همکاران، ۲۰۰۸).

- صنعت: چارچوب‌های گزارشگری مالی و هماهنگ‌سازی حسابداری با توجه به نوع صنایع تحت تأثیر قرار می‌گیرد (رحمان و همکاران، ۲۰۰۲؛ حنیفا و کوک، ۲۰۰۲؛ بوسو و کومار، ۲۰۰۷؛ الشماری و همکاران، ۲۰۰۸). صنایعی مانند نفت و بانکداری در گرایش به انواع استانداردهای حسابداری و رویه عمل‌های آن تأثیرگذار هستند. در نیمه دوم قرن گذشته، حسابداری در پی ظهور صنعت نفت به برخی کشورهای در حال توسعه معرفی شد و اثرگذاری صنعت مذکور بر چارچوب‌های گزارشگری مالی این کشورها هنوز هم نمود دارد. ریتیچی و کوروات (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان دادند که شرکت‌های نفتی آمریکایی و بریتانیایی بر رویه‌های عمل حسابداری در لیبی بسیار تأثیرگذارند. آنها افزودند که این اثر هنوز هم در گزارشگری مالی این شرکت‌ها نمایان است. ریسک بالای مرتبط با عملیات بانک‌ها و سایر نهادهای مالی موجب می‌گردد تا مقررات سختی بر آنها حاکم باشد و انواع افشانات کمی و کیفی برای آنها الزامی گردد. بنابراین میزان تسلط صنعت بانکداری، معیاری برای سطح افشا و متعاقباً محتوای صورت‌های مالی است. الساید و هوگو (۲۰۱۰) نیز استدلال نمودند که شرکت‌هایی که در صنایع تحت نظارت بیشتر فعال هستند، مانند بانک‌ها و بیمه‌ها، در وهله اول بر آوردن الزامات نظارتی را مدنظر دارند.

- شکل قانونی: زوواس در سال ۲۰۰۶ اظهار نمود که رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری تحت تأثیر وضعیت قانونی شرکت (عمومی یا خصوصی بودن) قرار می‌گیرند. عبدالسلام و میتمن در سال ۲۰۰۷ در مورد شرکت‌های عضو بورس مصر بیان کردند که شرکت‌های بخش عمومی بیشتر در تیررس عموم و نهادهای دولتی قرار دارند و افشانات بیشتری نسبت به شرکت‌های بخش خصوصی دارند. الساید و هوگو نیز در سال ۲۰۱۰ به نتایج یکسانی رسیدند.
- میزان تمرکز مالکیت: زمانی که تعداد سهامداران شرکت محدود باشد، نیاز به افشا کاهش می‌یابد. رحمان و همکاران (۲۰۰۲) دریافتند که شرکت‌هایی که دارای سهام شناور بیشتری هستند اقدام به افشای بیشتری می‌نمایند. حنیفا و کوک در همان سال افزودند که شرکت‌های دارای مالکیت پراکنده‌تر، به میزان بیشتری اقدام به افشای اطلاعات می‌نمایند، زیرا این امر به مالکان شرکت کمک می‌کند تا رفتار مدیریت که طبق تئوری نمایندگی تعریف شده را نظارت نمایند. آنها بیان نمودند که تمرکز مالکیت، همبستگی منفی با میزان افشای داوطلبانه اطلاعات دارد.
- عضویت در بورس: عموماً شرکت‌های عضو بورس افشانات بیشتری در مقایسه با شرکت‌های خارج از بورس انجام می‌دهند، زیرا آنها موظفند تا نیازهای اطلاعاتی ذینفعان مختلف را برآورده سازند. درخصوص پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیز شرکت‌های عضو بورس تمایل بیشتری به بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند (الساید و هوگو، ۲۰۱۰). گودمن و هیرچ در سال ۲۰۱۵ نیز بیان نمودند که بعد از فروپاشی انرون و فاش شدن اقدامات متقلبانه آن، سهامداران خواستار شفافیت بیشتر از شرکت‌ها شدند. مطالعات زیادی دریافتند که یکی از نیازهای اولیه برای عضویت در بورس‌های خارجی بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است (الگزر و همکاران، ۱۹۹۹؛ تیلور و جونز، ۱۹۹۹؛ هانگ و صابرمانیام، ۲۰۰۷).

میزان توسعه و پیشرفت در بازار سرمایه

بازارهای سرمایه بر قواعد حسابداری و اجرایی نمودن رویه‌های حسابداری تأثیرگذار هستند. در برخی کشورها، حسابداری عمدتاً بوسیله مقررات بازار سرمایه قانون‌گذاری می‌شود. بنابراین،

به نظر می‌رسد که فشار برای تغییر در رویه حسابداری از بازارهای سرمایه ظهور می‌کند (پرامپرال و همکاران، ۲۰۰۹). دینگ و همکاران (۲۰۰۷) کیفیت گزارشگری مالی را با توسعه بازار سرمایه مرتبط ساخته‌اند.

ارچامبالت (۲۰۰۳) بیان نمود که ماهیت بازار سرمایه بر نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است، بطوریکه شرکت‌هایی که از کشورهای با بازار سرمایه بزرگ هستند اطلاعات بیشتری را در مقایسه با شرکت‌هایی که از کشورهای با بازار سرمایه کوچک هستند، افشا می‌نمایند. اثرگذاری بازار سرمایه بر میزان افشای اطلاعات توسط رودکی در سال ۲۰۰۸ نیز تأیید شده است. فرانسیس (۲۰۱۳) اظهار نمود که امروزه فشار آوردن از سوی بازارهای سرمایه در سطح جهان برای هماهنگ‌سازی و همگرایی، قابل چشم‌پوشی نیست. برس و همکاران (۲۰۱۲) و وانگ (۲۰۱۴) نیز بیان نمودند که بازار سرمایه می‌بایست اطلاعاتی را فراهم آورد تا سرمایه‌گذاران بتوانند شباهت‌ها و تفاوت‌های میان اطلاعات شرکت‌های مختلف در کشورهای مختلف را شناسایی نمایند. هانگ و لی (۲۰۱۵) نیز بیان نمودند که شرکت‌ها برای جذب سرمایه بیشتر اقدام به افشای داوطلبانه اطلاعات مازاد می‌نمایند. سایر نویسندگان نیز بر اثرگذاری بازار سرمایه روی قواعد حسابداری و رویه‌های عمل آن شامل انتخاب و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اشاره نموده‌اند (ادیکاری و تندکار، ۱۹۹۲؛ چامیسا، ۲۰۰۰؛ نیدلز و همکاران، ۲۰۰۲؛ زگال و مدبی، ۲۰۰۶؛ مشایخ و مشایخی، ۲۰۰۸).

سیستم تامین مالی

نوع تامین مالی تعیین می‌نماید که شرکت‌ها باید در چه جهتی از افشای اطلاعات مالی عمل نمایند. بنابراین، نوع تامین مالی بر شکل و محتوای صورت‌های مالی تأثیرگذار است. بطور کلی، دو نوع سیستم تامین مالی وجود دارد که عبارتند از سیستم تامین مالی بر مبنای سهام (بازار سرمایه) و سیستم تامین مالی بر مبنای بدهی (بازار پول-بانک). چندین مطالعه اهمیت سیستم تامین مالی بر افشای مالی و یا پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را تأیید نموده‌اند (مانند هورا، ۱۹۹۵؛ آرچامبالت، ۲۰۰۳؛ ناصر و همکاران، ۲۰۰۶؛ تاواس، ۲۰۰۶).

علی و هانگ (۲۰۰۰) و برگلف (۱۹۹۰) به تفاوت‌های میان سیستم‌های تامین مالی بازار محور و بانک محور پرداختند و اثرات آن‌ها را بر افشای اطلاعات بررسی نمودند. در سیستم‌های بانک

محور دستیابی مستقیم به اطلاعات شرکت وجود دارد و تقاضا برای انتشار صورت‌های مالی کاهش می‌یابد. در مقابل، در سیستم‌های بازارمحور، سرمایه‌گذاران بسیاری وجود دارند که امکان دسترسی مستقیم به اطلاعات شرکت را ندارند و به احتمال زیاد سرمایه‌گذاران عمدتاً بر افشانات حسابداری مالی تأکید می‌کنند تا بتوانند ارزش سهم را ارزیابی نموده و بر مدیریت شرکت نظارت داشته باشند.

نویز در سال ۱۹۹۸ نشان داد که هدف گزارشگری مالی توسط سیستم تامین مالی تعیین می‌گردد و تفاوت در هدف باعث ایجاد تفاوت در رویه حسابداری می‌شود. رحمان و همکاران (۲۰۰۲) نیز به اثرگذاری تنوع در سیستم‌های تامین مالی بر همگون‌سازی و همگرایی حسابداری تأکید نمودند و اظهار داشتند که شرکت‌هایی که سرمایه بالاتری دارند، اطلاعات بیشتری هم از نظر مقدار و هم از نظر تنوع افشا می‌نمایند.

محیط فرهنگی

بخش قابل ملاحظه‌ای از تحقیقات درخصوص رابطه میان چارچوب گزارشگری مالی و محیط فرهنگی، توسط هافستد (۱۹۸۳، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴) و گری (۱۹۸۸) صورت گرفته است.

هافستد (۱۹۸۴)، فرهنگ را به عنوان برنامه‌ریزی بهم‌پیوسته ذهنی که اعضای یک گروه یا جامعه را از سایر اعضا متمایز می‌سازد، تعریف نموده است. او چهار حوزه از تفاوت‌های بین المللی در ارزش‌های فرهنگی را در ارتباط با محیط چارچوب گزارشگری مالی کشورها بیان نموده است که شامل اجتناب غیرقطعی قوی در مقابل ضعیف^{۱۳}، فاصله قدرت سیاسی کم در مقابل زیاد^{۱۴}، مردسالاری در مقابل زن سالاری، فردمحوری در مقابل جمع محوری است. با توجه به تقسیم‌بندی مذکور، گری چهار حوزه برای حسابداری در این گروه‌ها تعریف نمود که شامل کنترل حرفه‌ای در مقابل کنترل قانونی و دولتی^{۱۵}، یکنواختی در مقابل انعطاف‌پذیری، محافظه‌کاری در مقابل خوش‌بینی و رازداری در مقابل شفافیت است. دو مورد نخست نشانگر مشخصه‌های مربوط به مقررات و نوع و سطح کنترلی که اعمال می‌شود، است و حوزه سوم مرتبط با اندازه‌گیری بوده و حوزه چهارم بر افشا تمرکز دارد. مدل گری-هافستد در بسیاری از مطالعات برای بررسی اثر فرهنگ بر حسابداری استفاده شده است (آمات و همکاران، ۱۹۹۹؛

جاگی و لا، ۲۰۰۰؛ دهاوی و همکاران، ۲۰۰۲؛ حساب‌النبی و مسیح، ۲۰۰۵؛ عسکری، ۲۰۰۶ و عبدالسلام و ویمن، ۲۰۰۷).

دهاوی در سال ۲۰۰۹ بر اثرگذاری ارزش‌های فرهنگی بر حسابداری تأکید نمود. او دریافت که میزان افشا توسط شرکت‌های مصری بوسیله فرهنگ رازداری در مصر تحت تأثیر قرار گرفته‌است. کو و لانگ در سال ۲۰۰۶ دریافتند که میزان افشای شرکت‌های چینی بوسیله تغییر در نرم اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

اثر فرهنگ بر هماهنگ‌سازی حسابداری بطور گسترده در ادبیات حسابداری تأکید شده است. آرچامبالت (۲۰۰۳)، ارتباطی قوی میان میزان افشا و سیستم‌های فرهنگی دریافت. بسیاری از مطالعات دیگر (مانند زغال و مدبی، ۲۰۰۶؛ بیکر و باربو، ۲۰۰۷ و پرومپال و همکاران، ۲۰۰۹) در مورد اثرگذاری فرهنگ بر دستیابی به همگون‌سازی حسابداری بین‌الملل نگران هستند. به بیان حاجیها و سلطانی در سال ۱۳۹۳، فرهنگ هر جامعه به طور ناخودآگاه بر نحوه طراحی و اجرای سیستم‌های اطلاعاتی موجود در شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف آن جامعه تأثیر می‌گذارد و به عبارتی، اختلافات فرهنگی موجود در جوامع موجب ایجاد تفاوت در فرهنگ سازمانی می‌شود و این امر بر متغیرهای حسابداری تأثیرگذار است. در همین ارتباط، عسکری (۲۰۰۶) بیان نمود که گونه‌های متفاوت فرهنگ مانع از یکپارچگی جهانی رویه‌های حسابداری خواهد شد.

مذهب جزء اصلی فرهنگ است و بنابراین بر چارچوب گزارشگری مالی اثرگذار است. به گفته نوبز در سال ۱۹۹۸، اثرگذاری مذهب بر حسابداری در کشورهای درحال توسعه، بخصوص در کشورهای اسلامی محتمل‌تر است. اسلام اثری عمیق بر جوامع مسلمان دارد و این اثر امور تجاری را نیز تحت الشعاع قرار داده است و اسلام تجارت را به عنوان موضوعی اخلاقی مدنظر قرار می‌دهد (کریم، ۲۰۰۱). به گفته برخی محققین ساختار تجارت و تامین مالی در کشورهای اسلامی توسط قوانین شرعی تحت تأثیر قرار گرفته است (حمید و همکاران، ۱۹۹۳؛ لویز، ۲۰۰۱؛ ملاهی، ۲۰۰۱ و پرا و بیدون، ۲۰۰۷).

حسابداری حتی تحت تأثیر آموزه‌های شرعی نیز قرار گرفته است. چندین مطالعه تأیید نموده‌اند که اسلام بر ساختار، مفاهیم زیربنایی و سازوکارهای حسابداری در جهان اسلام اثرگذار بوده است (پمرنز، ۱۹۹۷؛ سلیمانی، ۲۰۰۳؛ روبرتز و همکاران، ۲۰۰۵؛ کاملا و همکاران،

۲۰۰۶ و کاملاً، ۲۰۰۷). نویسندگان بر این عقیده‌اند که مذهب و بویژه اسلام قدرت اثرگذاری بر همگون‌سازی بین‌المللی حسابداری را دارد. مانند سایر جوانب محیط فرهنگی، توسعه حسابداری در کشور، ممکن است بوسیله زبان نیز تحت تأثیر قرار بگیرد. بسیاری از مطالعات مانند مطالعات نیدلز و همکاران (۲۰۰۲)، عبدالسلام و ویتمن (۲۰۰۳)، الجفیری و خاشرمه (۲۰۰۶) و تیرال و همکاران (۲۰۰۷) بر اهمیت زبان در توسعه چارچوب‌های گزارشگری مالی در کل و بخصوص دستیابی به هماهنگ‌سازی حسابداری تأکید نموده‌اند.

محیط تحصیلی

به هر میزان که سطح آگاهی و تحصیلات در کشور بالاتر باشد، حسابداری بیشتر پیشرفت خواهد کرد. در ادبیات حسابداری، سطح تحصیلات به روش‌های ذیل اندازه‌گیری می‌شود: نرخ تحصیلات عمومی، سطح تحصیلات دانشگاهی در رشته حسابداری و یا سطح دانش حسابداران در زمینه‌های دانشگاهی، تجربی و عملی.

چندین مطالعه درخصوص اثرگذاری سطح تحصیلات بر چارچوب‌های گزارشگری مالی مورد استفاده در کشورهای مختلف تأکید نموده‌اند (مانند زغال و مدبی، ۲۰۰۶؛ الفهید و هیگسن، ۲۰۰۸؛ چند و پاتل، ۲۰۰۸؛ ساماها و استپلتون، ۲۰۰۸). اروین و لوکاس (۲۰۰۶) و عبدالسلام و ویتمن (۲۰۰۷) بیان نمودند که حصول سیستم تحصیلی با کیفیت بالا یک پیش‌نیاز برای پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است.

محیط بین‌المللی

چارچوب گزارشگری مالی ملی نه تنها تحت تأثیر محیط بومی است، بلکه محیط بین‌المللی نیز ممکن است در شکل‌گیری خصوصیات آن بخصوص در کشورهای در حال توسعه اثر بااهمیتی داشته باشد. حسابداری در یک کشور می‌تواند در نتیجه‌ی حضور آن کشور در جوامع بین‌المللی توسعه یابد. طرف‌های بین‌المللی مقابل (کشورها یا سازمان‌ها) ممکن است کشوری را به استفاده از قواعدی خاص از حسابداری وادار یا ترغیب نمایند. شرکت‌های بین‌المللی حسابداری نیز نقش مهمی در پیشرفت و بهبود حسابداری بین‌المللی دارند. حنیفا و کوک (۲۰۰۲) بر این باورند که شرکت‌های بین‌المللی حسابداری بر افشای بیشتر شرکت‌ها تأثیر گذارند، زیرا تجربه و تخصص بیشتری دارند و همچنین تمایل دارند که شهرتشان را حفظ

نمایند. اثرگذاری شرکت‌های بین‌المللی حسابداری بر حسابداری در مصر توسط دهاوی در سال ۲۰۰۹ نیز تأیید شده است.

برخی از مطالعات گذشته به نقش شرکت‌های بین‌المللی حسابداری در فشار آوردن برای همگون‌سازی حسابداری پرداخته‌اند. به گفته رحمان و همکاران (۲۰۰۲) حساب‌برسان چند ملیتی به بنیان نهادن کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری در اوایل دهه ۱۹۷۰ کمک نمودند و آنها از اصلی‌ترین حامیان اجرای این استانداردها بودند. چند و پاتل (۲۰۰۸) نیز دریافتند که حضور شرکت‌های بین‌المللی حسابداری یکی از خصیصه‌هایی است که بر همگرایی به سوی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اثرگذار است. اروین و لوکاس (۲۰۰۶) و اروین (۲۰۰۸) استدلال نمودند که انتخاب و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط شرکت‌های اتحادیه اروپا توسط شرکت‌های بین‌المللی حسابداری القا شده است. جوشی و رحمان (۲۰۰۲) و جوشی و همکاران (۲۰۰۸) نیز گفته مذکور را برای شرکت‌های بحرینی تأیید نموده‌اند.

مشایخی و مشایخ (۲۰۰۸) استدلال نمودند که پیوستن به سازمان مبادله جهانی اثر قابل ملاحظه‌ای بر محیط تجاری شرکت‌های عضو می‌گذارد. آنها افزودند که گزارشگری مالی در پی فشار بین‌المللی از جانب بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول جایگاه مهمی در کشور ایران پیدا کرده است.

در همین راستا اروین در سال ۲۰۰۸ ادعا نمود که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به کشورها برای پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی یا توسعه استانداردهای ملی براساس آن، فشار وارد می‌آورند و در برخی موارد پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را یک الزام و ضرورت برای استقراض آنها قرار می‌دهند.

برخی مطالعات اهمیت نقش شرکت‌های چندملیتی^۸ در ترغیب به بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برجسته نموده‌اند. الشماری و همکاران در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نشان دادند که فشار از جانب شرکت‌های چندملیتی یکی از دلایلی است که منجر به بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط دولت‌ها می‌شود. اروین در سال ۲۰۰۸ بر نقش شرکت‌های چندملیتی در بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط اتحادیه اروپا تأکید نمود. جوشی و رامادهان (۲۰۰۲) نیز در بحرین به نتایج مشابهی رسیدند. به گفته

اثنی عشری و احمدخان بیگیف در سال ۱۳۸۷، افزایش شرکت‌های چندملیتی که به صورت فرامرزی فعالیت می‌کنند، نیاز به مجموعه‌ای از استانداردهای یکنواخت را افزایش می‌دهد.

چندین مطالعه نیز به اثرگذاری استعمار بر چارچوب گزارشگری مالی پرداختند. طبق مطالعات نوبز در سال ۱۹۹۸، مستعمره بودن عاملی اصلی در چگونگی شکل‌گیری چارچوب‌های گزارشگری مالی در بسیاری از کشورها است و چارچوب‌های گزارشگری مالی در بسیاری از کشورهای مستعمره تحت تأثیر کشوری است که آن را به استعمار گرفته است (کاملا، ۲۰۰۷؛ تیرال و همکاران، ۲۰۰۷؛ اشرف و گاندی، ۲۰۰۵).

نتیجه‌گیری

همانگ‌سازی استانداردهای حسابداری در میان کشورها موضوعی است که توجهات روز افزون در سطح جهان را از سوی استانداردگذاران، مقامات ناظر، دولت‌ها، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران، فراهم‌کنندگان اطلاعات شرکت‌ها، حسابداران، حسابرسان، دانشگاهیان و نهایتاً استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را به خود جلب نموده است. هدف اصلی در مقاله حاضر تبیین عوامل محیطی اثرگذار بر گوناگونی در چارچوب گزارشگری مالی و استانداردها و رویه‌های حسابداری بود. مرور ادبیات در تحقیق حاضر نشان داد که بسیاری از عوامل محیطی در تعیین خصوصیات چارچوب‌های گزارشگری مالی دخیل هستند که این عوامل قابلیت تقسیم در چند گروه شامل محیط اقتصادی، محیط سیاسی، محیط قانونی و مالیاتی، محیط حرفه‌ای، محیط تجاری، محیط فرهنگی، محیط تحصیلی و محیط بین‌المللی را دارند.

توجه به عوامل محیطی اثرگذار بر تنوع و گوناگونی در چارچوب‌های گزارشگری و استانداردها و رویه‌های حسابداری که طی تحقیق حاضر بیان گردید، پیام مهمی برای همگون‌سازی حسابداری دارد و ضروری است تا سیاستگذاران حسابداری و نهادهای نظارتی از جمله سازمان حسابرسی و سازمان بورس و اوراق بهادار برای دستیابی به هدف هماهنگ‌سازی بر تفاوت‌های محیطی میان کشورها واقف باشند. برای تحقیقات آتی نیز پیشنهاد می‌گردد تا به مزایای ناشی از هماهنگ‌سازی حسابداری و چگونگی پوشش معایب و مشکلات موجود در این حوزه پرداخته شود.

پی‌نوشت

۱	Accounting diversity	۱۰	Common law
۲	International Financial Reporting Standards(IFRSs)	۱۱	Code law
۳	environmental factors	۱۲	value relevance
۴	8 Largest cities in the UAE: Dubai, Abu Dhabi, Sharjah, Al Ain, Ajman, Ras Al Khaimah, Fujairah, Umm al- Quwain	۱۳	Strong versus weak uncertainty avoidance
۵	Gulf Cooperation Council: Bahrain, Kuwait, Oman, Qatar, Saudi Arabia and the United Arab Emirates	۱۴	Large versus small power distance
۶	Political stability	۱۵	Namely professionalism versus statutory
۷	accountability	۱۶	International monetary fund(IMF)
۸	Political & civil freedom	۱۷	World trade organization(WTO)
۹	homogeneous	۱۸	Multinational companies(MNCs)

منابع

- Abd-Elsalam, O. H., & Weetman, P. (2003). Introducing International Accounting Standards to an emerging capital market: relative familiarity and language effect in Egypt. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 12(1), 63-84.
- Al-Akra, M., Ali, M. J., & Marshdeh, O. (2009). Development of accounting regulation in Jordan. *The International Journal of Accounting*, 44(2), 163-186.
- Ali, A., & Hwang, L. S. (2000). Country-specific factors related to financial reporting and the value relevance of accounting data. *Journal of accounting research*, 38 (1), 1-21.
- Al-Shammari, B., Brown, P., & Tarca, A. (2008). An investigation of compliance with international accounting standards by listed companies in the Gulf Co-Operation Council member states. *The International Journal of Accounting*, 43(4), 425-447.
- Archambault, J. J., & Archambault, M. E. (2003). A multinational test of determinants of corporate disclosure. *The International Journal of Accounting*, 38(2), 173-194.
- Askary, S. (2006, January). Accounting measurement in the religious perspective: Conservatism or optimism. In *IPA 2006 Conference papers* (pp. 1-11). IPA.
- Assenso-Okofu, O., Ali, M. J., & Ahmed, K. (2011). The development of accounting and reporting in Ghana. *The International Journal of Accounting*, 46(4), 459-480.
- Ball, R., Kothari, S. P., & Robin, A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of accounting and economics*, 29(1), 1-51.

- Boesso, G., & Kumar, K. (2007). Drivers of corporate voluntary disclosure. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*.
- Chand, P., & Patel, C. (2008). Convergence and harmonization of accounting standards in the South Pacific region. *Advances in Accounting*, 24(1), 83-92.
- Dahawy, K. (2009). Company characteristics and disclosure level: The case of Egypt. *International Research Journal of Finance and Economics*, 34(2), 220-230.
- Elsayed, M. O., & Hoque, Z. (2010). Perceived international environmental factors and corporate voluntary disclosure practices: An empirical study. *The British Accounting Review*, 42(1), 17-35.
- Esnaashari, H., Khan beige, M. (2008). Stage to IFRS implementation. *Hesabres Journal*, 12,12-23. (In Persian).
- Goodman, M. B., & Hirsch, P. B. (2015). *Corporate communication: Critical business asset for strategic global change*. Peter Lang Publishing Incorporated.
- Gravand, M. (2016). *International divergence and IFRS implementation*. *Accounting and Auditing Survey*, 14, 74-83. (In Persian).
- Hajjiha, Z., Soltani, M. (2015). A review of accounting cultural, accounting. *Journal of Research in Accounting and Auditing*, 15 (4), 83- 108.(In Persian).
- Haniffa, R. M., & Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations. *Abacus*, 38(3), 317-349.
- Hofstede, G. (1984). Cultural dimensions in management and planning. *Asia Pacific journal of management*, 1(2), 81-99.
- Hung, M., & Subramanyam, K. R. (2007). Financial statement effects of adopting international accounting standards: the case of Germany. *Review of accounting studies*, 12(4), 623-657.
- Jaggi, B., & Low, P. Y. (2000). Impact of culture, market forces, and legal system on financial disclosures. *The international journal of accounting*, 35(4), 495-519.
- Joshi, P. L., Bremser, W. G., & Al-Ajmi, J. (2008). Perceptions of accounting professionals in the adoption and implementation of a single set of global accounting standards: Evidence from Bahrain. *Advances in Accounting*, 24(1), 41-48.
- Kamla, R. (2007). Critically appreciating social accounting and reporting in the Arab MiddleEast: A postcolonial perspective. *Advances in International Accounting*, 20, 105-177.
- Kwansa, F. A. (1993). Diversity in Accounting Standards and Financial Reporting Practices: A Global Perspective. *The Journal of Hospitality Financial Management*, 3(1), 29-43.
- Mackenzie, B., Coetsee, D., Njikizana, T., Chamboko, R., Colyvas, B., & Hanekom, B. (2012). *Wiley IFRS 2013: Interpretation and application of international financial reporting standards*. John Wiley & Sons.
- Mashayekhi, B., Mashayekh, S. (2008). Development of accounting in Iran. *The International Journal of Accounting*, 43(1), 66-86. (In Persian).
- Nobes, C. (1998). Towards a general model of the reasons for international differences in financial reporting. *Abacus*, 34(2), 162-187.

- Perumpral, S. E., Evans, M., Agarwal, S., & Amenkhienan, F. (2009). The evolution of Indian accounting standards: Its history and current status with regard to International Financial Reporting Standards. *Advances in Accounting*, 25(1), 106-111.
- Rahman, A., Perera, H., & Ganesh, S. (2002). Accounting practice harmony, accounting regulation and firm characteristics. *Abacus*, 38(1), 46-77.
- Roberts, C. B., Weetman, P., & Gordon, P. (2005). *International financial reporting: a comparative approach*. Pearson Education.
- Roudaki, J. (2008). Accounting Profession and Evolution of Standard Setting in Iran. *Journal of Accounting, Business & Management*, 15(1).
- Samaha, K., & Stapleton, P. (2008). Compliance with International Accounting Standards in a national context: some empirical evidence from the Cairo and Alexandria Stock Exchanges. *Afro-Asian Journal of Finance and Accounting*, 1(1), 40-66.
- Tyrrall, D., Woodward, D., & Rakhimbekova, A. (2007). The relevance of International Financial Reporting Standards to a developing country: Evidence from Kazakhstan. *The international Journal of accounting*, 42(1), 82-110.

تأثیر کیفیت مدیریت ریسک بر نوسانات ضمنی اعلان سود

وحید بخردی‌نسب^۱، فاطمه ژولانژاد^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۰۳

چکیده

نوسانات ضمنی اعلان سود ویژگی سری زمانی سود را کاهش می‌دهد و بهبود کیفیت مدیریت ریسک از میزان نوسانات احتمالی در اعلان سود می‌کاهد. بر این اساس، در این پژوهش با بهره‌گیری از رهنمود کمیته کوزو به بررسی تأثیر کیفیت مدیریت ریسک بر نوسانات ضمنی اعلان سود پرداخته شده است. کیفیت مدیریت ریسک مبتنی بر پژوهش گوردن و همکاران (۲۰۰۹) بر اساس امتیازبندی هشت‌گانه برآورد شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. نمونه آماری بر اساس روش حذف نظام‌مند بالغ بر ۶۹ شرکت است. روش اجرای پژوهش مبتنی بر داده‌های ترکیبی و رگرسیون چندگانه با در نظر گرفتن الگوی حداقل مربعات تعمیم‌یافته است. شواهد پژوهش حاکی از آن است که تغییرات در کیفیت مدیریت ریسک، نوسانات ضمنی اعلان سود را کاهش می‌دهد. به عبارتی به ازای یک درصد افزایش در کیفیت مدیریت ریسک، نوسانات ضمنی اعلان سود یک درصد کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت مدیریت ریسک، نوسانات ضمنی اعلان سود، رهنمود کمیته کوزو.

طبقه‌بندی موضوعی: D81, G32

DOI: 10.22051/ijar.2018.10735.1161

^۱ دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران. نویسنده مسئول،
(Vahid.BekhradiNasab@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران. (jolanejad1022@gmail.com)

مقدمه

سود یکی از اقلام مهم و اصلی صورت‌های مالی است که توجه استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را به خود جلب می‌کند. سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران، کارکنان شرکت، تحلیل‌گران، دولت و دیگر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، از سود به عنوان مبنایی جهت اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، اعطای وام، سیاست پرداخت سود، ارزیابی شرکت‌ها، محاسبه مالیات و سایر تصمیم‌های مربوط به شرکت، استفاده می‌کنند. از دیدگاه اطلاعاتی، سود نتیجه فعالیت‌های اقتصادی را بیان می‌کند. بسیاری از سهامداران، سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که از یک روند ثابت سودآوری برخوردارند را ترجیح می‌دهند. همچنین، سرمایه‌گذاران معتقدند شرکت‌هایی که سودهای پرنوسان گزارش می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که سودهای هموار گزارش می‌کنند، دارای ریسک بیشتری هستند (گراهام، ۲۰۰۵). با توجه به اهمیت نوسانات ضمنی اعلان سود در مباحث مالی و حسابداری و وقوع بحران‌های مالی در سال ۲۰۰۸، بسیاری از افراد این سوال را پرسیدند که چرا شرکت‌ها اطلاعات بهتری درباره ریسک‌های موجود در شرکت ارائه ندادند. این مورد باعث شد که در سیاست عمومی کشورها یک تأکید مجدد بر چشم‌انداز ریسک ایجاد شود، تا اینکه رئیس بانک مرکزی آمریکا، برنانکی (۲۰۰۸)، طی یک سخنرانی اعلام نمود که کیفیت مدیریت ریسک عامل موثری بر نوسانات ضمنی اعلان سود است. همچنین ادموندز و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود بیان کردند که عوامل بی‌شماری بر گزارشگری در خصوص ریسک شرکت و کیفیت مدیریت ریسک اثرگذار است. از جمله این عوامل می‌توان به استراتژی‌های شرکت، کارایی عملیاتی، اتکاء‌پذیری گزارشگری مالی و صلاحیت شرکت اشاره نمود. پژوهش‌گران و محققان زیادی به بررسی ادبیات کیفیت مدیریت ریسک و تأثیر آن بر نوسانات ضمنی اعلان سود پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نوسانات سود کمتر، به عنوان یک مزیت اولیه از مدیریت ریسک بر نوسانات سود است (بیزلی و همکاران ۲۰۰۸، گوردن و همکاران، ۲۰۰۹، هویت و لیبینگ، ۲۰۱۱) و شرکت‌هایی که دارای سودهای با نوسان هستند، احتمال دارد که رویدادهای مدیریت ریسک را پیاده سازند تا نوسانات سود را کاهش دهند.

بر این اساس، هدف از انجام این پژوهش کاهش نوسانات ضمنی اعلان سود با استفاده از پیاده‌سازی مدیریت ریسک و بهبود کیفیت آن است. پژوهش سرواز و همکاران (۲۰۰۹) از

جمله پژوهش‌هایی است که این پیش‌بینی را با بررسی جریان‌های نقدی عملیاتی انجام داده است. نتایج این پژوهش حاکی از این است که نوسانات سودهای کاهش یافته، یکی از اهداف اولیه پیاده‌سازی مدیریت ریسک است. پس سوال این پژوهش این است که چگونه بهبود در کیفیت مدیریت ریسک، نوسانات ضمنی اعلان سود را کاهش می‌دهد. در ادامه به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش پژوهش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

مبانی نظری

نوسانات ضمنی اعلان سود

سود گزارش شده از جمله اطلاعات مالی مهمی است که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. تحلیل‌گران مالی عموماً سود گزارش شده را به عنوان یک عامل برجسته در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند. همچنین، سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود بر اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی واحدهای اقتصادی خصوصاً سود گزارش شده اتکاء می‌کنند. بر اساس چارچوب نظری گزارشگری مالی، اهداف اصلی گزارشگری مالی ارائه اطلاعات برای استفاده‌کنندگان به منظور ارزیابی مبلغ، زمان‌بندی و ریسک جریان‌های نقدی آتی شرکت است. صورت سود و زیان به‌عنوان یکی از صورت‌های مالی اساسی و سود به عنوان نتیجه این صورت مالی، جهت ارزیابی و پیش‌بینی آینده شرکت بکار گرفته می‌شود. یکی از موارد مهم برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نوسان‌پذیری اعلان سود است. عوامل مختلفی در نوسان‌پذیری اعلان سود می‌تواند مدنظر قرار گیرد. به عنوان مثال، پژوهش‌های اخیر نظیر دایچو و تانگک (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که نوسان‌پذیری سود، از دو عامل نوسان‌پذیری به دلیل شوک‌های اقتصادی و نوسان‌پذیری به علت مسائل موجود در فرآیند حسابداری تعیین سود نشأت می‌گیرد، که انتظار می‌رود هر دو این عوامل کیفیت سود را کاهش دهند.

تعیین و بررسی عوامل اصلی نوسان‌پذیری سود از اهمیت فراوانی برخوردار است. براساس یک دیدگاه و عقیده کلی، سودهای پر نوسان دارای قابلیت پیش‌بینی کمتری هستند. بر اساس پژوهش گراهام و همکاران (۲۰۰۵) که بر روی ۴۰۱ مدیر مالی انجام شد، ۳۹ درصد از پاسخ‌دهندگان طرفدار سودهای هموار و کم نوسان بوده و علاقه‌ای به سودهای پر نوسان

نداشتند، زیرا ۳۴ درصد آنها معتقد بودند که نوسانات سود، قابلیت پیش‌بینی سودهای آتی را کاهش می‌دهد. همچنین، سود به عنوان متغیر اصلی مدل‌های ارزشیابی سهام شرکت از اهمیت بسزایی برخوردار است و پژوهش‌های گذشته نظیر گراهام و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهند که نوسان‌پذیری سود، قابلیت پیش‌بینی سود را می‌کاهد.

کیفیت مدیریت ریسک

یکی از جنبه‌های کیفیت مدیریت ریسک از نظر ادموندز و همکاران (۲۰۱۵) تطابق هزینه‌ها با درآمدها است که در تحقیق دیچو و تانگ (۲۰۰۸) مدل‌سازی شد. جنبه دیگر کیفیت مدیریت ریسک اثر تعهدات است که به‌عنوان بعد دیگری از فرآیند تعیین سود در پژوهش دیچو و دیچف (۲۰۰۲) مورد بررسی قرار گرفته شده است. این بعد، عامل اثرگذار بر رابطه حسابداری بین نوسانات ضمنی اعلان سود و قابلیت پیش‌بینی سود است. در این ارتباط، آن‌ها بیان کردند که بسیاری از تعهدات، جریان‌های نقدی آتی را برآورد می‌کنند و بنابراین خطای برآوردی زیاد در تعهدات، نشان‌دهنده کیفیت پایین‌تر سود و قابلیت پیش‌بینی کمتر سود است، که در نهایت کیفیت مدیریت ریسک را کاهش می‌دهد. از آنجا که خطای برآوردی در محیط‌های پر نوسان مهم‌تر و جدی‌تر است، این امر حاکی از وجود یک رابطه منفی بین نوسانات ضمنی اعلان سود و کیفیت مدیریت ریسک است. همچنین، سهامدارانی که اعتماد خود را نسبت به تدام فعالیت شرکت از دست می‌دهند، این مورد می‌تواند به فروش کمتر شرکت، گردش کارکنان و الزامات اعتباری سخت‌گیرانه‌تری توسط عرضه‌کننده‌گان مواد اولیه، منجر شود.

نوسانات سود، احتمال برخورد شرکت با پریشانی مالی را نشان می‌دهد (پاگاج و وار، ۲۰۱۰). به‌طور کلی مدیریت ریسک وظیفه شناسایی ریسک و تعیین یک استراتژی مناسب در مدیریت یا برخورد با ریسک را بر عهده دارد. کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۱ (۲۰۱۰) طی قانون نهایی شماره ۳۳-۹۰۸۹، اصلاحیه‌ای به بیانیه "افشاهای شرکت‌های سهامی" منتشر کرد. این قانون اطلاعات مربوط‌تر و بهتری درباره‌ی چشم‌انداز ریسک برای ذینفعان فراهم می‌کند. قانون نهایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار، مزایایی را برای استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی و شرکت‌ها با هدف تامین اطلاعات قابل دسترس مربوط به ریسک سیستم‌های کنترل مدیریتی فراهم می‌کند. از طریق این قانون، کمیسیون بورس و اوراق بهادار تلاش می‌کند تا شفافیت مسئولیت‌های

ریسک مربوط به هیئت مدیره را افزایش دهد. به ویژه کمیسیون بورس و اوراق بهادار، شرکت‌ها را تشویق به افشا اطلاعاتی در مورد کار مدیریت و اعضای هیئت مدیره در نظارت و افشای ریسک‌های با اهمیت شرکت، می‌کند (کمیسیون بورس و اوراق بهادار، ۲۰۰۹). همچنین، کمیسیون سازمان‌های حمایت‌کننده کمیته تردوی^۲ (۲۰۰۴) چارچوبی را برای مدیریت ریسک واحد تجاری براساس نقش هیئت‌مدیره در زمینه چشم‌انداز ریسک ایجاد کرد و دستورالعمل‌هایی را برای مسئولیت‌های چشم‌انداز مدیریت ریسک تدوین نمود. چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری، الگوی مستقلی را برای اندازه‌گیری مسئولیت ریسک هیئت‌مدیره و چشم‌انداز آن ارائه می‌کند که به کیفیت مدیریت ریسک کمک می‌کند. اهداف کمیته تردوی (۲۰۰۴) عبارتند از فهم فلسفه ریسک واحدی تجاری و تطابق با اصل ریسک واحد تجاری، آگاهی از اینکه تا چه اندازه مدیریت، مدیریت ریسک مؤثری برای سازمان خود ایجاد می‌کند، بررسی پرتفوی ریسک شرکت و بررسی تقابل آن با اصل ریسک شرکت و آگاهی از مهمترین ریسک‌های شرکت و اینکه مدیریت پاسخ مناسبی به این ریسک‌ها می‌دهد یا خیر (مدیریت ریسک واحد تجاری^۳، ۲۰۰۹). در ایران بر اساس ماده ۱۲ دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران مصوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱، هیئت‌مدیره همه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران مکلفند از استقرار و به‌کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش به منظور دستیابی به اهداف شرکت اطمینان حاصل کنند. برای ایفای این مسئولیت، هیئت‌مدیره شرکت‌ها باید سیستم کنترل‌های داخلی را با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی ذکر شده در فصل دوم این دستورالعمل، حداقل به‌طور سالانه بررسی و نتایج آن را در گزارشی تحت عنوان گزارش کنترل‌های داخلی درج و افشا نمایند.

گوردن و همکاران (۲۰۰۹) سازوکارهای کیفیت ریسک را در ترکیب چهار معیار استراتژی‌های شرکت، کارایی عملیاتی، اتکاءپذیری گزارشگری مالی و صلاحیت شرکت می‌دانند که در ادامه به تشریح این سازوکارها و ارتباط آن با نوسانات ضمنی اعلان سود پرداخته شده است.

سازوکارهای کیفیت مدیریت ریسک

استراتژی‌های شرکت

استراتژی شرکت، از زمان مطرح شدن آن برای اولین بار در ادبیات مدیریت به صورت یک اصطلاح عام و معروف درآمده است. همانند سایر مفاهیم موجود در مدیریت مالی، استراتژی شرکت، به معانی مختلفی به کار رفته است. این اصطلاح غالباً به جای دو مفهوم سیاست و برنامه‌ریزی بکار می‌رود. به عبارتی، استراتژی شرکت، باید تصویری از آنچه که واحد تجاری در نظر دارد در آینده‌ای نه چندان دور به آن برسد را برای شرکت فراهم سازد (ژولانژاد و بخردی‌نسب، ۱۳۹). شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از دو استراتژی رشد فروش و کاهش ریسک، نوسانات ضمنی اعلان سود را کاهش دهند (گوردن و همکاران، ۲۰۰۹). افزایش رشد فروش موجب می‌شود تا تحلیل‌گران، ذی‌نفعان و سهامداران نظر مثبتی نسبت به نوسانات اعلان سود داشته باشند و این به خودی خود موجب ترغیب سرمایه‌گذاران در شرکت شده و رشد فروش و سودآوری را تضمین و از نوسانات سود می‌کاهد (ادموندز و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین، هنگامی که ریسک در شرکت افزایش می‌یابد، مدیران باید متحمل هزینه‌های زیادی شوند.

سرمایه‌گذاران معتقدند شرکت‌هایی که سودهای پر نوسان گزارش می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که سودهای هموار گزارش می‌کنند، دارای ریسک بیشتری هستند. سرمایه‌گذاران اغلب به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که ریسک کمتری داشته و متناسب با آن بازده مناسبی نیز به دست آورند، تمایل دارند. از آنجایی که ریسک بازار یک شرکت با نوسانات سود سهام آن اندازه‌گیری می‌شود و قیمت سهام نیز به نحوی با سود هر سهم شرکت در ارتباط است، بنابراین شرکت‌ها تمایل دارند با کاهش نوسانات در سود باعث کاهش در نوسانات بازده شوند و در نهایت تصور سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از ریسک شرکت را تحت تأثیر قرار دهند.

کارایی عملیاتی شرکت

کارایی عملیاتی یکی دیگر از عناصری است که بر نوسان‌پذیری سود تأثیر بسزایی دارد (ادموندز و همکاران، ۲۰۱۵). گوردن و همکاران (۲۰۰۹)، کارایی عملیاتی را مشتمل بر نسبت فروش به تعداد کارکنان و نسبت فروش به جمع دارایی‌ها بیان کرده‌اند. ترکیب فروش و تعداد کارکنان و دارایی‌های شرکت عامل موثری بر کارایی عملیاتی یک شرکت است. شرکتی که

از نسبت کارایی بالاتری برخوردار است، از نوسانات سود در امان است، اما هنگامی که فروش شرکت که متأثر از منابع و دارایی‌های شرکت و فعالیت کارکنان و پرسنل شرکت است، کاهش یابد، کارایی عملیاتی شرکت افت کرده و کاهش می‌یابد و در نتیجه بر سود عملیاتی شرکت تأثیر گذاشته و سود خالص شرکت را دچار نوسان می‌کند.

اتکاءپذیری گزارشگری مالی

گوردن و همکاران (۲۰۰۹) بر این عقیده استوارند که اظهارنظر مقبول حسابرس و کیفیت اقلام تعهدی دال بر اتکاءپذیری گزارشگری مالی است. به عبارتی، اظهارنظر حسابرس نسبت به صورت‌های مالی بجز اظهارنظر غیرمقبول و کیفیت بالای اقلام تعهدی، حاکی از اتکاءپذیری گزارشگری مالی است و بر نوسان‌پذیری سود تأثیر مستقیمی دارد. بدین صورت که اظهارنظر مقبول حسابرس از حساسیت‌های نوسانات سود می‌کاهد و ذهنیت ذی‌نفعان و استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی صورت‌های مالی را نسبت به گزارش مقبول حسابرس خوش‌بین می‌کند. همچنین، کیفیت گزارشگری مالی که از طریق کیفیت اقلام تعهدی سنجیده می‌شود، نشان از صحت کارایی مدیریت در گزارشگری مالی و عدم انتخاب‌های اختیاری مدیران در گزارشگری مالی است (ادموندز و همکاران، ۲۰۱۵).

صلاحیت شرکت

گوردن و همکاران (۲۰۰۹) با دو معیار حق‌الزحمه حسابرس و سود (زیان) خالص، نسبت به صلاحیت شرکت قضاوت می‌نمایند. حق‌الزحمه حسابرسی به عنوان یک شاخص از استقلال حسابرس است (رحمانی و بخردی‌نسب، ۱۳۹۶). مقایسه مبلغ حق‌الزحمه حسابرس با دوره‌های پیشین، وابستگی صاحبکار به حسابرس را نشان می‌دهد. هر چه میزان وابستگی اقتصادی حسابرس به یک صاحبکار بیشتر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که حسابرس جهت کسب منافع آتی ناشی از درآمدهای غیرحسابرسی، استقلال خود را مورد مصالحه قرار دهد (ادموندز و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین حق‌الزحمه حسابرس یکی از عواملی است که بواسطه ساخت و پاخت‌های حسابرس با صاحبکار می‌تواند بر نوسانات ضمنی اعلان سود تأثیر گذاشته و آن را دچار تغییرات کند. همچنین، رقم خالص سود یکی از اقلام مهم و اصلی صورت‌های مالی است که توجه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را به خود جلب می‌کند. سرمایه‌گذاران،

اعتباردهندگان، مدیران، کارکنان شرکت، تحلیل‌گران، دولت و دیگر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، از سود به عنوان مبنایی جهت اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، اعطای وام، سیاست پرداخت سود، ارزیابی شرکت‌ها، محاسبه مالیات و سایر تصمیم‌های مربوط استفاده می‌کنند.

پیشینه پژوهش

لیلا و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی سرعت واکنش بازار نسبت به اعلان سود پرداخته‌اند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که نوسانات غیرعادی بازده سهام و حجم معاملات به عنوان معیارهای واکنش بازار در روزهای پس از اعلان سود نسبت به روزهای قبل از اعلان سود، از خود واکنش نشان می‌دهند.

ادموند و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان "آیا کیفیت مدیریت ریسک بر نوسانات اعلان سود تأثیر دارد؟" به بررسی تأثیر کیفیت مدیریت ریسک بر نوسان‌پذیری اعلان سود پرداختند. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری نوسان‌پذیری سود از انحراف معیار سود قبل از اعلان غیرمترقبه استفاده شد و متغیر کیفیت مدیریت ریسک از طریق امتیازبندی هشت‌گانه براساس اهداف کمیته کوزو^۴ محاسبه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌ها با بکارگیری سیستم‌های مدیریت ریسک با کیفیت‌تر، نوسان سود کمتری دارند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که این نتیجه در شرکت‌های سودده و زیان‌ده معنی‌دار است و میزان این نتیجه در بین شرکت‌های زیان‌ده، دارای اثر بیشتری است.

یسرا و مانار (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان "نوسان‌پذیری سود و پیش‌بینی‌پذیری سود" به بررسی رابطه بین نوسان‌پذیری سود و پیش‌بینی سود پرداختند. این دو محقق از داده‌های شرکت‌های کانادایی برای دوره زمانی ۲۰۱۱-۲۰۰۶ استفاده نمودند. در این پژوهش، دو مجموعه آزمون انجام شد. در ابتدا، نوسان‌پذیری سود بر پایداری سود و پیش‌بینی سود آزمون گردید. دوم، نوسان‌پذیری سود آتی با سطح سودآوری جاری آزمون شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد یک رابطه معکوس بین پیش‌بینی سود و نوسان‌پذیری سود وجود دارد. این پژوهش توزیع نوسان‌پذیری سود را بسوی پیش‌بینی سودهای آتی نشان می‌دهد.

سانگ (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان "آیا وجود برنامه مدیریت ریسک شرکت بر وجود ضعف با اهمیت در کنترل‌های داخلی در طول گزارشگری مالی تأثیر دارد؟" به بررسی رابطه مدیریت ریسک بنگاه و کنترل داخلی گزارشگری مالی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مدیریت ریسک بنگاه ریسک کنترل گزارشگری داخلی را کاهش می‌دهد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های سهامی با برنامه‌های مدیریت ریسک، ضعف کمتری در کنترل‌های داخلی گزارشگری در مقایسه با شرکت‌های بدون مدیریت ریسک دارند. علاوه بر این، متغیرهای کنترل رشد فروش و سودآوری با وجود کنترل داخلی گزارشگری مالی، بطور معنی‌داری رابطه مثبت و اندازه شرکت دارای رابطه منفی با مدیریت ریسک است.

گوردن و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "مدیریت ریسک واحد تجاری و عملکرد شرکت یک رویکرد احتمالی است"، به بررسی مدیریت ریسک واحد تجاری و عملکرد شرکت پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عدم اطمینان محیطی، رقابت صنعت، اندازه شرکت، پیچیدگی شرکت و نظارت هیات‌مدیره بر مدیریت ریسک تأثیر بسزایی دارد. به طوری که رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای یاد شده وجود دارد.

ژولانژاد و بخردی‌نسب (۱۳۹۷) به بررسی تطبیقی ضریب واکنش سود در شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار متمایز نسبت به اعلان سود با استفاده از معادلات شکست ساختاری، پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد شرکت‌هایی که راهبرد رهبری هزینه را دنبال می‌کنند، اعلان سود آن‌ها بطور عمومی نسبت به شرکت‌هایی که روش‌های تمایز را در پیش می‌گیرند، با تغییرات بهتری، اعلان سود خود را به استفاده کنندگان از اطلاعات مالی شرکت ارائه می‌دهند.

حیدر پور و خواجه‌محمود (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های پیش‌بینی سود هر سهم توسط مدیریت بر ریسک و ارزش شرکت با هدف آینده‌نگری در تصمیم‌گیری پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که پیش‌بینی سود هر سهم منتشر شده از سوی شرکت به طور بالقوه مورد توجه بازار سرمایه است و فعالان این بازار ارقام مذکور را در مدل‌های تصمیم‌گیری برای آینده به منظور سرمایه‌گذاری لحاظ می‌نمایند.

تاری‌وردی و دامچی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان رابطه مدیریت ریسک و عملکرد شرکت به بررسی رابطه مدیریت ریسک و عملکرد شرکت پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد

که دو متغیر از عوامل مدیریت ریسک یعنی، رقابت صنعت و اندازه شرکت با عملکرد شرکت رابطه مثبت دارند. در مقابل، دو متغیر دیگر از عوامل مدیریت ریسک یعنی، عدم اطمینان محیطی و نظارت هیات مدیره، با عملکرد شرکت رابطه ندارند.

حقیقت و معتمد (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین نوسان پذیری و قابلیت پیش بینی سود پرداختند و اطلاعات مالی ۱۶۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را بین سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۴ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های حاصل از این تحقیق، نشان‌دهنده ارتباط منفی بین نوسان‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی سود در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت است. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت، بین نوسان‌پذیری سود فصلی و قابلیت پیش‌بینی سود است که این رابطه، از رابطه بین نوسان‌پذیری سود سالانه و قابلیت پیش‌بینی سود، قوی‌تر است.

مهرانی و حصارزاده (۱۳۹۰) به بررسی نوسانات سود و امکان پیش‌بینی آن پرداخته‌اند. این پژوهش با استفاده از اطلاعات مالی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۹ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی رابطه بین نوسانات و امکان پیش‌بینی سود حسابداری در افق زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌پردازد. این تحقیق، ضمن تایید معنی‌داری رابطه معکوس بین نوسانات سود و امکان پیش‌بینی آن، نشان داد که اولاً سودهای تاریخی در پیش‌بینی سودهای آینده نقش مهمی دارند و ثانياً پایداری سود، عامل کلیدی در تحلیل رابطه بین نوسانات و امکان پیش‌بینی آن است.

پورزمانی و کریمی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر مدیریت موثر ریسک و سرمایه‌های فکری بر سطح عملکرد شرکت‌ها، به بررسی تأثیر مدیریت ریسک و سرمایه‌های فکری بر سطح عملکرد شرکت‌ها پرداختند. نتایج آزمون‌ها نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین عملکرد شرکت‌ها با مدیریت جامع ریسک است. این رابطه به ویژه در شرکت‌هایی معنادارتر بوده که محصولات آن‌ها کالاهای اساسی مصرف‌کنندگان نبوده و همچنین قیمت‌گذاری و میزان عرضه آن دستوری و تحمیلی از سوی دولت نیست. همچنین، این شرکت‌ها در ابداعات و هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرمایه‌گذاری انجام داده و سطح بالاتری از سرمایه فکری را در اختیار دارند. در نهایت، نتیجه پژوهش نشان می‌دهد صناعی که همگام با رشد سریع دانش به فعالیت می‌پردازند، دارای رفتارهای عملکردی و کارکردی هستند.

مظلومی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه ریسک‌پذیری مدیران با عملکرد سازمان‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی رابطه بین ریسک‌پذیری مدیران با عملکرد سازمان‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بین میزان ریسک‌پذیری مدیران و بازده دارایی‌ها در موقعیت‌های ریسکی همراه با سود، رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین، وجود رابطه بین مشخصات فردی و میزان ریسک‌پذیری به‌عنوان دستاوردهای جانبی پژوهش، حاکی از وجود رابطه معنی‌دار و مستقیم بین سن و تجربه مدیران با ریسک‌پذیری مدیران عامل در موقعیت‌های پرریسک همراه با زیان، است.

فرضیه پژوهش

هنگامی که شرکت فعالیت خود را سرعت می‌بخشد و قصد پذیرش بیش از حد ریسک را دارد، کسب منافع زیاد و انجام برخی فعالیت‌های احساسی و پرهیجان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی، ممکن است مدیر را چنان دچار غفلت نماید که نتواند از ریسک و خطراتی که شرکت را تهدید می‌کند، آگاهی یابد و همواره سودهای ضمنی شرکت را دچار نوسان کند. بنابراین، انتظار می‌رود هر گونه تغییر در کیفیت مدیریت ریسک بر نوسانات سود، تأثیر منفی داشته باشد. بر این اساس، فرضیه پژوهش به شرح زیر تبیین شده است.

فرضیه: کیفیت مدیریت ریسک، نوسانات ضمنی اعلان سود را کاهش می‌دهد.

جامعه و نمونه آماری

از آنجایی که صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران حسابرسی شده است و دسترسی به آن‌ها از طریق کتابخانه بورس و بانک‌های اطلاعاتی، امکان‌پذیر است، بنابراین جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی پژوهش دوره ۵ ساله از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است، اما به جهت سنجش متغیر استراتژی شرکت، نیاز به اطلاعات ۵ سال گذشته برخی متغیرها وجود دارد. بنابراین، اطلاعات از سال ۱۳۸۵ گردآوری شده، اما مبنای برازش مدل از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. همچنین، در این پژوهش برای انتخاب اعضای نمونه آماری از روش حذف نظام‌مند

استفاده شده است و شرکت‌هایی به‌عنوان اعضای نمونه آماری انتخاب شده‌اند که از کلیه شرایط زیر برخوردار بوده‌اند:

۱. قبل از سال ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 ۲. به‌منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
 ۳. کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش (بالاخص حق‌الزحمه حسابرسان) برای شرکت‌های مورد بررسی در دوره مورد مطالعه به‌طور کامل موجود باشد.
 ۴. جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشد.
- با بررسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و اعمال شرایط و محدودیت‌های بیان شده، تعداد ۶۹ شرکت جهت برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه انتخاب شدند.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

نوسانات ضمنی اعلان سود (EARNVOL): متغیر وابسته این پژوهش نوسانات ضمنی اعلان سود است. این متغیر به پیروی از پژوهش دیمیتروپولوس و همکاران (۲۰۱۳) به شرح رابطه (۱) سنجیده شده است.

رابطه (۱)

$$SUEAF_{iq} = \frac{EIBES_{iq} - FIBES_{iq}}{P_{iq}}$$

که در مدل فوق SUEAF: سود غیر منتظره، EIBES: سود قبل از بهره و مالیات، FIBES: سود پیش‌بینی شده، P: قیمت سهام و i و q : شرکت و سال است. در نهایت جهت سنجش نوسان ضمنی اعلان سود از انحراف معیار پنج ساله سود غیر منتظره، استفاده شده است.

متغیر مستقل

کیفیت مدیریت ریسک (RiskMgmtQual): متغیر مستقل این پژوهش کیفیت مدیریت ریسک است. این متغیر به پیروی از پژوهش گوردن و همکاران (۲۰۰۹) به شرح رابطه (۲) سنجیده شده است.

رابطه (۲)

$$ERMI = \sum_{k=1}^2 Strategy_k + \sum_{k=1}^2 Operation_k + \sum_{k=1}^2 Reporting_k + \sum_{k=1}^2 Compliance_k$$

که در این رابطه Strategy: استراتژی شرکت، Operation: کارایی عملیاتی شرکت، Reporting: اتکاء پذیری گزارشگری مالی، Compliance: صلاحیت شرکت است. تغییر در کیفیت مدیریت ریسک از جمع این چهار معیار به دست می آید و این شاخص از میزان سال گذشته خود جهت ارزیابی تغییرات کیفیت مدیریت ریسک، کسر می شود. در ادامه نحوه سنجش هر کدام از این متغیرها بیان شده است.

استراتژی شرکت (Strategy): استراتژی شرکت که از طریق رابطه ۳ و ۴ بدست می آید.

رابطه (۳)

$$Strategy_1 = \frac{Sales_i - \mu_{Sales}}{\delta_{Sales}}$$

که در این رابطه Sales: فروش خالص شرکت، μ : میانگین فروش شرکت طی ۵ سال گذشته و δ : انحراف معیار فروش شرکت طی ۵ سال گذشته است.

رابطه (۴)

$$Strategy_2 = \frac{(\Delta\beta_i - \mu_{\Delta\beta})}{\sigma_{\Delta\beta}}$$

که در این رابطه $\Delta\beta_i$: ریسک سیستماتیک شرکت i که از تفاوت β_i سال جاری از β_i سال گذشته شرکت بدست می آید. $\mu_{\Delta\beta}$: میانگین β_i شرکت که طی ۵ سال گذشته بدست می آید و $\sigma_{\Delta\beta}$: انحراف معیار بتای شرکت طی ۵ سال گذشته است.

کارایی عملیاتی شرکت (Operation): کارایی عملیاتی شرکت براساس رابطه ورودی-خروجی در فرآیند عملیات شرکت بدست می‌آید. این معیار نیز براساس رابطه ۵ و ۶ بدست می‌آید.

رابطه (۵)

$$Operation_1 = \frac{Sales}{Total Assets}$$

که در رابطه فوق Sales: جمع فروش شرکت و Total Assets: ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت است.

رابطه (۶)

$$Operation_2 = \frac{Sales}{Number of Employees}$$

که در رابطه فوق Sales: جمع فروش شرکت و Number of Employees: تعداد کارکنان شرکت است.

اتکاءپذیری گزارشگری مالی (Reporting): این معیار برای بیان اتکاءپذیری گزارشگری مالی استفاده می‌شود و براساس دو معیار زیر محاسبه می‌شود.

شاخص اول: شاخص اول بر اساس ترکیب دو معیار اظهار نظر حسابرس و تجدید ارائه است. در صورتی که اظهار نظر حسابرس غیرمقبول باشد، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک را اختیار می‌کند. در صورتی که شرکت دارای تجدید ارائه باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌کند. رابطه (۷) نحوه محاسبه را نشان می‌دهد.

$$Reporting_1 = Auditor Opinion + Restatement \quad \text{رابطه (۷)}$$

که در رابطه فوق Auditor Opinion: اظهار نظر حسابرس و Restatement: تجدید ارائه صورت‌های مالی است.

شاخص دوم: شاخص دوم بر اساس نسبت قدر مطلق اقلام تعهدی عادی به مجموع قدر مطلق اقلام تعهدی عادی و قدر مطلق اقلام تعهدی غیرعادی براساس رابطه (۸) بدست می‌آید.

$$Reporting_2 = \frac{|NormalAccruals|}{|NormalAccruals| + |AbnormalAccruals|} \quad \text{رابطه (۸)}$$

که در این رابطه NormalAccrual: اقلام تعهدی عادی و AbnormalAccrual: اقلام تعهدی غیرعادی را نشان می دهد.

اقلام تعهدی غیرعادی از طریق باقی مانده رگرسیون به شرح رابطه (۹) بدست می آید.

رابطه (۹)

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_{it} + \left[\frac{1}{A_{it-1}}\right] + \beta_1 \left[\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}}\right] + \beta_2 \left[\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}}\right] + \varepsilon_{it}$$

که در این رابطه TA_{it} : جمع اقلام تعهدی شرکت i در سال t که از تفاوت بین سود عملیاتی و جریان های نقدی عملیاتی بدست می آید. A_{it-1} : جمع ارزش دفتری کل دارایی ها برای شرکت i در سال $t-1$ است. ΔREV_{it} : تغییرات فروش شرکت i نسبت به فروش سال $t-1$ است و در نهایت PPE_{it} : جمع دارایی های ثابت شرکت در سال t است.

صلاحیت شرکت (Compliance): معیارهای اندازه گیری صلاحیت شرکت از رابطه ۱۰ و ۱۱ بدست می آید.

$$Compliance_1 = \frac{Auditor\ Fees}{Total\ Assets} \quad \text{رابطه (۱۰)}$$

که در این رابطه Auditor Fees: حق الزحمه پرداختی شرکت به حسابرس و Total Assets: جمع دارایی های شرکت است.

$$Compliance_2 = \frac{Settlement\ Net\ GainLoss_{it}}{Total\ Assets_{it}} \quad \text{رابطه (۱۱)}$$

که در این رابطه Settlement Net GainLoss: سود و زیان خالص شرکت و Total Assets: جمع دارایی های شرکت است.

متغیرهای کنترلی

تغییرات اهرم مالی شرکت ($\Delta leverage$): اهرم مالی هر سال از نسبت بدهی های بلندمدت به کل دارایی ها بدست می آید. سپس جهت سنجش تغییرات اهرم مالی، میزان به دست آمده در هر سال، از سال گذشته خود کسر می شود.

تغییرات نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه (ΔMTB): این نسبت از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سرمایه در پایان دوره بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سرمایه

بدست می‌آید. سپس جهت سنجش تغییرات، میزان به دست آمده در هر سال، از سال گذشته خود کسر می‌شود.

تغییرات اندازه شرکت ($\Delta Size$): این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سرمایه بدست می‌آید. سپس جهت سنجش تغییرات اندازه شرکت، میزان به دست آمده در هر سال، از سال گذشته خود کسر می‌شود.

تغییرات اقلام تعهدی ($\Delta Accruals$): این متغیر از قدر مطلق اقلام تعهدی شرکت بدست می‌آید. سپس جهت سنجش تغییرات اقلام تعهدی، میزان به دست آمده در هر سال، از سال گذشته خود کسر می‌شود.

تغییرات نسبت سود به قیمت ($\Delta Earnings Price$): این نسبت از طریق تقسیم سود خالص شرکت بر قیمت سهام شرکت بدست می‌آید. سپس جهت سنجش تغییرات، میزان به دست آمده در هر سال، از سال گذشته خود کسر می‌شود.

شاخص حاکمیت شرکتی ($\Delta CorpGovINDEX$): شاخص حاکمیت شرکتی از جمع چهار معیار زیر بدست می‌آید و ارزش صفر تا چهار را اختیار می‌کند. این معیارها عبارتند از:

۱. چنانچه مدیرعامل رئیس هیئت‌مدیره نباشد، عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیراین صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود.

۲. چنانچه نسبت سهامداران نهادی بیشتر از میانه شرکت‌های عضو نمونه باشد، عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیراین صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود.

۳. چنانچه نسبت اعضای غیرموظف هیات‌مدیره بیشتر از میانه شرکت‌های عضو نمونه باشد، عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیراین صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود.

۴. چنانچه اندازه تعداد اعضای هیات‌مدیره از میانه شرکت‌های عضو نمونه بیشتر باشد، عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیراین صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود.

مدل پژوهش

جهت آزمون فرضیه پژوهش به پیروی از پژوهش ادموندز و همکاران (۲۰۱۵) از مدل رگرسیون چندگانه به شرح رابطه (۱۲) استفاده شده است. انتظار می‌رود، ضریب متغیر β_1 منفی و معنی‌دار باشد، تا فرضیه پژوهش تأیید شود.

رابطه (۱۲)

$$\begin{aligned} \Delta EarnVOL_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \Delta RiskMgmtQual_{it} + \beta_2 \Delta leverage_{it} \\ & + \beta_3 \Delta MTB_{it} + \beta_4 \Delta Size_{it} + \beta_5 \Delta Accruals_{it} \\ & + \beta_6 \Delta EarntoPrice_{it} + \beta_7 \Delta CorpGovINDEX_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

در این رابطه:

$\Delta EarnVOL_{it}$: تغییرات نوسانات ضمنی اعلان سود شرکت i در سال t
 $\Delta RiskMgmtQual_{it}$: تغییرات کیفیت مدیریت ریسک شرکت i در سال t

$\Delta leverage_{it}$: تغییرات اهرم مالی شرکت i در سال t

ΔMTB_{it} : تغییرات نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t

$\Delta Size_{it}$: تغییرات اندازه شرکت i در سال t

$\Delta Accruals_{it}$: تغییرات اقلام تعهدی شرکت i در سال t

$\Delta EarntoPrice_{it}$: تغییرات نسبت سود به قیمت سهام شرکت i در سال t

$\Delta CorpGovINDEX_{it}$: تغییرات شاخص حاکمیت شرکتی در شرکت i در سال t

ε_{it} : خطای مدل است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه شده است.

آمار توصیفی

نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
نوسانات ضمنی اعلان سود	۰/۱۰۳	۰/۰۶	۰/۹۸	۰/۰۱	۰/۱۳۲
کیفیت مدیریت ریسک	۴/۵۵۱	۴/۵۴	۷/۱۱	۱/۲۲	۰/۷۸
اهرم مالی	۰/۰۰۰۱	۰	۰/۸	-۰/۳	۰/۰۷۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۲۵۸	۰/۰۸	۵/۶۴	-۴/۶۶	۱/۳۷۸
اندازه شرکت	۰/۲۵۳	۰/۱۱	۱/۸۲	-۰/۸۷	۰/۵۲۴
اقلام تعهدی	۰/۴۹۷	۰/۴۴	۴/۹۴	-۴/۹۲	۱/۶۲۲
نسبت سود به قیمت	۰/۰۲۵	۰/۰۲	۱/۰۷	-۰/۹۸	۰/۲۳
شاخص حاکمیت شرکنی	۰/۹۱	۱	۳	۰	۰/۷

شواهد در آماره توصیفی نشان می‌دهد، ۱۰٪ شرکت‌ها از نوسانات بالایی در اعلان سود برخوردارند. شرکت کمباین‌سازی در سال ۱۳۹۰ بالاترین نوسانات در اعلان سود (۰/۹۸) را به خود اختصاص داده و شرکت بیسکویت گرجی در سال ۱۳۹۱، کمترین نوسانات در اعلان سود (۰/۰۱) را داشته است. نتایج برای متغیر کیفیت مدیریت ریسک حاکی از آن است که شرکت‌های ایرانی از کیفیت مدیریت ریسک یکسانی برخوردار نبوده و فقط ۴/۵٪ از این شرکت‌ها کیفیت بالایی در مدیریت ریسک داشته‌اند که بهترین شرکت در کیفیت بالای مدیریت ریسک، شرکت سایپا (۷/۱۱) در سال ۱۳۹۲ است و شرکت رینگ‌سازی مشهد در سال ۱۳۹۰، با سطح کیفیت ضعیف در مدیریت ریسک (۱/۲۲) مواجه بوده است. آماره‌های توصیفی برای متغیرهای کنترلی نظیر شاخص حاکمیت شرکنی نشان می‌دهد که فقط دو شرکت فرآوری معدنی در سال ۱۳۸۹ و شرکت فیبرایران در سال ۱۳۹۱ از شاخص بالایی برخوردارند و ۱۲۱ مشاهده امتیاز صفر داشته‌اند.

فروض کلاسیک رگرسیون

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، نیاز است قبل از آزمون فرضیه، فروض کلاسیک مدل رگرسیون، اجراء شود. یکی از روش‌های انتخاب مدل، بررسی آماری همسانی واریانس

باقیمانده‌ها است که از فرضیه‌های اساسی هر رابطه رگرسیونی محسوب می‌شود. دیگر مفروضات رگرسیونی بررسی خودهمبستگی است. همچنین، لازم است آزمون‌های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد تا مشخص گردد که داده‌ها به صورت تابلویی یا تلفیقی است و در صورتی که نوع داده‌ها تابلویی تشخیص داده شد، باید نوع اثرات آن مشخص گردد. برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس، از آزمون وایت، برای تعیین نوع داده‌ها، از آزمون F لیمر و برای تعیین اثرات داده‌ها، از آزمون هاسمن استفاده شده است که نتایج آن در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج فروض کلاسیک

ناهمسانی واریانس		خودهمبستگی		آزمون F لیمر		آزمون هاسمن	
آماره	سطح معناداری	آماره	سطح معناداری	آماره	سطح معناداری	آماره	سطح معناداری
۱۵/۹۴	۰/۰۰۰	۷۳/۱۷	۰/۰۰۰	۵/۴۶	۰/۰۰۰	۲۹/۹۱	۰/۰۰۰

نتایج مندرج در نگاره (۲) نشان می‌دهد به دلیل وجود ناهمسانی واریانس، الگوی تخمین رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۵ است. همچنین، به دلیل وجود خودهمبستگی از وقفه زمانی مرتبه دوم^۶ جهت برازش مدل استفاده شده است. انتخاب نوع داده‌ها حاکی از آن است که داده‌ها تابلویی و اثرات داده‌ها ثابت است.

تفسیر نتایج آزمون

نتایج حاصل از تخمین مدل در نگاره (۳) ارائه شده است. میزان آماره فیشر حاکی از توان توضیح‌دهندگی مدل است که برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است. بنابراین، در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین ملاحظه مقدار آماره دورین واتسون (۲/۰۵) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. همچنین ضریب تعیین، مناسب بودن خط رگرسیون برازش شده بر اساس مجموعه‌ای از داده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

نگاره (۳): نتیجه تخمین مدل

متغیرها	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
کیفیت مدیریت ریسک	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۲	-۳/۵۵۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۲۵	۰/۰۲۸	۰/۸۸۵	۰/۳۷۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۲/۶۸۹	۰/۰۰۷
اندازه شرکت	-۰/۰۳۳	۰/۰۰۳	-۹/۱۹۱	۰/۰۰۰
اقدام تعهدی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۱/۷۵۸	۰/۰۷۹۸
نسبت سود به قیمت	-۰/۰۱۵	۰/۰۱۲۲	-۱/۲۶۳	۰/۲۰۷
شاخص حاکمیت شرکتی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۱/۴۱۴	۰/۱۵۸
ضریب ثابت	۰/۰۵۲	۰/۰۱۴۴	۳/۶۲۴	۰/۰۰۰
وقفه زمانی مرتبه دوم	۰/۲۶۹	۰/۰۴۹	۵/۴۸۲	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۷۲	-	-	-
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۴	-	-	-
آزمون دوربین واتسون	-	-	۲/۰۵	-
آزمون F فیشر	۹/۳۹	-	-	۰/۰۰۰

هر چه مقدار این ضریب بالاتر باشد حاکی از آن است که متغیرهای توضیحی توان بیشتری در توضیح رفتار متغیر وابسته دارند. همانطور که در نگاره (۳) نشان داده شده است، مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۷۲ است. این عدد گویای این مطلب است که حدود ۷۲ درصد از رفتار متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی (مستقل و کنترلی) تبیین شده است که این موضوع بیانگر ارتباط بالای متغیرهای توضیحی با متغیر وابسته است.

نتیجه گیری

نتایج در برآورد مدل نشان داد که سطح معناداری برای متغیر کیفیت مدیریت ریسک برابر با ۰/۰۰۰ است که با احتمال ۹۹٪ کمتر از سطح خطای ۱٪ است. بنابراین، تغییرات در کیفیت مدیریت ریسک بر نوسانات ضمنی اعلان سود اثرگذار است. همچنین، ضریب این متغیر برابر با -۰/۰۱۰- است که این رقم گویای این مهم است که هر گونه تغییرات در کیفیت مدیریت ریسک، تغییرات نوسانات ضمنی اعلان سود را کاهش می‌دهد و در نتیجه فرضیه پژوهش تأیید

می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، تغییر در کیفیت مدیریت ریسک بر تغییر در نوسانات ضمنی اعلان سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معنادار داشته و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. نتایج این پژوهش با پژوهش ادموند و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

ادموند و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به ارتباط معنی‌دار و منفی بین تغییر در کیفیت مدیریت ریسک و تغییر در نوسانات سود دست یافتند. از دیگر نتایج پژوهش ارتباط مثبت اقلام تعهدی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری با نوسانات ضمنی اعلان سود و ارتباط منفی اندازه شرکت با نوسانات ضمنی اعلان سود است. نتایج، مطابق با فرضیه پژوهش بوده است. بنابراین، مدیران باید بدانند که هر گونه تغییر و واکنش مثبت در کیفیت مدیریت ریسک، موجب تأثیر در نوسانات ضمنی اعلان سود خواهد شد. مدیران شرکت‌ها همیشه به دنبال به‌کارگیری معیارهایی هستند تا بتوانند ریسک را به سطح قابل قبولی نزدیک نمایند. با توجه به اینکه نوسان در سود یکی از عواملی است که از مدیریت ریسک تأثیر پذیر است، بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیران با اتخاذ تصمیم‌های مناسب در زمینه مدیریت ریسک، نوسانات ضمنی اعلان سود را تا حد قابل قبول و چشم‌گیری کاهش دهند.

مطالعه حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود. به عنوان نمونه، یکی از دشوارترین مراحل انجام این پژوهش، انتخاب معیاری مناسب جهت سنجش مدیریت کیفیت ریسک بود. در این پژوهش سنجش مدیریت کیفیت ریسک بر اساس چهار شاخص استراتژی شرکت، کارایی عملیاتی، اتکاء پذیری در گزارشگری مالی و اندازه‌گیری صلاحیت شرکت انجام شد. احتمالاً اندازه‌گیری مدیریت کیفیت ریسک با هر معیار و سازوکار دیگری، نتایج پژوهش را تغییر دهد و نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود. بنابراین، محققین باید جهت اندازه‌گیری مدیریت کیفیت ریسک جنبه احتیاط را رعایت و این موضوع را در نظر داشته باشند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است و کلیه شرکت‌ها را مورد بررسی قرار نداده است. بنابراین، در تعمیم نتایج حاصل از پژوهش به کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، باید احتیاط لازم به عمل آید. ناقص بودن اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، به دلایلی نظیر مخدوش بودن فایل‌های موجود و در نتیجه حذف آن‌ها از جامعه آماری مورد

بررسی و عدم استفاده از اطلاعات شرکت‌های غیربورسی به دلیل عدم امکان دسترسی به داده‌های آن‌ها از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر است.

محققین آتی می‌توانند شرکت‌ها را از نظر اجرای سیستم کیفیت مدیریت ریسک دسته‌بندی نمایند (کیفیت بالا و پایین مدیریت ریسک) و نوسانات ضمنی اعلان سود را در هر کدام از این دسته‌ها با توجه به در نظر گرفتن ویژگی‌های صنعتی که شرکت‌ها در آن فعال هستند، مورد بررسی قرار دهند.

بی‌نوشت

- | | |
|------------------------------------|---|
| ۱ SEC | ۲ Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO) |
| ۳ Enterprise Risk Management (ERM) | ۴ COSO |
| ۵ GLS | ۶ AR (2) |

منابع

- Beasley, M. S. , Pagach, D. , Warr, R. (2008). Information conveyed in hiring announcements of senior executives overseeing enterprise-wide risk management processes. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 23, PP 311–332.
- Bernanke, B. S. (2008). Risk management in financial institutions. In *Federal Reserve Bank of Chicago Proceedings* (No. 1070).
- Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission. (2009). Strengthening risk management for strategic advantage. World Wide Web: <http://www.coso.org> (accessed July 1, 2013).
- Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission. (2009). Effective enterprise risk oversight: The role of the board of directors. World Wide Web: <http://www.coso.org> (accessed July 1, 2013).
- Dechow, P. M. , Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The accounting review*, 77 (s-1) , PP 35-59.
- Dichev, I. D. , Tang, V. W. (2008). Matching and the changing properties of accounting earnings over the last 40 years. *The Accounting Review*, 83 (6) , 1425-1460.
- Dimitropoulos, P. E. , Asteriou, D. , Kousenidis, D. , & Leventis, S. (2013). The impact of IFRS on accounting quality: Evidence from Greece. *Advances in Accounting*, 29 (1) , 108-123.
- Edmonds, C. T. , Edmonds, J. E. , Leece, R. D. , & Vermeer, T. E. (2015). Do risk management activities impact earnings volatility?. *Research in Accounting Regulation*, 27 (1) , 66-72.

- Gordon, L. A. , Loeb, M. P. , & Tseng, C. Y. (2009). Enterprise risk management and firm performance: A contingency perspective. *Journal of accounting and public policy*, 28 (4) , 301-327.
- Graham, J. R. , Harvey, C. R. , & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of accounting and economics*, 40 (1-3) , 3-73.
- Haghighat, H. , Mutammed, M. (2011). Investigate the relationship between volatility and profitability predictability. *Accounting advancements*. 3 (2) , 65-87. (In Persian).
- Heydarpur, F. , Khwajah, M. (2014). The Relationship Between Proportional Characteristics of Earnings per Share by Management on Risk and Company Value with the Purpose of Future Decision Making. *Financial Knowledge*, 7, (22) , 113-118. (In Persian).
- Hoyt, R. E. , Liebenberg, A. P. (2011). The value of enterprise risk Management. *Journal of Risk and Insurance*, 78 (4) , PP 795-822.
- Lyle, Matthew, R. , Rigsby, C. , Stephan, A. , Yohn, L. (2017). The Speed of the Market Reaction to Pre-Open versus Post-Close Earnings Announcements. *Kelley School of Business Research Paper*. 3, 17-75.
- Mazlomi, N. , Latifi, F. Asahi, H. (2007) Investigating the relationship between managers' risk appetite and the performance of organizations in Tehran Stock Exchange companies. *Management Studies*, 92, 56-72. (In Persian).
- Mehrani, S. Hesarzadeh, R. (2014). Profit fluctuations and its predictability, *Journal of Accounting Knowledge*. 2 (6) , 27-42. (In Persian).
- Pagach, D. , Warr, R. (2010). The effects of enterprise risk management on firm performance. Working paper, North Carolina State University.
- Pour Zaman, Z. , Karimi, A. (2010). The effect of effective management of risk and intellectual capital on the level of corporate performance. *Journal of Financial Studies*, 6, 18-2. (In Persian).
- Securities, U. S. , & Exchange Commission. (2009). Proxy Disclosure Enhancements. SEC Release no33-9089.
- Servaes, H. , Tamayo, A. , Tufano, P. (2009). The theory and practice of corporate risk management. *Journal of Applied Corporate Finance*, 21, 60-78.
- Song, G. (2013). Dose the existence of an enterprise risk management program influence the existence of material weakness in internal control over financial reporting? *Global Association of Risk Professionals*.
- TariVerdi, Y. , Dummi jolodar, Z. (2012). Relationship between Risk and Corporate Performance, *Financial Accounting and Auditing*, 4 (14) , 43-62. (In Persian).
- Yosra, B. , Fawzi, M. (2015). Earnings volatility and earning predictability. *Journal of business studies quarterly*, 6 (12) , 17-25. (In Persian).

zholanezhad; F. , Bekhradi Nasab, V. (2018). A comparative study response rate of firms with business strategies and cost leadership firms with different business strategies to the announcement, using the equations of structural failure. *Journal of Financial Engineering and Securities*, 9 (34) , 143-174. (In Persian).

تدوین الگو و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت حسابرسی داخلی

زهرا حاجیها؛ حسین رجب‌دوری^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۰۳

چکیده

حسابرسی داخلی، موضوع مهمی است که به تازگی توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این پژوهش، با هدف تهیه الگو و بررسی اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت حسابرسی داخلی نگارش یافته است. مطالعه پیش‌رو از نوع پیمایشی-کاربردی است. در این راستا، ابتدا با بررسی ۱۵ پژوهش داخلی و خارجی که به ارائه الگوی افزایش کیفیت حسابرسی داخلی پرداخته‌اند و با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا، عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت حسابرسی داخلی در قالب الگویی پنج‌بعدی شناسایی و سپس با تبدیل مؤلفه‌های یافته شده به پرسشنامه و نمونه‌گیری تصادفی ساده از ۸۱ نفر از مدرسان دانشگاهی، موضوع بررسی شده است. پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS، برای تحلیل نتایج در قالب ۵ فرضیه، از آزمون پارامتریک T تک نمونه‌ای و جهت تعیین اولویت یافته‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد. یافته‌ها نشان‌دهنده تأیید کلیه فرضیه‌های پژوهش و به معنای بااهمیت بودن عوامل موردبررسی است. همچنین، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان استقلال به‌عنوان اولویت اول و در ادامه، عوامل رعایت اصول و ضوابط، صلاحیت و شایستگی، عوامل ارتباطی و حمایت مدیران از حسابرسان داخلی به ترتیب در اولویت‌های بعدی، قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: حسابرسی داخلی، کیفیت، الگوی حسابرسی داخلی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42 , M49

DOI: 10.22051/ijar.2019.14834.1283

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (drzhajha@gmail.com).

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران، نویسنده مسئول، (Hosrado@gmail.com).

مقدمه

حسابرسی داخلی، یک فعالیت هدفمند و مستقل است که برای سازمان اطمینانی در مورد کنترل‌های داخلی استقرار یافته فراهم و برای عملیات ارزش افزایی می‌کند. حسابرسی داخلی، یکی از حلقه‌های زنجیره ارزش آفرینی در سازمان‌های نوین است که در چارچوب نظام راهبری شرکتی، نقش مهمی در توسعه پایدار شرکت ایفا می‌کند (مدیریت حسابرسی داخلی بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۷). این حرفه، به‌طور پیوسته خود را اصلاح می‌کند. چنان‌که سال‌به‌سال با تغییر نیازهای سازمان، دامنه فعالیت حسابرسان داخلی نیز تغییر می‌یابد و تحلیل‌های متفاوتی برای کشف ریسک واحد تجاری انجام می‌گیرد (جوکان، ۲۰۱۱). سازمان‌هایی که از یک واحد حسابرسی داخلی اثربخش برخوردار هستند، ارزیابی بهتری نسبت به شناسایی خطرهای کسب‌وکار، فرایندها و سیستم تجاری خود دارند. از همین رو، اقدام‌های اصلاحی مناسب را به‌منظور بهبود مستمر محیط کسب‌وکار خود به کار می‌بندند (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۱۰). این واحد، به‌عنوان بازوی مدیرعامل عمل می‌کند و با نظارت کامل بر عملکرد واحدهای اجرایی و ستادی، تصویری شفاف از سازمان را با توجه به فراز و نشیب‌ها، موفقیت‌ها، عدم پیشرفت‌ها و نقاط ضعف، به مدیریت عالی سازمان منعکس می‌نماید (نادری‌نیری و همکاران، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، مدیران سازمان نیز باید از نتایج فعالیت‌های حسابرسی داخلی در جهت بهبود سازمان و اصلاح عملکردها استفاده کنند. شناخت متقابل کارکردها و نیازهای کارکنان حسابرسی داخلی و مدیران سطوح مختلف سازمان از یکدیگر، سازمان را در رسیدن به هدف‌ها یاری می‌کند (پورموسی، ۱۳۸۸). امروزه وظایف و نقش حسابرسان داخلی، بسیار بااهمیت‌تر از حسابرسان مستقل تلقی می‌شود، زیرا با حسابرسی داخلی می‌توان از وقوع حوادث نامطلوب در سازمان پیش‌گیری کرد. جنبه بازدارندگی حسابرسی داخلی قبل از خرج نیز بسیار بااهمیت است، زیرا حسابرسان خارجی در اصل نقش بازدارندگی یا پیش‌گیری از تقلب را به علت زمان رسیدگی که بعد از انجام عملیات است (مشابه حسابرسی بعد از خرج)، ندارند (دوانی، ۱۳۹۳).

هدف اصلی این پژوهش، تدوین الگو و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت حسابرسی داخلی است. برای این منظور، با مراجعه به پژوهش‌های داخلی و خارجی که به ارائه

الگوی افزایش کیفیت حسابرسی داخلی پرداخته بودند و با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا، الگوی اولیه تهیه و سپس از نظر مدرسان دانشگاهی برای بررسی اولویت‌ها استفاده شد. تمایز اصلی این پژوهش با سایر پژوهش‌های انجام‌شده، تهیه الگو با رویکرد تحلیل محتوا و اولویت‌بندی آن با استفاده از نظرات کارشناسی جامعه دانشگاهی است. در نتیجه، می‌توان با استفاده از نتایج پژوهش ضمن درک اهمیت هر مؤلفه، مسیر افزایش سطح اثربخشی حسابرسی داخلی را ترسیم نمود.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش داخلی

جبارزاده کنگرلویی و همکاران (۱۳۹۰)، دانش تخصصی حسابرسی، صاحب‌نظر بودن در سایر زمینه‌ها علاوه بر زمینه مالی، پیرو آداب و اصول مدون حرفه‌ای بودن، استقلال، رازداری، صلاحیت اخلاقی، اجتماعی و حرفه‌ای و انجام کار به‌صورت حرفه‌ای را از عوامل مؤثر در جهت افزایش قابلیت اتکای حسابرسان مستقل بر کار حسابرسان داخلی بیان نمودند. پورحیدری و رضایی (۱۳۹۱)، در پژوهشی جایگاه سازمانی، آموزش، محیط کار، ارزیابی ریسک، خدمات متنوع، ارزیابی عملکرد، تبلیغات و روش‌های نوین را از عوامل مؤثر بر ارزش افزوده حسابرسی داخلی قلمداد کرده‌اند. ساسانی و اسکندری (۱۳۹۲)، نیز با بهره‌گیری از پژوهش «اندازه‌گیری کارایی و اثربخشی حسابرسی داخلی» منتشرشده توسط انجمن حسابرسان داخلی آمریکا در سال ۲۰۱۰، در پژوهشی به‌منظور تعریف و شناسایی شاخه‌های اصلی اندازه‌گیری کارایی و اثربخشی حسابرسی داخلی، منابعی شامل چارچوب رهنمودهای اجرایی حرفه‌ای بین‌المللی انجمن حسابرسان داخلی آمریکا، ساختار و منشور حسابرسی داخلی، قوانین و مقررات کاربردی و برنامه‌ها و استراتژی‌های حسابرسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در نتیجه، معیارهایی شامل معیارهای پایه خدمات به ذینفعان، نوآوری، دانش و مهارت کسب‌وکار، توسعه روش‌ها و دانش‌ها و توسعه نیروی کار را به‌عنوان عوامل مؤثر بر کارایی و اثربخشی حسابرسی داخلی، عنوان نموده‌اند.

باقرپورولاشانی و همکاران (۱۳۹۲)، نیز نشان داد که اجرای حسابرسی داخلی حاوی پیش‌نیازهایی شامل شناسایی و تعیین اهداف و فرایندهای سازمانی، آموزش کارکنان و برنامه‌های

آموزشی، حمایت مدیریت ارشد و مراحل از جمله تعیین اهداف کنترلی، تجزیه و تحلیل اولویت بندی ریسک‌ها، فعالیت‌های کنترلی، تعیین نقاط ضعف کنترلی موجود، تدوین برنامه حسابرسی و انجام رسیدگی و ارائه گزارش حسابرسی است. کردستانی و علوی (۱۳۹۳)، در پژوهشی عوامل عملکرد مستقل، حمایت از سوی مدیران ارشد، تسهیل روابط با مدیران، ارزیابی سالانه، کمک به پاسخگویی مدیران، مؤثر بودن در بهبود استراتژی‌های سازمان، عملکرد کارا و اثربخش، کمک در مرتفع کردن مسئولیت‌ها و ارتباط با ذینفعان را به عنوان راه کارهای بهبود حسابرسی داخلی بیان کرده‌اند.

واحدمقدم و معین فر (۱۳۹۳)، ویژگی‌های لازم برای یک حسابرسی مناسب را علاوه بر تلاش برای بهبود مستمر و رفع نقاط ضعف، شامل مواردی دانسته‌اند که به شرح زیر است: (۱) عقل سلیم، (۲) زمینه فنی، (۳) دانش عمومی از صنعتی که واحد تجاری در آن فعالیت می‌کند، (۴) اطلاعات از عملیات و سازمان واحد تجاری، (۵) کنجکاوی، مهارت و انگیزه، (۶) توانایی و هنر در روابط انسانی و ارتباطات و (۷) مهم‌تر از همه آنکه مانند یک مدیر بتواند فکر کند. سلیمانی و نیکجه (۱۳۹۴)، نیز در پژوهش خود ابتدا به مفاهیم نظام راهبری شرکتی پرداخته و سپس طبقه‌بندی تجربی ارائه شده برای مدل‌های نظام راهبری شرکتی را با توجه به چگونگی جدایی مالکیت از مدیریت و کنترل شرکت و روابط بین نهادهای مختلفی که شرکت را مدیریت و کنترل می‌کنند، توضیح داده‌اند. علاوه بر آن، رحمانی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی موانع استقرار واحد حسابرسی داخلی در دانشگاه‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. موانع ذکر شده شامل سه مؤلفه: (۱) موانع فرهنگی، سازمانی و قانونی، (۲) عدم شناخت، آموزش و هماهنگی مناسب در رابطه با واحد حسابرسی داخلی و (۳) موانع مرتبط با کارکنان واحد حسابرسی داخلی است که یافته‌ها با استفاده از تحلیل عاملی، به دست آمده است. در نهایت، اعتمادی و همکاران (۱۳۹۶) نیز نشان دادند که همکاری با کمیته حسابرسی داخلی در تهیه صورت‌های مالی، دارای تأثیر مثبت و معناداری بر قدرت حرفه‌ای حسابرسی داخلی بوده و از نظر خبرگان تک‌تک عوامل قدرت تا اندازه‌ای مطلوب و از نظر شرکت‌ها مطلوب ارزیابی می‌شوند.

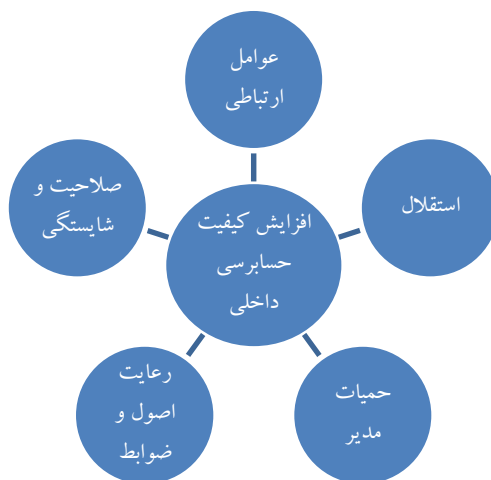
پیشینه پژوهش خارجی

بررسی یافته‌های پژوهشگران خارجی نیز نشان داد که برای نمونه، استرن (۱۹۹۴) در پژوهشی ۱۵ مرحله را برای مؤثر بودن حسابرسی داخلی بیان نموده است که شامل (۱) تبدیل شدن به یک

پیش‌رانه در اجرای تغییرات، (۲) افزایش همکاری متقابل حسابرسی در سازمان، (۳) ارزیابی خود از طریق دخالت در خریدها، (۴) استفاده از تمامی کارکنان در امر حسابرسی، (۵) تمرکز بر مخاطرات محیط کسب و کار، (۶) هدف‌گیری برای افزایش سود، (۷) به اشتراک گذاشتن فناوری‌ها، (۸) همکاری با مشتریان، (۹) بیان مشاوره‌های حسابرسی شرکت در سطح گسترده، (۱۰) اجرای حسابرسی پیشگیرانه، (۱۱) کاهش هزینه حسابرسی مستقل، (۱۲) قرار گرفتن حساب‌رسان در جایگاه ویژه، (۱۳) دریافت گزارش‌های حسابرسی در اسرع وقت، (۱۴) رعایت اصول اولیه و (۱۵) تأکید بر حوزه‌های مشکل‌زا، است. همچنین، بر اساس استاندارد شماره ۳۰۰ انجمن حساب‌رسان داخلی (۲۰۰۰) طبقه‌بندی حوزه کاری و وظایف حساب‌رسان داخلی بدین شرح است: (۱) اعتبار و درستی اطلاعات (استاندارد ۳۱۰)، (۲) پذیرش و رعایت خط‌مشی‌ها، طرح‌ها، رویه‌ها، قوانین و مقررات (استاندارد ۳۲۰)، (۳) حفاظت از دارایی‌ها (استاندارد ۳۳۰)، (۴) استفاده اقتصادی و کارآمد از ثروت (استاندارد ۳۴۰) و (۵) اجرای اهداف با استفاده از بودجه‌های مقرر برای عملیات و برنامه‌ها (استاندارد ۳۵۰). روث (۲۰۰۰) نیز با بررسی بهترین تجربه‌ها و روش‌های طبقه‌بندی جهانی در رابطه با ارزش‌افزوده حسابرسی داخلی عواملی را ذکر نموده است. عوامل ذکر شده عبارت است از ساختار سازمانی، نیروی انسانی و محیط کار، ارزیابی ریسک حسابرسی، خدمات متنوع حسابرسی داخلی، دیگر خدمات تضمینی و مشاوره‌ای، سنجش عملکرد واحد، بازاریابی خدمات و در آخر تغییرهای مداوم واحد. همچنین، رتنبرگ و همکاران (۲۰۰۰)؛ به نقل از صلاحی‌نژاد و فارس‌جانی، (۱۳۹۲) تأکید می‌کنند که عواملی می‌تواند موفقیت حسابرسی داخلی را رقم بزند. محتوای اصلی هر یک از عوامل شامل (۱) مأموریت تعریف شده و شفاف که پیوسته مدیریت شرکت آن را تقویت کند، (۲) ارتباط‌های هوشمندانه، خواه رسمی و خواه غیررسمی بین حساب‌رسان داخلی و مدیریت عالی، (۳) رابطه قوی بین گروه حسابرسی داخلی و کمیته‌های حسابرسی، (۴) پیشرو بودن در ترویج ایده‌های جدید، (۵) تمایل به ارزیابی بر اساس ارزش‌افزوده خدماتی که به شرکت ارائه می‌کنند، (۶) تخصص و تجربه کافی همه اعضای گروه حسابرسی در زمینه حسابرسی فناوری اطلاعات و بهره‌مندی از کارشناسان، (۷) استفاده از فن‌های تحلیل یکپارچه ریسک، (۸) حفظ انعطاف‌پذیری طرح حسابرسی، (۹) ارائه پیشنهاد و راه‌حل برای کاستی‌های موجود در شرکت، (۱۰) استفاده از کارکنان باتجربه و (۱۱) استفاده از نظر کارشناسان مستقل در صورت لزوم، است. افزون بر آن، چمبرز و همکاران (۲۰۱۳) نیز به هفت راز موفقیت برای حساب‌رسان داخلی، اشاره کرده‌اند.

عوامل ذکر شده شامل صلاحیت، ایجاد ارتباط کاری با دیگران، مشارکت، ارتباطات، کار گروهی، گوناگونی فرهنگ‌ها و دیدگاه‌ها و یادگیری دائمی است. الزبان و گویلیام (۲۰۱۴) نیز در پژوهشی به بررسی معیارهای افزایش کیفیت حسابرسی داخلی پرداخته‌اند. این عوامل شامل سنجش صلاحیت و شایستگی حسابرسان، اندازه بخش حسابرسی داخلی، رابطه بین حسابرسان داخلی و خارجی، استقلال حسابرسی داخلی و میزان پشتیبانی و حمایت مدیریت از حسابرسی داخلی است. همچنین، یوسکو و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که افشای حسابرسی داخلی ارتباط قابل توجهی با درجه افشای برخی از متغیرهای حسابرسی مستقل دارد.

بر اساس پیشینه پژوهش و با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا، الگوی اولیه استخراج شد. تحلیل محتوا، فنی برای استخراج داده‌ها از متن است که دارای ویژگی‌های خاص خود است. در این پژوهش، با بررسی محتوای مقاله‌های ذکر شده در قسمت پیشینه (مقاله‌هایی که ارتباط مستقیمی با بهبود عملکرد و کیفیت حسابرسی داخلی داشته و ترجیحاً به ارائه الگو پرداخته باشند) و با استفاده از گام‌های تحلیل محتوای نئوندورف (۲۰۰۶) الگوی اولیه تهیه شد. الگوی اولیه استخراج شده در شکل ۱ قابل مشاهده است.



شکل (۱): عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت حسابرسی داخلی

در ادامه، به گونه مختصر هر یک از عوامل ذکر شده در الگو بیان می‌شود:

عوامل ارتباطی

ارتباط اثربخش، مدت‌ها است که به‌عنوان ویژگی ارزشمند حسابرسی داخلی شناخته شده است (بستانیان، ۱۳۹۲). ارتباط اثربخش برای حساب‌برسان داخلی شامل مجموعه‌ای از شبکه‌های ارتباطی مختلف است. یکی از فراگیرترین هدف‌ها در حسابرسی داخلی ایجاد زمینه اعتماد و احترام با افراد حرفه‌ای دیگر سازمان است؛ کمک به دیگران و روابط سازنده، همکاری و منافع متقابل ایجاد می‌کند و دستیابی به این هدف مستلزم برقراری رابطه مستقیم درون شبکه سازمان است. همچنین، حساب‌برسان داخلی به‌ویژه در برقراری ارتباط با حساب‌برسان مستقل باید آزادی عمل داشته باشد (سازمان حسابرسی، ۱۳۸۹). هماهنگ‌سازی، مشارکت و همکاری میان حساب‌برسان داخلی و خارجی همواره به‌عنوان مسئله‌ای مهم برای حساب‌برسی سازمان‌ها و ذی‌نفعان خارجی آن‌ها بوده است (الزبان و گویلیام، ۲۰۱۴). حساب‌برسی داخلی باید با مشورت با مدیریت، ضرورت‌ها و اولویت‌های کاری خود را تعیین کند؛ بنابراین، رئیس حساب‌برسی داخلی باید آزادانه به مدیران ارشد دسترسی داشته باشد و به آن‌ها گزارش کند (محمودزاده، ۱۳۹۳).

استقلال

استقلال حساب‌برس، همواره به‌عنوان موضوعی مهم و ضروری قابل‌بحث بوده است. این مهم در رابطه با حساب‌برسان داخلی نیز صدق می‌کند. سلیمانی‌امیری و نیکبخت (۱۳۹۴) معتقدند با توجه به اینکه حساب‌برسان داخلی در استخدام سازمان هستند و واژه حساب‌برس مستقل برای آنان به کار نمی‌رود، استقلال ایشان نوعی «استقلال خاکستری»^۲ است. استقلال خاکستری به معنای نوعی استقلال است که بین استقلال مطلق و وابستگی قرار دارد. در هر حال، وجود استقلال برای حساب‌برسان داخلی ضروری است، به‌نحوی که بر اساس پژوهش‌های پیشین، این موضوع اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

حمایت مدیریت از حساب‌برسان داخلی

مدیران و حساب‌برسان داخلی در یک سنگر قرار دارند و اهداف پیش‌بینی شده و مواضع آن‌ها مشترک است. مدیران باید توصیه‌های حساب‌برسان داخلی را درک کنند و آگاه باشند که حمایت از آن‌ها باعث به کنترل در آوردن ریسک‌های موجود می‌شود (مدیرکیا، ۱۳۹۳). مدیرانی که به دنبال اثربخشی فعالیت حساب‌برسی داخلی هستند، باید همواره نسبت به ارزیابی این حوزه از

سازمان خود اقدام کنند و در جهت تقویت، بهبود مستمر و رفع نقاط ضعف آن بکوشند (واحدمقدم و معین فر، ۱۳۹۳). با حمایت مدیران است که واحد حسابرسی داخلی می‌تواند منابع مالی و انسانی کافی در اختیار گیرد و موقعیت و جایگاه خود را در سازمان تثبیت کند؛ بنابراین، پشتیبانی مدیریتی سازمان از حسابرسی داخلی یک ضرورت است. همچنین، اندازه هر واحد سازمانی را می‌توان با تعداد نیروهای در اختیار آن واحد بررسی کرد. طبیعی است که واحدهای سازمانی با گستردگی بیشتر، برای سازمان از اهمیت بیشتری برخوردارند و برای پیشبرد اهداف و وظایف خود نیازمند در اختیار داشتن نیروهای انسانی متخصص بیشتری هستند؛ بنابراین، بخش حسابرسی داخلی نیز برای انجام وظایف خود باید نیروی کار کافی در اختیار داشته باشد.

رعایت اصول و ضوابط

لازم است که حسابرسان داخلی به اصول و ضوابط مطرح شده توجه نموده و از آن‌ها تخطی نمایند، زیرا تخطی از اصول و ضوابط را می‌توان به‌عنوان خط قرمز هر حرفه و سازمانی تعریف نمود.

صلاحیت و شایستگی حسابرسان داخلی

صلاحیت و شایستگی کارکنان، یکی از مؤلفه‌های کلیدی در فعالیت مؤثر حسابرسی داخلی است (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۰۶). حسابرسان داخلی باید افرادی باتجربه و دارای صلاحیت و دانش کافی باشند؛ به‌صورتی که درک و شناخت بالایی از فرایندها، عملیات و اصلاح سیستم‌ها داشته باشند. حمایت کافی مدیران باید پشتوانه محکمی برای ضمانت اجرایی گزارش‌ها، پیشنهادهای و نتایج حاصل از رسیدگی‌ها باشد (خوزین، ۱۳۸۵). به‌گونه‌عام، داشتن صلاحیت اخلاقی و حرفه‌ای، برای حسابداران و حسابرسان مستقل و داخلی ضروری است و لازم است که این افراد دارای صلاحیت‌های اخلاقی، دانش و تحصیلات، مهارت و دیگر شایستگی‌های لازم برای انجام وظایف خود باشند. صلاحیت و شایستگی حسابرسان داخلی در جایگاهی از اهمیت قرار دارد که این موضوع تحت عنوان شاخصی برای اتکا به فعالیت‌های حسابرسان داخلی از سوی حسابرسان مستقل شناسایی شده است (التوایجری و همکاران، ۲۰۰۴).

فرضیه‌های پژوهش

اکنون، جهت رسیدن به اهداف پژوهش و با توجه به مبانی نظری و الگوی ارائه‌شده، می‌توان فرضیه‌های زیر را بیان نمود. لازم به ذکر است که بر اساس الگوی تهیه‌شده و تحلیل محتوای پژوهش‌های بررسی‌شده، پنج عامل به صورت کلی در حسابرسی داخلی دارای اهمیت است؛ بنابراین، برای تأیید اثر هر یک از آن‌ها به صورت تجربی، لازم است که این مسئله از دیدگاه کارشناسان امر مورد آزمون قرار گیرد. در نتیجه، هر یک از فرضیه‌های ارائه‌شده به بررسی اهمیت یک بعد از الگوی ارائه‌شده می‌پردازد.

فرضیه اول: عوامل ارتباطی حسابرسان داخلی، در سطح اهمیت مطلوبی قرار دارد.

فرضیه دوم: استقلال حسابرسان داخلی، در سطح اهمیت مطلوبی قرار دارد.

فرضیه سوم: حمایت مدیریت از حسابرسان داخلی، در سطح اهمیت مطلوبی قرار دارد.

فرضیه چهارم: رعایت اصول و ضوابط حرفه‌ای حسابرسان داخلی، در سطح اهمیت مطلوبی قرار دارد.

فرضیه پنجم: صلاحیت و شایستگی حسابرسان داخلی، در سطح اهمیت مطلوبی قرار دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از طرح تحقیق پس از واقعه (عبدالخلیق و آجین کیا، ۱۳۸۹: ۵۰)، استفاده می‌کند و بر اساس روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا به بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد حسابرسی داخلی پرداخته تا بتواند الگوی بهبود عملکرد حسابرسی داخلی را ارائه نماید. جمع‌آوری مطالعات انجام‌شده، با جستجو در منابع اطلاعاتی مختلف داخلی و خارجی صورت گرفت. همچنین، پژوهش حاضر از لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. روش‌های گردآوری اطلاعات اولیه در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش کتابخانه‌ای از طریق مطالعه ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، چارچوب مناسبی برای موضوع فراهم شد. در روش میدانی، با تبدیل مؤلفه‌های تهیه‌شده از الگوی ذکرشده به پرسشنامه، اطلاعات موردنیاز برای بررسی موضوع گردآوری شد. در پرسشنامه ذکرشده از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای و گزینه‌های «کاملاً مخالف»، «مخالف»، «نه موافق و نه مخالف»، «موافق» و «کاملاً موافق» برای پاسخگویی استفاده

شد. استفاده از پرسشنامه پس از دریافت نظرهای کارشناسی و تائید استادان دانشگاهی و صاحب‌نظران مختلف بود و اعتبار ظاهری و محتوایی پرسشنامه تائید شد.

جامعه و نمونه

جامعه پژوهش موردنظر، کل مدرسان دانشگاهی سطح کشور است. با توجه به اینکه دسترسی به کل افراد ذکرشده با پراکندگی‌های مختلف، سخت و تا حدودی غیرممکن است، از شیوه نمونه‌گیری در دسترس یا آسان^۳ استفاده شد. جمع‌آوری نظرها به دو شیوه حضوری و مجازی صورت گرفت. در شیوه حضوری با مراجعه به مدرسان دانشگاهی، پرسشنامه‌ها تکمیل شد. در شیوه مجازی نیز پس از طراحی پرسشنامه در محیط فرم نگار گوگل^۴، دعوت‌نامه تکمیل و پرسشنامه برای مدرسان دانشگاهی ارسال شد. در ادامه ۸ پرسشنامه به شیوه حضوری و ۷۳ پرسشنامه به شیوه مجازی تکمیل که در مجموع ۸۱ پرسشنامه دریافت شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای توصیف نمونه از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، میانگین و انحراف معیار و برای آزمون سؤال‌های پژوهش از آزمون‌های آماری استنباطی استفاده شد. برای بررسی سطح اهمیت هر متغیر در جامعه موردبررسی از آزمون T تک نمونه‌ای و برای بررسی اولویت طبقه‌ها از آزمون فریدمن^۵ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه ۶۴ نفر مرد و ۱۷ نفر زن بودند. به عبارتی، ۷۹٪ از پاسخ‌دهندگان را مردان و ۲۱٪ را زنان تشکیل داده‌اند. از پاسخ‌دهندگان ۱۰ نفر دارای مدرک دکتری و ۷۱ نفر دانشجوی دکتری حسابداری که به تدریس دانشگاهی مشغول باشند است. میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۳۶/۱۷۲۸ با انحراف معیار ۷/۶۵۳۰ و میانگین سابقه کار پاسخ‌دهندگان ۱۱/۳۲۰۹ سال با انحراف معیار ۷/۵۴۴۵ است. در برآورد پایایی پرسشنامه پژوهش حاضر نیز از روش آلفای کرونباخ^۶ استفاده شد. پس از بررسی آلفای کرونباخ پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۷۹۸ تعیین شد، بنابراین پایایی پرسشنامه مورد تائید قرار گرفت.

برای انتخاب نوع آزمون آماری مناسب با توجه به نوع داده‌ها و مقیاس سنجش آن‌ها، با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲، ابتدا به بررسی نرمال بودن داده‌ها پرداخته شد تا بتوان مشخص نمود که استفاده از آزمون‌های پارامتریک مجاز است یا خیر؟ برای این منظور، از آزمون کلموگوروف-اسمیرنوف^۲ استفاده شد که نتایج آن در نگاره ۱ بیان شده است.

نگاره (۱): بررسی نرمال بودن پاسخ‌های پرسشنامه پژوهش

آماره‌ها	یافته‌ها
میانگین	۴/۴۵۶۸
انحراف استاندارد	۰/۱۷۱۵۸
کلموگوروف - اسمیرنوف Z	۰/۷۸۵
P	۰/۵۶۹

همان‌گونه که در نگاره بالا مشاهده می‌شود، P به دست آمده بالاتر از ۰/۰۵ است و بنابراین، متغیر مورد بررسی دارای توزیع نرمال بوده و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای آن استفاده کرد. در ادامه، نتایج آزمون T تک نمونه‌ای هر طبقه در نگاره شماره ۲ ارائه شده و سپس تحلیل جدول‌های آن بیان می‌شود.

نگاره (۲): نتایج آزمون بررسی اهمیت متغیرهای پژوهش

مؤلفه	T آماره	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف	
				سطح معناداری	بیشینه
عوامل ارتباطی	۴۲/۹۳۳	۴/۳۶۴۹	۰/۲۸۶۱۲	۰/۰۰۰	۱/۴۵۰۸
استقلال	۴۲/۷۰۹	۴/۶۳۵۸	۰/۳۴۴۷۱	۰/۰۰۰	۱/۷۱۲۰
حمایت مدیریت	۱۹/۶۴۰	۴/۱۴۴۰	۰/۵۲۴۲۴	۰/۰۰۰	۱/۱۲۶۰۰
رعایت اصول و ضوابط	۴۲/۶۷۵	۴/۵۴۳۲	۰/۳۲۵۴۶	۰/۰۰۰	۱/۶۱۵۲
صلاحیت و شایستگی	۶۰/۹۴۵	۴/۵۰۰۷	۰/۲۲۱۶۱	۰/۰۰۰	۱/۵۴۹۷

یافته‌های نگاره شماره ۲ بیان می‌دارد که در بررسی کلیه مؤلفه‌ها در جامعه مورد نظر، سطح معناداری معادل ۰/۰۰۰ بوده که از مقدار خطای ۰/۰۵ کوچک‌تر است؛ بنابراین، فرض صفر مبنی بر اینکه میانگین وزنی نمره‌ها مساوی ۳ باشد، تأیید نشده است. از سوی دیگر، مثبت بودن حد بالا و حد پایین در کلیه مؤلفه‌ها، بدین معنا است که میانگین جامعه در مورد این متغیر، بیشتر از مقدار آزمون است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که بر اساس نظر پاسخ‌دهندگان، کلیه

متغیرهای مورد بررسی در وضعیت «بااهمیت» و بالاتر از میانگین قرار دارند. همچنین، با انجام آزمون فریدمن، جهت بررسی وجود تفاوت در ابعاد مختلف عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت حسابرسی داخلی، سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ به دست آمده که کمتر از ۰/۰۰۵ است، بنابراین نتایج حاکی از رد شدن فرض صفر دارد که این موضوع تأیید کننده وجود اولویت‌های مختلف الگو است.

ارائه الگوی نهایی بر اساس اولویت‌بندی تفکیکی

تاکنون با توجه به یافته‌های پژوهش، اولویت هر یک از مؤلفه‌های الگوی اولیه مشخص شد. اکنون اولویت اجزای هر یک از طبقه‌ها و گروه‌های الگو بر اساس پاسخ‌های دریافت شده، به ترتیب اولویت در نگاره شماره ۳ ارائه می‌شود.

نگاره (۳): اولویت‌بندی تفکیکی متغیرهای پژوهش

میانگین امتیاز	مؤلفه
۴/۶۳۵۸	۱- استقلال
۴/۷۱۶۰	۱-۱- ارائه گزارش به بالاترین سطح سازمان
۴/۵۵۵۶	۲-۱- جایگاه حسابرسی داخلی در سازمان
۴/۵۴۳۲	۲- رعایت اصول و ضوابط
۴/۷۷۷۸	۱-۲- رعایت استانداردهای حسابرسی
۴/۷۱۶۰	۲-۲- رعایت قوانین و خط‌مشی‌ها
۴/۴۱۹۸	۲-۳- شناسایی و ارزیابی ریسک‌ها
۴/۲۵۹۳	۲-۴- تدوین بودجه‌های زمانی و عمل به آن
۴/۵۰۰۷	۳- صلاحیت و شایستگی
۴/۹۵۰۶	۳-۱-۱- درستکاری
۴/۹۲۵۹	۳-۱-۲- رازداری
۴/۷۶۵۴	۳-۱-۳- بی‌طرفی
۴/۷۱۶۰	۳-۱-۴- صداقت و شفافیت در ارائه گزارش‌ها
۴/۶۲۹۶	۳-۱-۵- حفظ حیثیت حرفه‌ای
۴/۴۰۷۴	۳-۱-۶- عمل به پیشنهادهای سازنده
۴/۳۷۰۴	۳-۱-۷- عمل به نظام شایسته‌سالاری
۴/۱۸۵۲	۳-۱-۸- مشورت
۴/۱۶۰۵	۳-۱-۹- عمل به نظام مشارکتی

۳-۱- صلاحیت
اخلاقی
(۴/۵۰۴۶)

میانگین امتیاز	مؤلفه	
۳/۸۶۴۲	۱-۱-۳- انتقادپذیری	
۴/۹۲۵۹	۱-۲-۳- دانش تخصصی	۲-۳- صلاحیت حرفه‌ای (۴/۴۹۷۵)
۴/۶۰۴۹	۲-۲-۳- آموزش دائمی	
۴/۵۹۲۶	۳-۲-۳- ارائه خدمات در بالاترین کیفیت	
۴/۵۱۸۵	۴-۲-۳- استفاده از تجربه و انتقال آن	
۴/۴۱۹۸	۵-۲-۳- بهبود رویه‌های حسابرسی	
۴/۳۸۲۷	۶-۲-۳- نوآوری و خلاقیت	
۴/۳۴۵۷	۷-۲-۳- سنجش عملکرد خود به صورت ادواری	
۴/۲۴۶۹	۸-۲-۳- ترویج ایده‌های جدید	
۴/۳۶۴۹	۴- عوامل ارتباطی	
۴/۵۳۰۹	۱-۱-۴- آشنا ساختن مدیران و کارکنان با اهمیت حسابرسی داخلی	۱-۴- عوامل فرهنگی (۴/۵۲۴۷)
۴/۵۱۸۵	۲-۱-۴- از بین بردن دید منفی مدیران و کارکنان نسبت به حسابرسی داخلی	
۴/۵۴۳۲	۱-۲-۴- ارتباط با مدیر	۲-۴- عوامل سازمانی (۴/۴۵۶۸)
۴/۵۱۸۵	۲-۲-۴- ارتباط با کمیته حسابرسی	
۴/۵۰۶۲	۳-۲-۴- ارتباط با حسابرسان مستقل	
۴/۲۵۹۳	۴-۲-۴- ارتباط با سایر واحدهای شرکت	
۴/۲۵۹۳	۱-۳-۴- تلاش برای اعتماد آفرینی	۳-۴- عوامل فردی (۴/۱۳۵۸)
۴/۲۴۶۹	۲-۳-۴- آشنایی با مهارت‌های ارتباطی اثربخش	
۳/۹۰۱۲	۳-۳-۴- تلاش برای ایجاد محیط دوستانه	
۴/۱۴۴۰	۵- حمایت مدیریت از حسابرسان داخلی	
۴/۱۸۵۲	۱-۵- کفایت و توسعه منابع انسانی	
۴/۱۳۵۸	۲-۵- کفایت منابع مالی	
۴/۱۱۱۱	۳-۵- کفایت امکانات و تجهیزات لازم	

نتیجه گیری

اهمیت حسابرسی داخلی، ضرورت انجام پژوهش‌های متعدد در این حوزه را اثبات می‌کند. برای سازمان‌دهی به این موضوع وجود الگوهایی جهت تعیین مسیر افزایش کیفیت و اثربخشی حسابرسی داخلی ضروری است. اگرچه تاکنون در این زمینه پژوهش‌هایی صورت گرفته، اما عموماً با رویکرد قیاسی و هنجاری بوده و تعداد پژوهش‌های میدانی در این زمینه انگشت‌شمار است. همچنین، تفاوت در الگوهای مختلف را می‌توان از دیگر ایرادهای عمده آنان دانست. در این پژوهش، تلاش شد که با رویکرد تحلیل محتوا، الگوی جامعی ارائه شود که تا حد ممکن با الگوهای ارائه‌شده همپوشانی داشته باشد تا در ادامه، با استفاده از نظر کارشناسان، اولویت‌بندی عوامل الگو تعیین شود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که همه متغیرهای موردبررسی از نظر پاسخ‌دهندگان دارای اهمیت مطلوب و بالاتر از متوسط است. همچنین، در اولویت‌بندی عوامل، الگو استقلال به‌عنوان اولویت اول و در ادامه، رعایت اصول و ضوابط به‌عنوان اولویت دوم تعیین شد. از دیدگاه پاسخ‌دهندگان صلاحیت و شایستگی به‌عنوان اولویت سوم مشخص شد. از زیرمجموعه‌های صلاحیت نیز در ابتدا صلاحیت‌های اخلاقی و سپس صلاحیت حرفه‌ای تعیین شده است. عوامل ارتباطی نیز به‌عنوان چهارمین اولویت مطرح شد که عوامل فرهنگی، عوامل سازمانی و عوامل فردی به ترتیب اجزای آن را نشان می‌دهند. در انتها نیز حمایت مدیران از حسابرسان داخلی به‌عنوان اولویت پنجم قرار دارد. توجه به اولویت‌های ذکرشده، جایگاه هر عامل را برای افزایش کیفیت حسابرسی داخلی مشخص می‌کند.

لازم به ذکر است که این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. برای نمونه، احتمال عدم آشنایی دقیق افراد با حسابرسی داخلی و نبود انگیزه کافی در برخی از پاسخ‌دهندگان، از این دست عوامل است. همچنین، پیشنهاد می‌شود که در آینده با انجام پژوهش‌هایی در گروه‌های حرفه‌ای و دانشگاهی راه‌های افزایش کیفیت حسابرسی داخلی را با دقت و جزئیات بیشتر مورد پژوهش قرار داد تا بتوان پس از بررسی‌های متعدد، برای افزایش کیفیت حسابرسی داخلی به ارائه یک الگوی متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی پرداخت.

پی‌نوشت

- | | | | |
|---|--------------------------------------|---|-------------------|
| ۱ | Institute of Internal Auditors (IIA) | ۲ | Grey independence |
| ۳ | Accidental or Convenience Sampling | ۴ | Google Forms |
| ۵ | Friedman test | ۶ | Cronbach's Alpha |
| ۷ | Kolmogorov-Smirnov | | |

منابع

- Abdul Kheliq, R. , & Ajin Kia, B. (2010). *Empirical research in accounting: methodological view*. First Edition. Translation of Namazi, Mohammad. Shiraz: Shiraz University. (In Persian) .
- Al-Twajjry, A. , Brierley, J. , & Gwilliam, D. (2004). An examination of the relationship between internal and external audit in the Saudi Arabian corporate sector. *Managerial Auditing Journal*, 19 (7) , 929–944 .
- Alzeban, A. , & Gwilliam, D. (2014). Factors affecting the internal audit effectiveness: A survey of the Saudi public sector. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 23 (2) , 74–86 .
- Audit Organization. (2010). Internal audit performance audit, auditing standard No. 610. *Auditing Standards Committee*. (In Persian) .
- Bagherpourvalshani, M. , Jahanbani, M. , & Zafarzadeh, S. (2012). An empirical model for implementing and implementing risk-based internal audits in Iran. *Accounting and Auditing Studies*, 6 (4) , 1-31. (In Persian) .
- Boskou, G. , Kirkos, E. , & Spathis, C. (2017). Internal audit disclosure regarding to external audit in Greece. *In Advances in Applied Economic Research*, (pp. 691-703). Springer, Cham.
- Dawani, Gh. (2013). We and the internal audit in the 21st century. *Internal Auditors*, 1 (1) , 15-18. (In Persian) .
- Etemadi, H. , Rajabi, R. , & Moghadam, A. (2017). Internal audit professionalism. *Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6 (23) , 169-186. (In Persian) .
- Institute of Internal Audit. (IIA). (2000). *The Standards for the Professional Practice of Internal Auditing*. The Institute of Internal Auditors Research Foundation, Altamonte Spring, FL .
- Internal audit management of tehran stock exchange. (2008). *Internal Audit Schedule*. (In Persian) .
- Jabarzadeh-Kongarlouei, S. , Nejat-e Bakhsh, H. , Soleimani, B. , & Tadayon, Sh. (2011). The importance of internal auditing: A step to increase the reliability

- of independent auditors on the work of internal auditors. *Official Journal Accounting Quarterly*, 16 (28) , 76- 84. (In Persian) .
- Jucan, N. , C. (2011). *Audit and Internal Control*. Lecture Support Master B8, Ed. "Alma Mater", Sibiu .
- Khozian, A. (2005). Interaction management services and internal auditor in organization. *Tadbir Monthly*, 170, 29-26. (In Persian) .
- Kordestani, Gh. , & Alavi, M. (2013). Internal audit role in improving public sector. *Internal Auditors*, 1 (3) , 21-28. (In Persian) .
- Mahmoud Zadeh, A. (2014). Subjects and needs of internal audit. *Internal Auditors*, 1 (1) , 10-14. (In Persian) .
- Modirkia, P. (2013). *Internal Audit Role in Corporate Governance Principles and Current Crises*. Second Annual Internal Audit Congress; Value Creation in Economics; Role in Culture. Tehran, Iranian Internal Auditors Association. (In Persian) .
- Naderineeri, N. , Moinadin, M. , & Mir Mohammadi, M. (2013). *Investigating the relationship between Internal Audit, Audit Committee and Earnings Management in companies accepted in Tehran Stock Exchange*. Second Annual Internal Audit Congress; Value creation in economy; role in culture. Tehran, Iran Internal Auditors Association. (In Persian) .
- Neuendorf, K. A. (2001). A flowchart for the typical process of content analysis research. Retrieved March, 29, 2004 .
- Pourheidari, O. , and Rezaee, O. (2011). Effective factors on the value added of internal audit in companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 4 (14) , 98 -113. (In Persian) .
- Pourmousa, A. (2009). The importance of internal audit from the viewpoint of managers. *Auditors Journal*, 44-45, 102-109. (In Persian) .
- Rahmani, A. , Ghashgaei, F. , & Madahi, A. (2014). Establishment of internal audit unit in Iranian state universities. *Military Management Quarterly*, 57 (15) , 120-148. (In Persian) .
- Roth, J. (2000). Best Practices: Value-added Approaches of Four Innovative Auditing Departments, *The Institute of Internal Auditors Research Foundation*. Altamore Springs, FL .
- Salahi Nejad, M. , & Farsijani, R. (2012) Internal auditor and outsourcing challenges. *Internal Auditors*, 1 (1) , 37- 44. (In Persian) .
- Sasani, A. , and Eskandari, Gh. (2012). Evaluating the efficiency and effectiveness of Internal Audit. *Auditor*, 67, 1-8. (In Persian) .

- Soleimani Amiri, Gh. , & Nikbakht, Z. (2014). The effect of gray independence on changing the role of internal auditors; from observer to patron and protector. *Internal Auditors*, 1 (5-6) , 26-18. (In Persian) .
- Stern, G. M. (1994). 15 ways internal auditing departments are adding value. *Internal auditor*, 51 (2) , 30
- Vahed- Moghadam, H. , & Moeinfar, M. (2013). Examining the components of the successful internal audit unit. *The 2nd Annual Internal Audit Congress, the Value Creation In the Economy, the Role Played in Culture*. Tehran, the Internal Auditors Association of Iran. (In Persian) .

بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر اهرم مالی در شرکتهای

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مجتبی مطلبیان چالش تری؛ زهرا مصطفوی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۰۴

چکیده

هزینه های تأمین مالی شرکت ها از طریق بدهی در تصمیمات سرمایه گذاری نقش تعیین کننده ایفا می کنند. دستیابی به نرخ هزینه مناسب در تعیین ترکیب بهینه ساختار مالی شرکت ها به ویژه در کسب نتایج مطلوب از عملیات به شکل سودآوری از اهمیت خاص برخوردار است. از سوی دیگر، اعتباردهندگان در برآورد ریسک عدم پرداخت، ساختار مالکیت موجود در شرکت ها را مدنظر قرار می دهند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت کیفیت ساختار مالکیت بر اهرم مالی شرکت ها تأثیر دارد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر اهرم مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور اطلاعات مالی ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به روش داده های ترکیبی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد تأثیر نظارت نهادی بر اهرم مالی، معکوس و معنی دار است. همچنین، یافته دیگر پژوهش، حاکی از آن است که تأثیر کنترل نهادی بر اهرم مالی و تأثیر مالکیت مدیریتی بر اهرم مالی، مثبت و معنی دار است.

واژه های کلیدی: سهامداران نهادی، سهامداران نهادی نظارتی، سهامداران نهادی کنترلی، مالکیت

مدیریتی، اهرم مالی.

طبقه بندی موضوعی: G23

DOI: 10.22051/ijar.2019.17575.1343

^۱ دکتری حسابداری، مربی گروه حسابداری دانشگاه پیام نور فارس، ایران، نویسنده مسئول (Mojtaba_508@yahoo.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دبیر هنرستان فنی و حرفه ای فرزانه شهرکرد، ایران، (mostafavi213@yahoo.com)

مقدمه

ایران کشوری در حال توسعه است که در جهت رسیدن به توسعه و پیشرفت، نیازمند سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه در سطح کلان و خرد است. پیشرفت در صنعت هر کشور و رشد تولیدات مستلزم برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است که از طریق آن بتوان به پشتوانه‌های عظیمی در اقتصاد دست یافت. از جمله تغییرات بنیادی در محیط اقتصادی ایران، می‌توان به شفافیت و کیفیت مطلوب اطلاعات مالی که پایه و اساس تصمیم‌گیری‌های بهینه اقتصادی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و به‌طور اعم استفاده‌کنندگان از اطلاعات است، اشاره نمود. برای تأمین سرمایه موردنیاز این برنامه‌ها راه‌های متفاوتی وجود دارد که عمدتاً استفاده از بدهی یا سهام است (بکپین و گادفرد، ۲۰۰۹). طبق نظریه میلر و مودیگلیانی (۱۹۵۸)، شرکت‌ها از منابع مختلف تأمین مالی، ترجیحاً از استقراض یا بدهی استفاده می‌کنند. از طرفی ترکیب سهامداران شرکت‌های مختلف، متفاوت است. در اکثر پژوهش‌ها بیان می‌شود که بخشی از مالکیت در اختیار سهامداران جزء و اشخاص حقیقی قرار دارد و بخش دیگر از سهام در اختیار مدیران و قسمتی در اختیار سهامداران عمده است و پژوهش‌گران دنبال این موضوع هستند که آیا حضور سرمایه‌گذاران نهادی به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر می‌شود؟ علاوه بر این، نظارت نهادی و کنترل نهادی تا چه حد می‌تواند وضع آتی را پیش‌بینی کنند؟ طبق پژوهش هو ولیان (۲۱۰۶)، مالکیت نهادی، ارزشمندی صورت‌های مالی را ترویج داده و اجازه تفسیر آسان به بستانکاران تجاری که خارج از حیطه نظارت سهامداران نهادی است را می‌دهد و این امر می‌تواند بر اهرم مالی اثرگذار باشد. پی بردن به وجود رابطه بین ساختار مالکیت و تأثیر آن بر افزایش و کاهش اهرم مالی، محدود به بازارهای ایران نبوده و سایر کشورها نیز در پی یافتن نوع این رابطه هستند. بنابراین، تشریح ساختار مالکیت، اطلاعات ترازنامه را برای سرمایه‌گذاران شفاف‌تر می‌سازد و آنان را در تفسیر گزارش‌های حسابداری و ارزیابی صحیح وام‌گیرندگان یاری می‌دهد. بر این اساس، هدف این پژوهش، بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر اهرم مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

مبانی نظری

شرکت‌ها از منابع مختلف تأمین مالی، ترجیحاً از بدهی استفاده می‌کنند، زیرا استفاده بیشتر از استقراض، مزیت مالیاتی برای آنها ایجاد می‌کند و ارزش شرکت تابع مستقیم، میزان استقراض

شرکت است. به دلیل کمتر بودن ریسک تأمین مالی از طریق استقراض، بازده مورد انتظار اعتباردهندگان نیز کمتر از بازده مورد انتظار سهامداران است. بنابراین، تأمین مالی از طریق استقراض باید دارای تعادل بوده و در صورتی که این تعادل وجود نداشته باشد، به طور مثال تأمین مالی از طریق استقراض بیشتر از حد مجاز باشد، منجر به افزایش هزینه سرمایه شده که در نهایت سودآوری شرکت را کاهش می‌دهد (سلیم و یاداو، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، ساختار سرمایه در پی رسیدن به حدی از تعادل در تأمین مالی است تا بتواند در آن نقطه ارزش سهام شرکت را به حداکثر رسانیده و در مقابل هزینه‌های تأمین مالی را به حداقل ممکن کاهش دهد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۰). عموماً یکی از راهکارهایی که اعتباردهندگان جهت ارزیابی توان پرداخت اصل و بهره وام به آن توجه می‌کنند، بررسی صورت‌های مالی شرکت‌ها است؛ در این میان صورت سود و زیان و به‌ویژه سود قبل از بهره و مالیات، از اهمیت خاصی برخوردار است (سید نژاد و آقایی، ۱۳۸۱).

تئوری‌های موجود در حوزه ساختار سرمایه نیز دیدگاه‌های متفاوتی در مورد تنوع ساختار مالکیت شرکت و روش‌های تأمین مالی در شرکت‌ها مطرح می‌کند (لیم و همکاران، ۲۰۱۴). به‌طور مثال در تئوری نمایندگی همواره این ابهام وجود دارد که منافع سهامداران با منافع مدیران در یک راستا نباشد. به عبارتی، سهامداران به دنبال کسب حداکثر بازده هستند و از طرف دیگر مدیران نیز به دنبال فرصت‌طلبی و افزایش مزایای خود به جیب سهامداران هستند. بنابراین، حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها شکل گرفته تا ارزش شرکت حفظ شود (حساس یگانه و احمدی، ۱۳۹۲). از دیدگاه نظری، سهام‌داران نهادی جایگاه توانمندی در راهبری شرکتی دارند که می‌توانند بر مدیریت شرکت نظارت مؤثری داشته باشند و بانفوذ در مدیریت شرکت، منافع گروه سهام‌داران را همسو کنند. همچنین، وجود تمرکز در مالکیت شرکت نیز که به کنترل مطلق سهام‌داران عمده بر اداره امور شرکت منجر می‌شود، می‌تواند کاهنده مسائل نمایندگی شود، زیرا سهام‌داران عمده به‌واسطه داشتن اطلاعات کافی، می‌توانند بر عملکرد مدیریت کنترل بهتری داشته باشند (کاشانی پور و یعقوبی، ۱۳۸۵). در مورد رابطه‌ی اهرم مالی (نسبت بدهی‌ها) با هموارسازی سود نیز دو دیدگاه مطرح است؛ اول آنکه مدیران شرکت‌هایی که دست‌خوش افزایش عمده در اهرم مالی هستند، برای رعایت کردن شروط قراردادهای تأمین مالی، نشان دادن وضعیت مطلوب عملکرد شرکت، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت و به تبع آن

کاهش نرخ بهره اعتبارات دریافتی، ممکن است اقدام به هموارسازی سود نمایند و دیگر اینکه شرکت‌هایی که اهرم مالی در آنها افزایش می‌یابد از جانب اعتباردهندگان با یک کنترل شدید مواجه هستند و مدیران در این شرکت‌ها کمتر قادر به هموارسازی سود هستند (مرادی، ۱۳۸۶). شرکتی که هیچ‌گونه بدهی ندارد یک شرکت با ساختار سرمایه مطلوب محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که مدیران مالی نسبت به دریافت بدهی و اثرات آن بسیار حساس و دقیق هستند؛ به همین علت این سؤال مطرح می‌شود که شرکت چه اندازه باید از بدهی استفاده کند و این که آیا معیار مشخصی برای میزان بدهی در ساختار سرمایه شرکت وجود دارد (سینایی، ۱۳۸۶)؟ حال که پژوهش‌گر به دنبال رابطه ساختار مالکیت بر تصمیمات مالی شرکت‌ها است، بنابراین انتظار می‌رود بین وجود ساختار مالکیت با تصمیمات ساختار سرمایه و به تبع آن اهرم مالی ارتباط برقرار شود. پس می‌توان گفت ساختار مالکیت که ترکیبی از اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند بر تصمیمات عملیاتی و استراتژیک یک شرکت تسلط و حکم‌فرمایی دارند (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷) و یکی از اجزاء ساختار مالکیت، سهامداران نهادی بزرگ هستند که دارای توانایی و قدرت لازم جهت جمع‌آوری اطلاعات و نظارت بر مدیریت هستند (شلایفر و ویشنی، ۱۹۹۷). یکی دیگر از عوامل ساختار مالکیت، مالکیت مدیریتی است. مدیران با مالکیت کمتر ترجیح می‌دهند از بدهی‌های بلندمدت استفاده نمایند، به این علت که از نظارت برون‌سازمانی‌ها در امان باشند. بنابراین، بدهی کمتر ریسک کمتر و درجه اهرم مالی کمتر به دنبال دارد (حاجیها و اخلاقی، ۱۳۹۲). از دیدگاه نظری، سهامداران نهادی جایگاه توانمندی در راهبری شرکت دارند که می‌توانند بر مدیریت شرکت نظارت مؤثری داشته باشند و بانفوذ در مدیریت شرکت، منافع گروه سهامداران را همسو کنند. همچنین، وجود تمرکز در مالکیت شرکت نیز که به کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت منجر می‌شود، می‌تواند کاهنده مسائل نمایندگی شود، زیرا سهامداران عمده به واسطه داشتن اطلاعات کافی، می‌توانند بر عملکرد مدیریت کنترل بهتری داشته باشند (کاشانی پور و یعقوبی، ۱۳۸۵). در مورد رابطه‌ی اهرم مالی (نسبت بدهی‌ها) با هموارسازی سود نیز دو دیدگاه مطرح است، یکی اینکه مدیران شرکت‌هایی که دست‌خوش افزایش عمده در اهرم مالی می‌شوند، برای رعایت کردن شروط قراردادهای تأمین مالی، نشان دادن وضعیت مطلوب عملکرد شرکت، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت و به تبع آن کاهش نرخ بهره اعتبارات دریافتی، ممکن است اقدام به هموارسازی سود نمایند و دیگر این که شرکت‌هایی که اهرم مالی در آنها افزایش می‌یابد از جانب اعتباردهندگان با یک کنترل شدید

مواجه هستند و مدیران در این شرکت‌ها کمتر قادر به هموارسازی سود هستند (مرادی، ۱۳۸۶). در ادبیات حاکمیت شرکتی که یک بحث چند حوزه‌ای است، دو نگرش در مورد سرمایه گذاران نهادی وجود دارد؛ فرضیه نظارت کارآمد که بیان می‌کند با سرمایه‌گذاری بیشتر سهامداران نهادی، نظارت کاراتری بر شرکت اعمال می‌شود و بسیاری از مشکلات نمایندگی رفع می‌گردد (ارسلان و همکاران، ۲۰۰۶). فرضیه هم‌گرایی منابع که بیان می‌کند سهامداران نهادی بزرگ اتحاد و پیوستگی استراتژیکی با مدیریت دارند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷). پس می‌توان نتیجه گرفت شرکت‌ها با ساختار مالکیت مناسب می‌توانند از نسبت بدهی به منزله‌ی سلامت مالی شرکت استفاده نمایند. به عبارتی، شرکت‌هایی که دارای توانایی مالی و رشد فروش هستند، هرچه وضعیت مالی شرکت بهتر باشد، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام افزایش می‌یابد. البته تأثیر سلامت مالی بر نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، در مجموع شرکت‌ها نیز تأیید شده است (فنجی و همکاران، ۲۰۱۴).

پیشینه پژوهش

لیوگو (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان "مالکیت داخلی و هزینه بدهی سرمایه: شواهدی از وام‌های بانکی در کشور هلند"، به بررسی رابطه مالکیت و هزینه بدهی سرمایه شرکت‌ها پرداخته است. تئوری نمایندگی پیش‌بینی کرده است که انگیزه برای سهام‌داران خودی به منظور دستیابی به منافع شخصی به هزینه طلبکاران، به صورت منفی به سطح مالکیت حفظ‌شده توسط سهام‌داران خودی مربوط می‌شود. با این حال، توانایی سهام‌داران خودی برای کنترل مؤثر بر منابع شرکت و این چنین فعالیت‌هایی به طور مثبت به سطح مالکیت آن‌ها مربوط می‌شود. در همین رابطه با استفاده از نمونه بزرگ و بین‌المللی از وام‌های بانکی، این مقاله نشان می‌دهد که چگونه این دویرومی متضاد در یک شکل U شکل معکوس، به رابطه بین مالکیت سهام‌داران خودی و هزینه استقراض شرکت مربوط می‌شود.

سان و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر مالکیت سهام مدیریتی و مالکیت نهادی بر ساختار مالکیت" با استفاده از نمونه‌ای جهانی از شرکت‌های بریتانیا در بازه زمانی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ به بررسی ارتباط بین مالکیت نهادی و اهرم مالی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی - همبستگی، حاکی از آن

بود که رابطه‌ای غیریکنواخت بین مالکیت سهام مدیریتی و اهرم مالی شرکت وجود دارد و به دلیل قوی‌تر شدن ساختار کنترلی و حاکمیت شرکتی، ضریب متغیر اهرم مالی مثبت و معنی‌دار است.

نلسون و وارو (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر کیفیت حاکمیت شرکتی" با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۲۴۳ شرکت - سال مشاهده از مجموع شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس سهام کنیا در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۰، به بررسی ارتباط بین متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، سودآوری، فرصت‌های سرمایه‌گذاری با کیفیت حاکمیت شرکتی پرداختند. برای آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی چندگانه، ضریب تعیین و الگوی رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. این نتایج حاکی از آن بود که بین کیفیت حاکمیت شرکتی با سودآوری، اندازه شرکت و اهرم مالی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد، اما بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت با کیفیت حاکمیت شرکتی، رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید.

مرادی (۱۳۹۳)، در پژوهشی به "بررسی تأثیر مالکیت و استقلال هیئت‌مدیره بر هزینه‌های تأمین مالی از طریق بدهی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران" پرداخت. دوره زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۱ است. نتایج نشان می‌دهد استقلال هیئت‌مدیره تأثیر منفی و معنی‌داری بر هزینه‌های تأمین مالی از طریق بدهی داشته، اما تمرکز مالکیت تأثیر منفی و معنی‌داری بر هزینه‌های تأمین مالی از طریق بدهی ندارد.

ایزدی نیا و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین اهرم مالی و مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران" بیان می‌کند که در ادبیات حسابداری، پژوهش‌های متعددی پیرامون مدیریت سود و اهرم مالی انجام شده است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین اهرم مالی و معیارهای مدیریت سود واقعی، رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد.

نوروش و یزدانی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، رابطه اهرم و تصمیمات سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. دوره پژوهش سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که رابطه منفی و معنی‌دار بین

اهرم و سرمایه‌گذاری برقرار است. همچنین، نتایج نشان می‌دهند که ارتباط اهرم و سرمایه‌گذاری برای شرکت‌هایی با فرصت رشد کمتر، قوی‌تر از شرکت‌هایی با فرصت رشد بیشتر است.

با توجه به این که در ایران پژوهش‌هایی به رابطه ساختار مالکیت با اهرم مالی همانند پژوهش مرادی (۱۳۹۳) اشاره نموده و نتایج متفاوتی به دست آمده است. بنابراین، پژوهش حاضر، اثر ساختار مالکیت بر اهرم مالی را مورد آزمون و بررسی دقیق‌تر قرار داده است. بنابراین، با در نظر گرفتن موارد مذکور، این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده قبلی متمایز خواهد بود. به‌طور کلی با تشریح مبانی نظری گفته شده و با بررسی پژوهش‌های خارجی و داخلی انجام شده به‌ویژه پژوهش پرساکیز (۲۰۱۵)، پژوهش پیش‌رو به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا ساختار مالکیت بر اهرم مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثرگذار است؟

بر این اساس سه فرضیه به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: نظارت نهادی بر اهرم مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارد.

فرضیه دوم: کنترل نهادی بر اهرم مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد.

فرضیه سوم: مالکیت مدیریتی بر اهرم مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است، زیرا نتایج آن توسط گروه‌های محقق مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این پژوهش از نظر ماهیت روش از نوع توصیفی همبستگی است، زیرا از یک طرف وضع موجود را توصیف می‌کند و از طرف دیگر با استفاده از تحلیل رگرسیون همبستگی بین متغیرها را کشف می‌کند. از نظر نحوه استدلال استقرایی است، زیرا از مشاهدات جزئی سعی دارد نتایج کلی استخراج کند. از نظر بعد زمانی پس رویدادی است، زیرا متغیرهای پژوهش بدون دخالت مستقیم یا غیرمستقیم در گذشته اتفاق افتاده، همچنین از نظر ماهیت داده‌ها

کمی است. از نظر روش جمع آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسناد کاوی است و از نظر روش تحلیل داده‌ها در طبقه روش‌های آماری است.

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش اهرم مالی به‌عنوان متغیر وابسته، مالکیت نهادی (نظارتی و کنترلی) و مالکیت مدیریتی به‌عنوان متغیرهای مستقل و اندازه وام، دارایی کل، دارایی‌های مشهود، نرخ بازده دارایی‌ها، اهرم مالی، نوسان وجه نقد و شاخص ورشکستگی آلتمن، به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شد.

متغیر (های) وابسته

بر اساس پژوهش‌های پرساکیز (۲۰۱۵) و سان و همکاران (۲۰۱۶)، برای اندازه‌گیری اهرم مالی از رابطه (۱) استفاده شده است.

$$\text{رابطه (۱)} = \frac{\text{ارزش دفتری بدهی‌ها}}{\text{ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان دوره}} \text{ اهرم مالی}$$

متغیر (های) مستقل

متغیرهای مستقل این پژوهش ساختار مالکیت است که شامل مالکیت نهادی (نظارتی و کنترلی) و مالکیت مدیریتی است.

سهامداران نهادی (IO): بر اساس بند ۲۷ ماده‌ی یک قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، سرمایه‌گذاران نهادی شامل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی، اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ناشر یا مالک سهام شرکت، است.

سهامداران نهادی نظارتی (Institutional controlling): مجموع درصد سهامداران نهادی که به شکل فعال در شرکت حضور دارند.

سهامداران نهادی کنترلی (Institutional monitoring): باید دو شرط زیر را توأمان همراه داشته باشند:

(Top5): جمع پنج درصد سهام دار نهادی بزرگ.

(Block): مجموع سهام دارانی که بیش از پنج درصد سهام منتشره شرکت سرمایه پذیر را دارند (هو و لیان، ۲۰۱۶).

مالکیت مدیریتی (MO): درصد سهام متعلق به مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره.

متغیر (های) کنترلی

کل دارایی‌ها (Total Assets): برابر است با لگاریتم ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

دارایی‌های مشهود (Tang): برابر است با جمع دارایی ثابت تقسیم بر کل دارایی‌ها.

نرخ بازده دارایی‌ها (ROA): سود خالص عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها.

شاخص ورشکستگی آلتمن (Z-SCORE): در پژوهش‌های ایرانی مانند پژوهش کردستانی و همکاران (۱۳۹۳)، از Z آلتمن به عنوان ورشکستگی استفاده شده است.

$$Z=1.2x1 + 1.46x2 + 2.2x3 + 999x4$$

X1=نسبت خالص سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها

X2=نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها

X3=نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها

X4=نسبت فروش به کل دارایی‌ها می‌باشد.

توان پیش‌بینی مدل آلتمن ۹۵ درصد است. هرچه شاخص Z حاصل شده برای شرکت کمتر باشد، وضعیت مالی نامطلوب در آن شرکت بیشتر است، به نحوی که اگر مقدار به دست آمده کمتر از ۱.۸ باشد شرکت ورشکسته است. بنابراین، به شرکتی که ورشکسته باشد عدد یک، در غیر این صورت صفر تخصیص می‌یابد.

نوسان وجه نقد (Cash Flow Vol): انحراف معیار جریان‌ات نقدی به کل دارایی‌ها در پنج سال گذشته است.

مدل و روش‌های آماری مورد استفاده

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده خواهد شد. در سطح آمار توصیفی از ویژگی‌هایی نظیر میانگین، میانه و انحراف معیار به توصیف نمونه آماری و در سطح آمار استنباطی از مدل‌های رگرسیونی به روش داده‌های ترکیبی برگرفته از مدل پرساکیز (۲۰۱۵) استفاده خواهد شد.

مدل (۱)

$$\text{LEV } I_{j,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{ Institutional monitoring } j, t-1 + \beta_2 \text{ Institutional Controlling } j, t-1 + \beta_3 \text{ MO} + \beta_4 \text{ T A} + \beta_5 \text{Z-SCORE} + \beta_6 \text{ TANG} + \beta_7 \text{ R0A} + \beta_8 \text{ CASH -VOL} + \epsilon I_{j,t}$$

نحوه محاسبه متغیرهای مورد استفاده در مدل در قسمت‌های قبلی توضیح داده شده است.

جامعه آماری و انتخاب نمونه

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های فعال پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دلیل این انتخاب توان دسترسی به اطلاعات مالی این شرکت‌ها و همگن‌تر بودن آن‌ها به خاطر وجود مقررات و استانداردهای سازمان بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ است. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و دشواری‌های خاص حاصل از آن، همچنین وجود برخی ناهمگنی‌ها میان اجزاء جامعه در ارتباط با داده‌های مورد نیاز پژوهش، از روش حذف هدفمند استفاده خواهد شد. بدین منظور، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ خواهد شد و آن دسته از شرکت‌هایی که این ضوابط را نداشته‌اند از نمونه آماری حذف خواهند شد. شرایط مذکور به شرح زیر است:

۱. قبل از سال ۱۳۹۰ وارد بورس شده باشد.
۲. به منظور افزایش توان همسنگی و همسان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
۳. به دلیل این که ماهیت و عملیات شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بیمه و...) با سایر شرکت‌ها متفاوت است، این شرکت‌ها از نمونه حذف شدند.
۴. در طول دوره مورد بررسی، هیچ‌گونه توقف فعالیت و تغییر سال مالی نداشته باشند.

۵. صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی به‌منظور دسترسی به داده‌های مربوط به‌طور کامل در دسترس باشد.

در این پژوهش بعد از مدنظر قرار دادن کلیه معیارهای بالا، تعداد ۱۱۸ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به‌عنوان جامعه غربال‌گری شده، باقی‌مانده است که تمامی آنها به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری مبنای نظری موضوع از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. بدین‌منظور اطلاعات مربوط به کتاب‌شناسی پژوهش با استفاده از کتاب‌ها و مقالات موجود در کتابخانه دانشگاه‌ها جمع‌آوری گردید. ابزار جمع‌آوری این منابع تهیه فیش‌های موردنظر است. در این پژوهش به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش از روش اسناد کاوی استفاده شده است. در این راستا برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. اطلاعات منتشرشده در وب‌سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران و وب‌سایت کدال، بسته‌های نرم‌افزاری موجود مانند ره‌آورد نوین و دیگر منابع اینترنتی مرتبط از ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز نرم‌افزار صفحه‌گسترده Excel است.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است این داده‌ها توصیف شود. برخی از مفاهیم آمار توصیفی این متغیرها شامل کمترین، بیشترین، تعداد، میانگین و انحراف معیار این متغیرها طی دوره پژوهش و قبل از همگن‌سازی داده‌ها در نگاره (۱) بیان شده است.

همان‌طور که نگاره (۱) نشان می‌دهد، تعداد مشاهدات در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ برای هر متغیر شامل داده‌های مربوط به ۱۱۸ شرکت در طول ۵ سال است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای اهرم مالی برابر با $0/۷۲$ حاکی از آن است که بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به‌عبارتی، میزان بدهی شرکت‌های مورد

بررسی نسبت به دارایی هایشان، به طور میانگین برابر با ۷۲ درصد است. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است.

نگاره (۱): آمار توصیفی تمامی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
اهرم مالی	LEV	۵۸۱	۰/۷۲۱۳۲۹	۰/۳۳۹۶۸۴	۰/۶۸۵۶۲۱	۲/۸۰۷۳۸۳
دارایی‌های مشهود	TANG	۵۸۱	۰/۲۱۹۲۵۲	۰/۱۸۴۵۵۷	۰/۱۶۹۰۷۲	۰/۸۵۷۳۲۱
کل دارایی‌ها	Total	۵۸۱	۳۴۰۷۶۹۱	۱۱۱۶۲۰۱۹	۸۵۵۷۲۸	۱/۰۳E+۰۸
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA	۵۸۱	۰/۰۶۴۲۸۰	۰/۱۵۷۴۸۵۷	۰/۶۰۴۳۰۴	۰/۶۲۰۳۸۳
Z ورشکستگی آلتمن	Z	۵۸۱	۳/۳۲۱۸۷	۲/۰۳۲۱۸	۲/۰۱۵۴۸	۲/۰۸۹۵۳
نوسان وجه نقد	VOL	۵۸۱	۳۹/۴۰۷۰۷	۷/۱۴۳۴۷۲	۵۴۳۷/۰۵۹	۰/۱۶۳۹۳۵۶
نظارت نهادی	Institutional monitoring	۵۸۱	۰/۶۴۸۲۴۲	۰/۳۰۲۷۷۷	۰/۷۴۱۲۰۰	۱
کنترل نهادی	Institutional controlling	۵۸۱	۰/۶۱۴۷۰۷۷	۰/۲۹۱۸۰۲۴	۰/۷۰۷۵	۰/۹۹۴۵
مالکیت مدیریتی	MO	۵۸۱	۰/۱۱۰۰۸۰۸۳	۰/۲۴۵۰۶۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۷۰۹

از مهمترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر دارایی‌های مشهود برابر با ۰/۱۸ و برای متغیر نوسان جریان نقد برابر با ۱۴۳۴۷۲/۷ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش، این دو متغیر به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میزان پراکندگی هستند. نوع داده‌های پژوهش حاضر، داده‌های ترکیبی است. در این نوع داده‌ها به منظور انتخاب روش داده‌های تابلویی و تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده شده است. سطح معنی‌داری آزمون F لیمر برابر (۰/۰۰۰) است که کمتر از ۵ درصد و بیان‌گر پذیرش داده‌های تابلویی است. در صورت انتخاب داده‌های تابلویی با اثرات از آزمون هاسمن استفاده می‌شود تا مشخص شود اثرات تصادفی یا ثابت است. در این پژوهش مقدار سطح معنی‌داری آزمون هاسمن برای مدل برابر ۰/۰۰۰ است و کمتر از ۵ درصد می‌باشد که بیان‌گر ثابت بودن اثرات عرض از مبدأ است. برای آزمون مفروضات رگرسیون، جهت بررسی ناهمسانی واریانس

پسماندها، از آزمون والد تعدیل شده استفاده شده است. نتایج حاصل نشان داد که سطح معنی داری آزمون والد تعدیل شده در مدل پژوهش (۰/۰۰۰) کمتر از ۵ درصد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص است که این مشکل در تخمین نهایی مدل رفع گردید. جهت آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون والد ریج استفاده شده است. سطح معنی داری آزمون والد ریج برای مدل برابر ۰/۳۲ است و نشان دهنده احتمال بالاتر از ۰/۰۵ و بیانگر عدم وجود خودهمبستگی سریالی بین جملات اخلاص می باشد. جهت نرمال بودن متغیرها از آزمون جاریکو بر استفاده شده و برای بررسی هم خطی متغیرهای مستقل پژوهش از آزمون عامل تورم واریانس و برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون پسران و لوین، لین و چو استفاده شد. تحلیل و آزمون فرضیه های مربوط به مدل (۱) در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نگاره (۲): تخمین نهایی مدل (۱)

تعداد مشاهدات		ضریب تعیین		۵۴۷	
تعداد مقاطع		آماره والد		۱۱۸	
تعداد دوره		معنی داری کل مدل (F)		۵	
متغیرها	نمادها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معنی داری
عرض از مبدأ	α	۰/۹۳۵۹۷۹۳	۰/۱۱۹۱۲۶۳	۷/۸۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Total	۰/۴۵۱۶۹۲	۰/۰۳۹۷۸۳۴	۱/۱۴	۰/۲۵۷
دارایی های مشهود	Tang	۰/۳۰۲۸۹۰۳	۰/۰۷۱۴۳۶	۴/۲۴	۰/۰۰۰
نرخ بازده دارایی ها	Roa	۰/۰۰۳۹۷۲۹	۰/۰۰۱۳۵۹۷	۲/۹۲	۰/۰۰۳
ورشکستگی آلتمن	Z	۰/۲۸۰۳۷۲۳	۰/۱۰۲۸۰۵۳	۲/۷۳	۰/۰۰۷
نوسان وجه نقد	Vol	۹/۷۳e-۰۸	۸/۰۷e-۰۸	۱/۲۱	۰/۲۲۸
کنترل نهادی	Ic	۰/۹۳۵۹۷۹۳	۰/۱۱۹۱۲۶۸	۷/۸۶	۰/۰۰۰
نظارت نهادی	Im	-۰/۰۰۴۳۷۲۱	۰/۰۰۰۶۱۴۴	-۷/۱۲	۰/۰۰۰
مالکیت مدیریتی	mo	۰/۰۰۳۷۸۵۷	۰/۰۰۱۲۱۵	۳/۱۲	۰/۰۰۲

منبع: یافته های پژوهش

آماره R2 مدل برابر ۶۷ درصد است و نشان می دهد که متغیرهای مستقل پژوهش ۶۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند. همچنین، ضریب آماره والد برابر ۵۶۴ است و احتمال

معنی داری آن کمتر از ۰/۰۵ و برابر ۰/۰۰۰ است که نشان‌دهنده معنی داری کل مدل است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در نگاره، ضریب مربوط به متغیر مستقل نظارت نهادی برابر با (۰/۰۰۴-) و در خصوص سطح معنی داری این ضریب برابر با ۰/۰۰۰ و از ۵ درصد کوچک‌تر است. بنابراین، در سطح خطای ۵ درصد معنی دار است. بنابراین، فرض اول پژوهش رد نمی‌شود؛ به عبارتی، با کاهش نظارت نهادی، اهرم مالی نیز کاهش می‌یابد. ضریب مربوط به متغیر مستقل کنترل نهادی برابر با ۰/۰۹۳ و سطح معنی داری این ضریب برابر با ۰/۰۰۰ است. بنابراین، فرض دوم پژوهش رد نمی‌شود. در نتیجه این متغیر نسبت عکس با نظارت نهادی دارد؛ به عبارتی، با افزایش آن اهرم مالی افزایش می‌یابد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در نگاره، ضریب مربوط به متغیر مستقل مالکیت مدیریتی برابر با ۰/۰۰۳ و سطح معنی داری این ضریب برابر با ۰/۰۰۲ نشان می‌دهد، فرض سوم پژوهش رد نمی‌شود. به عبارتی، با کاهش مالکیت مدیریتی اهرم مالی نیز افزایش می‌یابد. از طرفی نتایج آزمون‌های آماری مدل پژوهش نشان داد که بین کل دارایی‌ها، نرخ بازده دارایی، شاخص ورشکستگی آلتمن، نوسان وجه نقد و دارایی‌های مشهود، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج آماری حاصل از فرضیه اول، سهام‌داران نهادی دارای ظرفیت بالایی برای نظارت بر استراتژی‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها هستند و می‌توانند منافع زیادی را برای شرکت‌ها در پی داشته باشند و به‌طور مؤثر بر کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای و نمایندگی شرکت و در نتیجه اهرم مالی اثر بگذارند. با توجه به پژوهش نوروش و یزدانی (۱۳۸۹) که به بررسی تأثیر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری پرداخت. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد این ارتباط برای شرکت‌هایی با فرصت رشد کمتر، قوی‌تر از شرکت‌هایی با فرصت رشد بیشتر است. بنابراین، یافته‌های این پژوهش با فرضیه چهارم مطابقت دارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های لو و همکاران (۲۰۱۶)، باگات و همکاران (۲۰۱۵)، درویشی (۱۳۹۳) و ایزدی نیا و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت دارد.

بنا به فرضیه دوم پژوهش افزایش مجموع درصد سهام‌داران نهادی که به شکل فعال در شرکت حضور دارند، باعث کاهش نظارت سهام‌داران و افزایش هزینه‌های نمایندگی و تأمین مالی بهینه

و در نتیجه افزایش هزینه‌های اضافی و بدهی و در نتیجه افزایش اهرم مالی شرکت می‌شود. با توجه به پژوهش نلسون و وارو (۲۰۱۴) که به بررسی ارتباط بین متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، سودآوری، فرصت‌های سرمایه‌گذاری با کیفیت حاکمیت شرکتی پرداخت، نتایج این پژوهش با رابطه کنترل نهادی و اهرم مالی، فرضیه پنجم، مطابقت دارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های لو و همکاران (۲۰۱۶)، حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۷) و نمازی و همکاران (۱۳۸۷) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج آماری حاصل از فرضیه سوم، مالکیت مدیریتی بر عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذار است، زیرا میزان سهامی که در اختیار مدیران شرکت است می‌تواند انگیزه‌ای برای پرورش توانایی و اتخاذ تصمیمات مالی مختلف بر اساس منافع شخصی آن‌ها و یا بر اساس منفعت سهام‌داران باشد. بنابراین، قوی‌تر شدن ساختار کنترلی و حاکمیت شرکتی، منجر به بالا رفتن نسبت بدهی می‌گردد. با توجه به پژوهش سان و همکاران (۲۰۱۶) که به بررسی تأثیر مالکیت سهام مدیریتی و مالکیت نهادی بر ساختار مالکیت پرداخت، رابطه‌ای غیریکساخت بین مالکیت سهام مدیریتی و اهرم مالی وجود دارد و این یافته با نتایج فرضیه ششم مطابقت دارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های چاوشی و همکاران (۱۳۹۴) و ابراهیم پور و همکاران (۱۳۹۵) سازگار است.

به مدیران مالی توصیه می‌شود جهت کاهش هزینه‌های اهرم مالی، سیاست‌های مبتنی بر جذب و افزایش سرمایه‌گذاران نهادی که باعث افزایش نظارت و در نتیجه کاهش هزینه‌های اضافی شرکت و اهرم مالی شرکت می‌شود را پیش بگیرند. همچنین، با افزایش کنترل نهادی و نوعی انحصار بیش از حد مالکیت نهادی و افزایش توان دریافت تسهیلات و بدهی‌های شرکت، نوعی پشتوانه مالی در جهت افزایش اهرم مالی شرکت ایجاد شود. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که داده‌های پژوهش از بابت تورم تعدیل نشده است. از اینرو باید در تعمیم نتایج احتیاط نمود. در آخر پیشنهاد می‌شود تأثیر سرعت تعدیل اهرم مالی بر هزینه‌های تأمین مالی به عنوان یک پژوهش در آینده انجام شود.

منابع

- Arslan, Ö. , Florackis, C. , & Ozkan, A. (2006). The role of cash holdings in reducing investment–cash flow sensitivity: Evidence from a financial crisis period in an emerging market. *Emerging Markets Review*, 7 (4) , 320-338 .
- Bhojraj, S. , & Sengupta, P. (2003). Effect of corporate governance on bond ratings and yields: The role of institutional investors and outside directors. *The journal of Business*, 76 (3) , 455-475 .
- Bokpin, G. A. (2009). Macroeconomic development and capital structure decisions of firms. *Studies in economics and finance* .
- Chavoshi, K. , Rastegar, M. , & Mirza'i, M. (2015). Investigating the Relation Between Managers' Confidence and Selection of Financing Policies in Tehran Securities Accepted Companies. *Quarterly Journal of Financial Knowledge Analysis of Securities*, 8 (25) , 29. (In Persian .(
- Ebrahimpour, M. , Baba Nezhad, H. , & Taleb Tabar Ahangar, M. (2016). Investigating the relationship between liquidity and financial leverage on profitability of accepted companies in Tehran Stock Exchange (automobile industry and manufacturing of components, chemical and pharmaceutical). *Journal of Management and Accounting Researches*, 6 (26) , 101. (In Persian .(
- Hajiha, Z. , & Hossein Ali, A. (2013). Reviewing the Board of Directors' Features on Company Debt Settlement Structure. *Journal of Management Accounting*, 6 (18) , 39-56. (In Persian .(
- Hassas Yegane, Y. , & Ahmadi, M. (2013). The Relationship between Corporate Governance and Conservatism. *Journal of Empirical Accounting in Financial Accounting*, 38. (In Persian .(
- Hassas Yegane, Y. , Moradi, M. , & Alexander, H. (2008). Investigating the Relationship between Institutional Investors and Corporate Value. *Accounting and Audit Journal*. (15) , 52. (In Persian .(
- Hu, H. , & Lian, Y. (2016). Institutional investors and the cost of bank loans. *Managerial Finance* .
- Izadinia, N. , Rabiei, H. , & Hamidian, N. (2013). Investigating the Relationship between Financial Leverage and Real Profit Management of Accepted Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Progress of Shiraz University*, 1 (5) , 33-45. (In Persian .(
- Kashanipour, M. , & Yaghoubi, M. (2006). Occupational safety and profit management. *Humanities and Social Sciences Research*, (21) , 104-83. (In Persian .(
- Lim, M. , How, J. , & Verhoeven, P. (2014). Corporate ownership, corporate governance reform and timeliness of earnings: Malaysian evidence. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 10 (1) , 32-45 .

- Lin, F. , Wu, C. M. , Fang, T. Y. , & Wun, J. C. (2014). The relations among accounting conservatism, institutional investors and earnings manipulation. *Economic Modelling*, 37, 164-174 .
- Lo, H. C. , Ting, I. W. K. , Kweh, Q. L. , & Yang, M. J. (2016). Nonlinear association between ownership concentration and leverage: The role of family control. *International Review of Financial Analysis*, 46, 113-123 .
- Modigliani, F. , & Miller, M. H. (1958). The cost of capital, corporation finance and the theory of investment. *The American economic review*, 48 (3) , 261-297 .
- Moradi, M. (2007). Investigating the relationship between financial leverage and profit smoothing in companies admitted to Tehran Stock Exchange. *Financial Research Magazine*, (24) , 99-114. (In Persian .)
- Moradi, M. (2014). Investigating the Impact of Board of Directors' Ownership and Independence on Debt Financing Costs in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. Master's thesis management (financial orientation). Islamic Azad University of Bonab Branch. (In Persian .)
- Moradi, M. (2014). Investigating the Impact of Board of Directors' Ownership and Independence on Debt Financing Costs in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. Master's thesis management (financial orientation). Islamic Azad University of Bonab Branch. (In Persian .)
- Namazi, M. , & Kermani, E. (2008). The Effect of Ownership Structure on the Performance of Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Quarterly journal of accounting and auditing*, 15, 83-100. (In Persian .)
- Nouravesh, I. , & Yazdani, Sima. (2010). Investigating the effect of financial leverage on investment in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 2 (2) , 35-48. (In Persian .)
- Persakis, A. , & Iatridis, G. E. (2015). Cost of capital, audit and earnings quality under financial crisis: A global empirical investigation. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 38, 3-24 .
- Salim, M. , & Yadav, R. (2012). Capital structure and firm performance: Evidence from Malaysian listed companies. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 65, 156-166 .
- Shleifer, A. , & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The journal of finance*, 52 (2) , 737-783 .
- Sinai, H. A. (2007). Investigating the Effect of Internal Factors of Companies on How to Formulate Capital Structure of Securities Stock Companies. *Accounting and Audit Magazine*, (63) , 48-84. (In Persian .)

Sun, J. , Ding, L. , Guo, J. M. , & Li, Y. (2016). Ownership, capital structure and financing decision: Evidence from the UK. *The British Accounting Review*, 48 (4) , 448-463 .

Waweru, N. (2014). Determinants of quality corporate governance in Sub-Saharan Africa. *Managerial Auditing Journal* .

ارتباط مسئولیت اجتماعی و پاداش هیأت مدیره

ساره پهلوان؛ رویا دارابی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۰۵

چکیده

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیر زیادی بر جنبه‌های مختلف حسابداری و مالی دارد. از زمان اولین مطالعه در این حوزه که بوون (۱۹۵۳) انجام داد، اهمیت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تأثیر آن بر جامعه، از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است که منجر به بروز دیدگاه‌های متفاوتی درباره مسئولیت و در نهایت منجر به توسعه چارچوب گزارشگری و مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها شده است. هدف این پژوهش مطالعه بررسی ارتباط مسئولیت‌پذیری اجتماعی با پاداش هیأت مدیره در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش از صورت‌های مالی ۱۰۰ شرکت در دوره‌ی زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۱ گردآوری شده است. در این پژوهش برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی از معیارهای مشارکت اجتماعی، روابط کارکنان، محیط‌زیست، ویژگی‌های محصولات و برای پاداش از معیار پاداش نقدی هیأت مدیره استفاده شده است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که بین معیارهای مسئولیت اجتماعی شرکت و پاداش هیأت مدیره ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: پاداش هیأت مدیره، مسئولیت اجتماعی، روابط کارکنان.

طبقه‌بندی موضوعی: M14، J33، G34، G30

DOI: 10.22051/ijar.2019.21519.1421

^۱ دانشجوی دکتری گروه آموزشی حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
(sara.pahlavan31@gmail.com)

^۲ دانشیار گروه آموزشی حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول.
(royadarabi110@yahoo.com)

مقدمه

ادیات پیشین نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی شرکتی تأثیر زیادی بر جنبه‌های مختلف حسابداری و مالی دارد. این مطالعات نشان می‌دهد فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی منجر به بهبود عملکرد مالی و عملیاتی (هیلمان و که‌یم، ۲۰۰۱؛ جایو، ۲۰۱۰؛ کارپوف و همکاران، ۲۰۰۵؛ مک‌گویار و همکاران، ۱۹۸۸؛ وادوک و گریوز، ۱۹۹۷)، کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام (ال‌گنول و همکاران، ۲۰۱۱؛ شرفمن و فرناندو، ۲۰۰۸) و کاهش رفتار مدیریت سودهای شرکت (کیم و همکاران، ۲۰۱۲) می‌شود. در این راستا برخی از پیشنهادها در راستای استانداردهای گزارشگری و خدمات اطمینان‌بخش زیست‌محیطی ارائه شده است (بیتس و سوتر، ۱۹۹۹). با این حال یافته‌های برخی از تحقیقات مبنی بر عدم تأثیر معنی‌دار مسئولیت اجتماعی (نلینگ و وب، ۲۰۰۹) یا تأثیر منفی بر عملکرد مالی (برامر و همکاران، ۲۰۰۶) است. با توجه به این که عملکرد مرتبط با مسئولیت اجتماعی جزء اهداف اصلی فعالیت انتفاعی نیست، شواهد حاصل از مطالعات پیشین در پی پاسخ به این پرسش هستند که چرا مدیران ارشد تمایل به مشارکت در مسئولیت اجتماعی هستند؟ طبق نظریه نمایندگی مطرح شده توسط جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) مدیران عمدتاً به دنبال منافع شخصی خود تا ارزش آفرینی برای سهامداران، هستند. برای نمونه مدیران اجرایی شرکت‌ها تمایل به مشارکت در مسئولیت اجتماعی دارند تا رفتارهای فرصت‌طلبانه خود را پنهان کنند (هرمینگوی و مک‌لاقان، ۲۰۰۴) یا منافع خود مانند حفظ موقعیت شغلی (اعتبار کسب شده) را افزایش دهند (بارنه‌آ و رویین، ۲۰۱۰؛ میلیورن، ۲۰۰۳). استدلال بر این است که مدیران اجرایی سعی بر این دارند که مسئولیت اجتماعی شرکت را به عنوان راهبرد تجاری در راستای بهبود عملکرد شرکت و همسویی منافع خود با سهامداران در نظر بگیرند (کریم و همکاران، ۲۰۱۸). این استدلال توسط دننگ و همکاران (۲۰۱۳) پشتیبانی و بیان می‌شود که بهبود روابط با ذی‌نفعان شرکت منجر به افزایش رغبت سهامداران در راستای حمایت از عملیات شرکت و افزایش ارزش شرکت می‌شود. طبق این استدلال مشارکت مدیران اجرایی در مسئولیت اجتماعی منجر به کاهش مسائل و مشکلات نمایندگی موجود بین مدیران و سهامداران می‌شود. بنابراین، پیامدهای مربوط به فعالیت مدیران در راستای مسئولیت اجتماعی مانند تغییر در اعتبار کسب شده و یا افزایش ارزش شرکت از طریق اطلاعات مالی، به وضوح قابل مشاهده نیست. معیاری که انگیزه مدیران اجرایی را در راستای فعالیت در حوزه مسئولیت

اجتماعی نشان می‌دهد، پاداش مدیریت است. برای نمونه اگر مدیران مشارکت مسئولیت اجتماعی را برای منافع خود در نظر بگیرند، بهبود عملکرد اجتماعی شرکت منجر به افزایش پاداش مدیران ارشد خواهد شد. به عبارتی، بین مسئولیت اجتماعی و پاداش مدیران ارتباطی مستقیم برقرار خواهد شد (بارنئا و روبین، ۲۰۱۰؛ بورگسی و همکاران، ۲۰۱۴؛ براون و همکاران، ۲۰۰۶؛ همینگوی و مک‌لاقان، ۲۰۰۴؛ کروگر، ۲۰۱۵؛ ماسولیس و رضا، ۲۰۱۵؛ میلیورن، ۲۰۰۳).

رغبت و تمایل شرکت‌ها به تعهد نسبت به مسئولیت اجتماعی در کلیه جنبه‌ها، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد و بازدهی دارد. به عبارت بهتر گرایش به سوی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را تشویق می‌کند تا برای بهبود محیط زیست، استفاده از انرژی و مواد کمتر، مدیریت ضایعات و... تلاش کنند (ساندهو و کاپور، ۲۰۱۰). در نتیجه شرکت‌ها می‌توانند بازده‌های بلندمدت خود را از طریق کاهش اثرات منفی خود بر اجتماع به صورت اختیاری، حداکثر نمایند.

امروزه این تفکر در میان واحدهای تجاری به صورت روزافزون در حال شکل‌گیری است که موفقیت بلندمدت آنها از طریق مدیریت بهینه‌ی عملیات شرکت، هم‌زمان با ایجاد اطمینان از حمایت محیطی و پیشرفت مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها تحقق می‌یابد (سامی و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، اجرای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها منتهی به بهبود موفقیت شرکت‌ها در بلندمدت می‌شود و در نهایت منتهی به رشد اقتصادی، افزایش توان رقابتی شرکت‌ها، بهبود عملکرد، ارزش‌آفرینی و ثروت‌آفرینی برای سهام‌داران و افزایش پاداش مدیریت شرکت می‌شود (جیان و لی، ۲۰۱۵). بنابراین، انتظار بر این است که بین مسئولیت اجتماعی و پاداش هیأت مدیره ارتباطی مستقیم برقرار شود.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی به مباحث اخلاقی درباره رفتار و تصمیم‌گیری شرکت درباره موضوعاتی مانند مدیریت منابع انسانی، حمایت محیطی، سلامتی کار، روابط اجتماعی و روابط با عرضه‌کنندگان و مشتریان می‌پردازد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رضایت سهام‌داران را بهبود بخشیده و بر روی شهرت و اعتبار شرکت نیز تأثیر مثبتی دارد (احمدپور و فرمانبردار، ۱۳۹۲). سیکا (۲۰۱۱) بیان می‌کند که ممکن است عده‌ای نمای خوب گزارش مسئولیت اجتماعی را

به‌عنوان شاهدی بر پاسخ‌گویی شرکت‌ها به فشارهای عمومی به حساب آورند، اما بسیاری از این پاسخ‌گویی‌ها در مرحله اول، به توانایی ایجاد سود مرتبط است. این بحث نیز وجود دارد که حجم زیادی از گزارش مسئولیت اجتماعی در خدمت خود شرکت بوده است. افشای شاخص‌های مسئولیت اجتماعی توسط شرکت‌ها که میزان توجه شرکت‌ها را به عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی نشان می‌دهد، منتهی به بهبود کیفیت اطلاعات شده و ممکن است تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. سوالی که این‌جا مطرح می‌شود این است که آیا افشای شاخص‌های مسئولیت اجتماعی می‌تواند بر میزان پاداش مدیران ارشد موثر باشد؟ بنابراین هدف از این پژوهش بررسی ارتباط مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پاداش هیأت مدیره است.

مبانی نظری پژوهش

رویه‌ی معمول و متعارف در شرکت‌ها این است که در ازای فعالیت و عملکرد مدیران در راستای ارتقاء، سودآوری و ارزش‌آفرینی تحت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بایستی پاداش به مدیران پرداخت شود. حاکمیت شرکتی و پیروان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مانند گزارش ابداعات و ابتکارهای جهانی، پیشنهاد کرده‌اند که پاداش مدیران ارشد بایستی در مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها افشا شود (جیان و لی، ۲۰۱۵). برای نمونه گزارش مرکز تحقیقات سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که به‌طور متوسط نصف شرکت‌های سرمایه‌گذاری اقدام به افشای پاداش مدیران در مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نموده‌اند. در حالت کلی شواهد تجربی در ارتباط با پاداش مدیریت و مسئولیت اجتماعی بی‌نتیجه است. برونه و گومز (۲۰۰۹) دریافتند که در صنایع آلاینده، عملکرد محیطی خوب، پاداش مدیریت را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر بر خلاف باور رایج، سایر پژوهش‌ها و مطالعات دریافته‌اند که میزان پاداش مدیران با مسئولیت‌های اجتماعی، ارتباطی معکوس دارد (کومبز و گیله‌ی، ۲۰۰۵؛ راسو و هاریسون، ۲۰۰۵؛ استانویک و استانویک، ۲۰۰۱). پژوهش‌های پیشین، شفافیت در افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را بیان کرده‌اند. برای مثال بورگسی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی دریافتند که در برخی موارد سرمایه‌گذاری در افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، ارزش‌آفرینی و ثروت‌آفرینی برای سهام‌داران به‌دنبال دارد. با این حال در سایر موارد، مدیرانی که به فعالیت‌های

نوع دوستانه و خیرخواهانه اقدام می‌کنند حتی با وجود عدم ارزش آفرینی برای شرکت و سهام‌داران، اقدام به افشای مسئولیت اجتماعی می‌کنند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی به مباحث اخلاقی درباره رفتار و تصمیم‌گیری شرکت در رابطه با موضوعاتی مانند مدیریت منابع انسانی، حمایت محیطی، سلامتی کار، روابط اجتماعی و روابط با عرضه‌کنندگان و مشتریان می‌پردازد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رضایت سهام‌داران را بهبود بخشیده و بر روی شهرت و اعتبار شرکت نیز تأثیر مثبتی دارد (احمدپور و فرمانبردار، ۱۳۹۲).

افشای شاخص‌های مسئولیت اجتماعی توسط شرکت‌ها که میزان توجه شرکت‌ها را به عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی نشان می‌دهد، منتهی به بهبود کیفیت اطلاعات شده و ممکن است تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. سوالی که این‌جا مطرح است این است که آیا افشای شاخص‌های مسئولیت اجتماعی می‌تواند بر میزان پاداش مدیران ارشد موثر باشد؟

پیشینه پژوهش

کریم و همکاران (۲۰۱۸) به مطالعه ارتباط ساختار پاداش هیأت مدیره و مسئولیت اجتماعی شرکتی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش بیان‌گر این است که بین افشای معیار مسئولیت اجتماعی و ساختار مربوط به پاداش نقدی، ارتباطی معکوس و معنی‌دار و با ساختار مربوط به پاداش غیرنقدی ارتباطی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد.

مکیول و زمیر (۲۰۱۸) به بررسی ارتباط مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه هندوستان در بازه زمانی ۲۰۱۶ - ۲۰۰۷ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی ارتباطی مستقیم وجود دارد. به عبارتی افشای بیشتر و گسترده‌تر ابعاد مسئولیت اجتماعی منجر به بهبود عملکرد مالی می‌شود.

یوان و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی تبیین نموده‌اند که مزیت اجرا و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، موضوعی اقتضایی است و بستگی به راهبرد رقابتی و تجاری که شرکت از آن پیروی می‌کند، دارد. آنها با استفاده از داده‌های ۲۲۳ شرکت سنگاپوری دریافتند که گرچه

به طور کلی عملکرد مالی هر دو گروه شرکت‌ها با راهبردهای رهبری هزینه و متمایزسازی بهبود یافته است، اما در اجرا و افشای مسئولیت‌پذیری، شرکت‌هایی که راهبرد متمایز سازی را برگزیده‌اند، از منافع اجرا بیشتر منتفع شده‌اند. یافته‌های حاصل از پژوهش کراتن (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که طرح‌های پایداری بر حاکمیت شرکتی موثر است و باعث می‌گردد ساختار و روابط هدایت و کنترل شرکت‌ها به سمت عملکرد منصفانه توأم با مسئولیت‌پذیری و در نظر گرفتن ویژگی‌های اخلاق در قبال همه ذی‌نفعان سوق داده شود. توسعه سطح گزارشگری اجتماعی از طریق ارائه گزارش‌های پایداری منجر به ارتقای شفافیت گزارشگری، کاهش رسوایی‌های مالی و بازگرداندن اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مالی نیز می‌گردد که به تبع آن بر اندازه‌گیری عملکرد نیز موثر است.

بجتی و همکاران (۲۰۱۳) مسئولیت اجتماعی شرکت را در چهار عامل شامل شفافیت حسابداری، حاکمیت شرکتی، مخاطره ذی‌نفعان و بیش‌سرمایه‌گذاری، تجزیه کرده‌اند. با بررسی ارتباط بین قدرمطلق خطای پیش‌بینی سود هر سهم با خالص نقاط قوت (-) و ضعف (+) بیش‌سرمایه‌گذاری، مخاطره ذی‌نفعان، حاکمیت شرکتی و شفافیت حسابداری، آنها نشان دادند که بین قدرمطلق خطای پیش‌بینی سود هر سهم با خالص نقاط قوت و ضعف بیش‌سرمایه‌گذاری، مخاطره ذی‌نفعان و عدم شفافیت حسابداری شرکت‌ها، ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد، در حالی که قدرمطلق خطای پیش‌بینی سود هر سهم با کیفیت حاکمیت شرکتی، ارتباطی معکوس دارد.

حاجیها (۱۳۹۷) به مطالعه راهبردهای رقابتی، عملکرد شرکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد راهبردهای رقابتی بر عملکرد، تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارند. همچنین تأثیر مسئولیت اجتماعی بر عملکرد، مستقیم و معنی‌دار است، اما با افشای بیشتر مسئولیت اجتماعی، راهبرد تمایز نسبت به کاهش هزینه تأثیر بیشتری بر عملکرد دارد.

کردستانی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی بر معیارهای حسابداری، اقتصادی و بازار و ارزیابی عملکرد شرکت‌ها در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که

سطح افشای مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبت معنی‌داری بر نرخ بازده دارایی، سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها دارد. همچنین، سطح افشای مسئولیت اجتماعی تأثیر منفی معنی‌داری بر نرخ هزینه سرمایه شرکت‌ها دارد. با این حال سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر معیارهای ارزش افزوده بازار و نرخ بازده سهام تأثیر معنی‌داری نداشته است.

گرمسیری و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی اثر کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بر شهرت اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۳ - ۱۳۸۹ پرداختند. یافته‌های تجربی حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهند که عامل کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی دارای ارتباط مستقیم با شهرت اجتماعی شرکت است و از میان ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، عامل دوگانگی پست مدیرعامل دارای رابطه‌ای معکوس، میزان مالکیت هیأت مدیره و عضویت صنعتی دارای رابطه مستقیم و سه عامل اندازه هیئت مدیره، اندازه شرکت، نسبت اعضای موظف هیأت مدیره، دارای رابطه معناداری با شهرت اجتماعی نیستند و در نهایت یافته‌های پژوهش نشان داد که بین عملکرد مالی و شهرت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه پژوهش

با عنایت به مبانی نظری مطرح شده فرضیه پژوهش به شرح زیر هستند:

بین معیارهای مسئولیت اجتماعی شرکت و پاداش هیأت مدیره ارتباطی مستقیم وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌های قیاسی - استقرایی صورت پذیرفته است. به عبارتی، مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه کتابخانه‌ای، مجلات و سایر سایت‌های معتبر در قالب قیاسی، و گردآوری داده‌ها برای تأیید و رد فرضیه‌ها از راه استقرایی انجام شده است. به دلیل نوع داده‌های مورد مطالعه و مقایسه‌ی هم‌زمان داده‌های مقطعی و طولی از روش الگوهای داده‌های ترکیبی (تابلویی) برای برآورد ضرایب و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش در برگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ در نظر گرفته شده است. همچنین، در این پژوهش نمونه‌ای به حجم ۱۰۰ شرکت براساس معیارهای زیر از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است:

- با توجه به دوره زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۶-۱۳۹۱)، شرکت قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۶ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد.
- به منظور افزایش توان هم‌سنجی و همسان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفند ماه هر سال منتهی شود.
- به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند.
- شرکت‌هایی که اطلاعات آنها برای محاسبه متغیرهای اولیه صورت‌های مالی ناقص بوده‌اند از نمونه حذف شده‌اند.
- و در نهایت، شرکت‌ها نباید توقف فعالیت داشته و دوره فعالیت خود را تغییر داده باشند.

مدل پژوهش

با توجه به مبانی نظری مدل پژوهش به شرح زیر است:

$$CEO\ Compensation_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 Corporate\ Social\ Responsibility_{it} (\delta_1 CSR-COM-S + \delta_2 CSR-EMP-S + \delta_3 CSR-ENV-S + \delta_4 CSR-PRO-S) + \lambda_2 Ln\ Total\ Assets_{it} + \lambda_3 Financial\ Leverage_{it} + \lambda_4 ROE_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل متغیرها به شرح زیر است.

$CEO Compensation_{it}$: پاداش هیأت مدیره؛ $Corporate Social Responsibility_{it}$: مسئولیت اجتماعی؛ $Ln Total Assets_{it}$: اندازه شرکت؛ $Financial Leverage_{it}$: اهرم مالی؛ ROE_{it} : نرخ بازده حقوق صاحبان سهام؛ ε_{it} : جملات اخلال (پسماندها).

متغیرها و مدل‌های پژوهش

در این پژوهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی متغیر مستقل است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی با توجه به معیارهایی که موسسه آمریکایی معروف به KLD که هر ساله سازمان‌ها را بر اساس معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی رتبه‌بندی می‌کند، اندازه‌گیری شده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این پژوهش دارای چهار بعد است. با تفاضل نقاط قوت از نقاط ضعف مربوطه، نمره آن بدست می‌آید. در نهایت، با جمع تمام ابعاد فوق یک نمره کلی برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بدست خواهد آمد. لازم به ذکر است که در صورت وجود هر نقطه ضعف یا نقطه قوت، عدد یک و در صورت نبود آنها عدد صفر در نظر گرفته خواهد شد. اطلاعات لازم برای این متغیرها در گزارش هیأت‌مدیره شرکت‌ها افشا می‌شود. در این پژوهش از معیارهای مطابق با استانداردهای ایران استفاده شده است. مدل حاضر مدل عینی و کمی معروفی است که تا کنون از طریق نهادهای رسمی در بسیاری از کشورها برای اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی استفاده شده است. مدل به صورت زیر می‌باشد (میشرا و همکاران، ۲۰۱۱):

$$CSR-s = CSR-COM-s + CSR-EMP-s + CSR-ENV-s + CSR-PRO-s$$

$CSR-COM-s$: نمره افشای مشارکت اجتماعی؛ $CSR-EMP-s$: نمره افشای روابط کارکنان؛

$CSR-ENV-s$: نمره افشای محیط زیست؛ $CSR-PRO-s$: نمره افشای ویژگی محصولات.

در این پژوهش پاداش مدیران به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است (کریم و همکاران، ۲۰۱۸؛ جیان و لی، ۲۰۱۵). برای این منظور از پاداش نقدی هیأت مدیره استفاده شد. بر مبنای ماده ۱۳۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد، مجمع عمومی می‌تواند مطابق با ماده ۲۴۱ همین قانون، نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت را به عنوان پاداش به اعضای هیأت مدیره تخصیص دهد؛ با این شرط که میزان پاداش در نظر گرفته شده برای مدیران نباید در شرکت‌های سهامی عام از ۵ درصد سودی که در همان سال به

صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ۱۰ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود، تجاوز کند. همچنین اعضای غیرموظف هیأت مدیره حق ندارند به جز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق‌الزحمه، وجهی از شرکت دریافت کنند.

در این پژوهش متغیرهای کنترل به پیروی از پژوهش جیان و لی (۲۰۱۵) به شرح زیر است.

اندازه‌ی شرکت: اندازه شرکت عمدتاً معرف وضعیت شرکت از نظر سودآوری، حجم فعالیت و ارزش شرکت است. با توجه به نظریه توازن، شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک از اعتبار بالایی برای تأمین مالی برخوردارند. همچنین، شرکت‌های بزرگ معمولاً در بازار بدهی دارای اعتبار و شهرت بوده و هزینه‌های نمایندگی کمتر در استفاده از بدهی، بستنکاران را تهدید می‌کند. به گونه‌ای که اعتباردهندگان شرایط مناسب‌تری برای استقرار این گونه شرکت‌ها فراهم می‌کنند.

اهرم مالی: اهرم مالی عبارت از استفاده از انواع ابزارهای مالی یا بدهی برای افزایش نرخ بازده بالقوه سرمایه‌گذاری است. اهرم مالی می‌تواند از طریق اختیار معاملات، قراردادهای آتی، ودیعه و دیگر ابزارهای مالی ایجاد شود. بیشتر شرکت‌ها برای تأمین مالی از بدهی استفاده می‌کنند. با این کار، شرکت اهرم مالی‌اش را افزایش می‌دهد و بدون نیاز به این که مالکان جدیدی به شرکت اضافه شوند، وجه مورد نیاز برای توسعه عملیات تجاری شرکت تأمین می‌شود. اهرم‌های مالی هم به سرمایه‌گذاران و هم به شرکت برای سرمایه‌گذاری یا اجرای فعالیت‌های عملیاتی کمک می‌کند، اما با ریسک بزرگ‌تری همراه است.

نرخ بازده حقوق صاحبان سهام: میزان کارایی یک شرکت، در خلق سود برای سهامداران را بررسی می‌کند. در واقع این نسبت بیان می‌کند، که بنگاه اقتصادی به ازاء هر یک واحد سرمایه‌گذاری سهام‌داران، به چه میزان سود برای آنها کسب می‌کند.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق به صورت آمار توصیفی و آزمون فرضیه به شرح زیر ارائه می‌گردد.

آمار توصیفی

در نگاره ۱ توصیف داده‌های پژوهش ارائه شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
پاداش هیأت مدیره	صفر	۹/۷۷۰۰	۴/۶۲۵۱۵	۳/۵۵۶۱۵	۱۲/۶۴۶	-۰/۴۵۳	-۱/۶۵۲
مسئولیت اجتماعی	۰/۲۵	۱/۲۵	۰/۷۵۹۲	۰/۲۴۴۵۶	۰/۰۶۰	-۰/۱۹۲	-۰/۳۶۹
اندازه شرکت	۱۰/۳۵۲۱	۱۹/۱۵۰۰	۱۴/۴۳۸۲۹	۱/۶۹۶۰۳	۲/۸۷۷	۰/۶۰۰	۰/۳۶۰
اهرم مالی	۰/۰۹۰۲	۱/۶۴۸	۰/۵۹۳۱۹۴	۰/۲۰۹۲۴۸	۰/۰۴۴	۰/۴۱۰	۱/۵۸۱
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	-۱/۳۷۱۸	۱/۹۷۹۱	۰/۳۹۹۰۲۵	۰/۳۸۵۶۳۵	۰/۱۴۹	۰/۳۵۳	۲/۴۵۷

میانگین محاسبه شده متغیر پاداش هیأت مدیره (لگاریتم طبیعی) ۴/۶۲۵ است که بیان گر این است که پاداش پرداختی به هیأت مدیره در حدود ۱۰۰۰ میلیون ریال است و میانگین محاسبه شده برای مسئولیت اجتماعی در حدود ۰/۷۵ است که نشان از افزایش نسبتاً کم معیارهای فوق در شرکت‌های مورد مطالعه است. میانگین اهرم مالی محاسبه شده در حدود ۰/۵۹ است که نشان از میزان بدهی متوسط شرکت‌های مورد مطالعه است. میانگین نرخ بازده در حدود ۰/۳۹۹ است و نشان از سودآوری متوسط به پایین شرکت‌ها است. چولگی و کشیدگی محاسبه شده برای متغیرها حاکی از توزیع منطقی و نرمال متغیرها است.

انتخاب مدل آزمون

ابتدا برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آنها از آزمون F لیمر استفاده شده است. فرضیه‌های آماری این آزمون به شرح زیر است:

$$H_0 = \text{Pooled Data}$$

$$H_1 = \text{Panel Data}$$

در این آزمون فرض صفر مبنی بر همگن بودن داده‌ها است و در صورت تأیید، می‌بایست کلیه داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و به وسیله یک رگرسیون کلاسیک تخمین پارامترها را انجام داد، در غیراین صورت داده‌ها را به صورت داده‌های تابلویی در نظر گرفت. در صورتی که نتایج این آزمون مبنی بر بکارگیری داده‌ها به صورت داده‌های تابلویی شود، می‌بایست برای تخمین مدل پژوهش از یکی از مدل‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شود. برای انتخاب یکی از دو مدل باید آزمون هاسمن اجرا شود. فرض صفر آزمون هاسمن مبنی بر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل‌های رگرسیونی داده‌های تابلویی است.

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون F لیمر مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده، بنابراین استفاده از روش داده‌های تابلویی برای مدل فرضیه پژوهش مناسب است. همچنین با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون هاسمن، تفاوت در ضرایب نظام‌مند نیست. بنابراین، استفاده از روش اثرات ثابت بر روش تصادفی ارجح است. آماره هم‌خطی محاسبه شده نشان از عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای پژوهش است.

آزمون فرضیه پژوهش

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش به شرح زیر است:

در آزمون فرضیه پژوهش سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده، می‌توان ادعا کرد که حدود ۴۱/۱۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل، توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره‌ی دوربین-واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین-واتسون محاسبه شده (۱/۹۵۰) که بین ۲/۵-۱/۵ می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نگاره ۲ مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری آماره آزمون برای مسئولیت اجتماعی از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است، بنابراین وجود رابطه معنی‌داری بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پاداش هیأت مدیره تأیید می‌شود و فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت ارتباطی مستقیم و معنی‌دار، اهرم مالی ارتباطی معکوس

و معنی دار، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ارتباطی مستقیم و معنی دار با پاداش هیأت مدیره دارند.

نگاره (۲): نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش

نام متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	آماره هم خطی
$CEO\ Compensation_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 Corporate\ Social\ Responsibility_{it} (\delta_1\ CSR-COM-s + \delta_2\ CSR-EMP-s + \delta_3\ CSR-ENV-s + \delta_4\ CSR-PRO-s) + \lambda_2 Ln\ Total\ Assets_{it} + \lambda_3\ Financial\ Leverage_{it} + \lambda_4\ ROE_{it} + \varepsilon_{it}$					
مقدار ثابت	-۲/۱۲۹۴۱۲	۱/۰۹۰۹۵۴	-۱/۹۵۱۸۸۰	۰/۰۵۱۵	-
مسئولیت اجتماعی	۱/۲۱۳۷۵۸	۰/۴۵۵۱۹۰	۲/۶۶۶۴۸۸	۰/۰۰۷۹	۱/۰۰۱۵۳۲
اندازه شرکت	۰/۶۳۵۰۳۲	۰/۰۷۰۹۴۵	۸/۹۵۱۱۰۶	۰/۰۰۰۰	۱/۰۴۱۹۱۳
اهرم مالی	-۶/۴۸۶۲۰۰	۰/۵۶۶۳۶۳	-۱۱/۴۵۲۳۷	۰/۰۰۰۰	۱/۰۲۷۱۹۸
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	۳/۷۲۲۳۹۶	۰/۳۰۴۱۰۶	۱۲/۲۴۰۴۴	۰/۰۰۰۰	۱/۰۵۷۲۰۰
ضریب تعیین	۰/۴۱۵۹۵۲		آماره آزمون		۹۰/۹۸۱۸۸ (۰/۰۰۰۰)
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۱۱۳۸		آماره اف لیمر		۵/۳۹۷۶۳۳ (۰/۰۰۰۰)
آماره دوربین واتسون	۱/۹۵۰۹۶۳		آماره هاسمن		۴۶/۹۸۵۷۰۹ (۰/۰۰۰۰)

با توجه به ضرایب حاصل از تخمین رگرسیون، متغیرهای اهرم مالی، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، مسئولیت پذیری اجتماعی و اندازه شرکت به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیرگذاری را بر پاداش هیأت مدیره دارند.

آزمون تحلیل حساسیت

برای اطمینان از نتیجه حاصله از آزمون فرضیه پژوهش اقدام به آزمون تحلیل حساسیت شد. برای این منظور، شرکت‌های مورد مطالعه به دو بخش شرکت‌های با افشای بیشتر معیارهای مسئولیت اجتماعی و شرکت‌های با افشای کمتر معیارهای مسئولیت اجتماعی تفکیک شدند. سپس، با استفاده از آزمون مقایسه میانگین به بررسی این موضوع پرداخته شد که آیا تفاوت

معنی داری در ارتباط بین مسئولیت اجتماعی با پاداش هیأت مدیره در شرکت‌های با افشای بیشتر مسئولیت اجتماعی نسبت به شرکت‌های با افشای کمتر مسئولیت اجتماعی وجود دارد؟ نتایج حاصل از آزمون تحلیل حساسیت به شرح نگاره ۳ ارائه شده است.

نگاره (۳): نتایج حاصل از آزمون تحلیل حساسیت

سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره آزمون	تفاوت گروه‌ها					
			تفاوت در سطح ۹۵ درصد		میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	
			حد پایین	حد بالا				
۰/۰۰۰	۲۹۹	۱۹/۲۴۷	۴/۳۲۹۳۶	۳/۵۲۶۱۷	۰/۲۰۴۰۷	۳/۵۳۴۶۱	۳/۹۲۷۷۷	گروه ۱*
۰/۰۰۰	۲۹۹	۱۸/۳۹۷	۴/۲۱۱۱۳	۳/۳۹۷۲۷	۰/۲۰۶۷۸	۳/۵۸۱۵۴	۳/۸۰۴۲۰	گروه ۲ **

* گروه ۱: (شرکت‌های با نمره افشای مسئولیت اجتماعی بالا) و ** گروه ۲: (شرکت‌های با نمره افشای مسئولیت اجتماعی پایین)

با توجه به آماره آزمون و سطح معنی‌داری محاسبه شده، می‌توان بیان کرد که تفاوت معنی داری در ارتباط بین مسئولیت اجتماعی با پاداش هیأت مدیره در شرکت‌های با افشای بیشتر مسئولیت اجتماعی نسبت به شرکت‌های با افشای کمتر مسئولیت اجتماعی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در دهه گذشته توجه پژوهش‌گران زیادی به انجام پژوهش‌ها در رابطه با مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت‌ها معطوف گردید و باور بر این است که طی ۵۰ سال گذشته مفاهیم و تعاریف به اندازه‌ی کافی عمومیت یافته است و آنچه که در هزاره جدید برای پژوهش‌گران حائز اهمیت است، کاهش شکاف بین تئوری و عمل مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در محیط کسب و کار شرکت‌ها از طریق عملیاتی کردن روش‌ها و رویه‌های آن، به کمک استانداردها و رهنمودهای گزارشگری و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت است. در عصر حاضر تئوری سازی شرکت‌ها در ادبیات اقتصادی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها هنوز به اندازه‌ی کافی با نقش سیاسی جدید واحدهای تجاری یکپارچه نگردیده است و در عوض بسیاری از مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر مبنای تفکیک و تمایز کارکردهای حوزه‌ی سیاسی و اقتصادی شرکت‌ها

پایه گذاری شده است و پایه های نظری مسئولیت اجتماعی شرکت ها مبتنی بر رویکردهای جدید در ادبیات شرکت ها بنا شده است و هنوز نگرش ابزاری صرف به رویه های شرکت ها برای مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و به طور خاص مسئولیت اجتماعی شرکت ها وجود دارد.

هدف این پژوهش مطالعه ارتباط مسئولیت اجتماعی شرکت ها و پاداش هیأت مدیره می باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می دهد بین مسئولیت اجتماعی و پاداش هیأت مدیره ارتباطی معنی دار برقرار است. نتیجه فوق با استدلال پژوهش گران (بارنئا و روبین، ۲۰۱۰؛ بورگسی و همکاران، ۲۰۱۴؛ براون و همکاران، ۲۰۰۶؛ همینگوی و مک لافان، ۲۰۰۴؛ کروگر، ۲۰۱۵؛ ماسولیس و رضا، ۲۰۱۵؛ میلیبورن، ۲۰۰۳) همسو است. همچنین نتایج حاصل از آزمون تحلیل حساسیت، نتیجه حاصل از آزمون فرضیه پژوهش را تأیید می کند.

در راستای یافته های حاصل از پژوهش پیشنهاد می گردد با عنایت به ارزش و جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت ها، کمیته ی تدوین استانداردهای حسابداری، در رابطه با مسئولیت اجتماعی شرکت ها استانداردی را تدوین نمایند و شرکت ها را ملزم به رعایت آن کنند. بازرسی و نظارت و اطمینان از اجرای صحیح قوانین و مقررات مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت ها، مستلزم انتشار گزارش سالیانه و جداگانه است. پیشنهاد می شود که راه کارها و رویه های تقویت ضمانت اجرایی انتشار چنین گزارش هایی مورد مطالعه و بررسی شود.

برای پژوهش های آتی نیز پیشنهاد می شود (۱) مسئولیت اجتماعی شرکت ها به عنوان تعارض بین سهام داران مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد؛ (۲) ارتباط بین جنبه های مسئولیت اجتماعی شرکت ها و سوگیرهای مدیریت مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد؛ (۳) تأثیر افشای جنبه های مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت ها بر ارزش آفرینی برای سهام داران مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد؛ (۴) نقش و تأثیر انگیزه های شخصی مدیران در راستای منافع خود بر افشای جنبه های مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت ها مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

منابع

- Barnea, A. , & Rubin, A. (2010). Corporate social responsibility as a conflict between shareholders. *Journal of business ethics*, 97 (1) , 71-86.
- Becchetti, L. , Ciciretti, R. , & Giovannelli, A. (2013). Corporate social responsibility and earnings forecasting unbiasedness. *Journal of Banking & Finance*, 37 (9) , 3654-3668.
- Beets, S. D. , & Souther, C. C. (1999). Corporate environmental reports: the need for standards and an environmental assurance service. *Accounting Horizons*, 13 (2) , 129-145.
- Berrone, P. , & Gomez-Mejia, L. R. (2009). Environmental performance and executive compensation: An integrated agency-institutional perspective. *Academy of Management Journal*, 52 (1) , 103-126.
- Borghesi, R. , Houston, J. F. , & Naranjo, A. (2014). Corporate socially responsible investments: CEO altruism, reputation, and shareholder interests. *Journal of Corporate Finance*, 26, 164-181.
- Brammer, S. , Brooks, C. , & Pavelin, S. (2006). Corporate social performance and stock returns: UK evidence from disaggregate measures. *Financial management*, 35 (3) , 97-116.
- Brown, W. O. , Helland, E. , & Smith, J. K. (2006). Corporate philanthropic practices. *Journal of corporate finance*, 12 (5) , 855-877.
- Coombs, J. E. , & Gilley, K. M. (2005). Stakeholder management as a predictor of CEO compensation: Main effects and interactions with financial performance. *Strategic Management Journal*, 26 (9) , 827-840.
- Deng, X. , Kang, J. K. , & Low, B. S. (2013). Corporate social responsibility and stakeholder value maximization: Evidence from mergers. *Journal of financial Economics*, 110 (1) , 87-109.
- El Ghouli, S. , Guedhami, O. , Kwok, C. C. , & Mishra, D. R. (2011). Does corporate social responsibility affect the cost of capital?. *Journal of Banking & Finance*, 35 (9) , 2388-2406 .
- Garmsiri, S. , Vakilifard, H. , & Talebnia, Q. (2018). Examine the influence of corporate social responsibility reporting quantity and corporate governance characteristics and financial performance on corporate social reputation of Tehran Stock Exchange Listed Firms. *Management Accounting*, 10 (35) , 31-43. (In Persian)
- Hajiha, Z. (2018). Competitive strategies, firm performance and corporate social responsibility as third strategy. *Management Accounting*, 11 (36) , 31-43. (In Persian)
- Hemingway, C. A. , & MacLagan, P. W. (2004). Managers' personal values as drivers of corporate social responsibility. *Journal of business ethics*, 50 (1) , 33-44.
- Hillman, A. J. , & Keim, G. D. (2001). Shareholder value, stakeholder management, and social issues: What's the bottom line?. *Strategic management journal*, 22 (2) , 125-139 .

- Imani, P. , Hajiha, Z. , & Amirhoseini, Z. (2017). The examination of effect of earnings persistence and profitability on disclosure level of Corporate Social Responsibility listed in Stock Exchange in Tehran. *Management Accounting, 10 (33)* , 73-88. (In Persian .)
- Jensen, M. C. , & Meckling, W. H. (1979). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. In *Economics social institutions* (pp. 163-231). Springer, Dordrecht.
- Jian, M. , & Lee, K. W. (2015). CEO compensation and corporate social responsibility. *Journal of Multinational Financial Management, 29*, 46-65.
- Jiao, Y. (2010). Stakeholder welfare and firm value. *Journal of Banking & Finance, 34 (10)* , 2549-2561.
- Karim, K. , Lee, E. , & Suh, S. (2018). Corporate social responsibility and CEO compensation structure. *Advances in Accounting, 40*, 27-41.
- Karpoff, J. M. , Lott, Jr, J. R. , & Wehrly, E. W. (2005). The reputational penalties for environmental violations: Empirical evidence. *The Journal of Law and Economics, 48 (2)* , 653-675.
- Kim, Y. , Park, M. S. , & Wier, B. (2012). Is earnings quality associated with corporate social responsibility?. *The accounting review, 87 (3)* , 761-796 .
- Kordestani, Gh. , Ghderzadeh, S. K. , & Haghigat, H. (2018). Impact of social responsibility disclosure on accounting, economic and market based Measures Of corporate performance evaluation. *Accounting Advances, 10 (1)* , 181-210. (In Persian .)
- Kraten, M. (2014). Sustainability-The Accounting Perspective. *Your industry. One source.*
- Krüger, P. (2015). Corporate goodness and shareholder wealth. *Journal of financial economics, 115 (2)* , 304-329.
- Maqbool, S. , & Zameer, M. N. (2018). Corporate social responsibility and financial performance: An empirical analysis of Indian banks. *Future Business Journal, 4 (1)* , 84-93.
- Masulis, R. W. , & Reza, S. W. (2015). Agency problems of corporate philanthropy. *The Review of Financial Studies, 28 (2)* , 592-636 .
- McGuire, J. B. , Sundgren, A. , & Schneeweis, T. (1988). Corporate social responsibility and firm financial performance. *Academy of management Journal, 31 (4)* , 854-872.
- Milbourn, T. T. (2003). CEO reputation and stock-based compensation. *Journal of Financial Economics, 68 (2)* , 233-262.
- Nelling, E. , & Webb, E. (2009). Corporate social responsibility and financial performance: the “virtuous circle” revisited. *Review of Quantitative Finance and Accounting, 32 (2)* , 197-209.
- Russo, M. V. , & Harrison, N. S. (2005). Organizational design and environmental performance: Clues from the electronics industry. *Academy of Management Journal, 48 (4)* , 582-593.
- Samy, M. , Odemilin, G. , & Bampton, R. (2010). Corporate social responsibility: a strategy for sustainable business success. An analysis of 20 selected British

- companies. *Corporate Governance: The international journal of business in society*.
- Sandhu, H. S. , & Kapoor, S. (2010). Corporate social responsibility initiatives: An analysis of voluntary corporate disclosure. *South Asian Journal of Management*, 17 (2) , 47.
- Sharfman, M. P. , & Fernando, C. S. (2008). Environmental risk management and the cost of capital. *Strategic management journal*, 29 (6) , 569-592.
- Sikka, P. (2011). Accounting for human rights: The challenge of globalization and foreign investment agreements. *Critical Perspectives on Accounting*, 22 (8) , 811-827.
- Stanwick, P. A. , & Stanwick, S. D. (2001). CEO compensation: Does it pay to be green?. *Business Strategy and the Environment*, 10 (3) , 176-182 .
- Waddock, S. A. , & Graves, S. B. (1997). The corporate social performance–financial performance link. *Strategic management journal*, 18 (4) , 303-319.
- Yuen, K. F. , Thai, V. V. , & Wong, Y. D. (2017). Corporate social responsibility and classical competitive strategies of maritime transport firms: A contingency-fit perspective. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 98, 1-13.

بررسی مبانی نظری تأثیر فاصله جغرافیایی بین مؤسسه حسابرسی و شرکت بر حق الزحمه حسابرسی، به موقع بودن گزارش حسابرسی و چرخش حسابرس رحمان ساعدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۳۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی مبانی نظری تأثیر فاصله جغرافیایی بین مؤسسه حسابرسی و شرکت بر حق الزحمه حسابرسی، به موقع بودن گزارش حسابرسی و چرخش حسابرس است. ارتباط و تسلط بیشتر به موضوع فعالیت شرکت در حسابرسی، در شرایطی که بعد مسافت جغرافیایی بالا باشد، کمتر رخ می‌دهد و احتمال افزایش خطر حسابرسی را در پی خواهد داشت. این مساله منجر به افزایش آزمون‌های محتوایی توسط حسابرسان، برای اطمینان و گسترش سطح رسیدگی، خواهد شد که به نوعی در تعیین حق الزحمه حسابرسی مؤثر است. به عبارتی، هر چه فاصله مؤسسه حسابرسی با شرکت صاحبکار طولانی‌تر باشد، هزینه حسابرسی افزایش می‌یابد. نزدیکی شرکت‌ها و مؤسسه‌های حسابرسی از نظر جغرافیایی می‌تواند منجر به سطوح بالاتری از مبادلات اجتماعی بین حسابرس و مشتریان شود، به گونه‌ای که نزدیکی جغرافیایی باعث ایجاد اعتماد بیشتر بین حسابرسان و مدیران ارشد شرکت‌ها، خواهد شد. این موضوع در شبکه‌بندی، تعامل و تبادل روابط اجتماعی که منجر به اعتماد می‌شود مؤثر است و می‌تواند موجب افزایش دانش و یادگیری شرکت‌ها شود. بنابراین، نزدیکی جغرافیایی مؤسسه حسابرسی و شرکت، به ثبات حسابرس و کاهش چرخه حسابرسان کمک خواهد نمود. از سوی دیگر، با هدف افزایش راحتی نسبی در دسترسی به اطلاعات شرکت‌ها و آشنایی با محیط اقتصادی و نظارتی در منطقه و تأثیر آن بر شرکت، باید حسابرسی محلی توسعه یابد و کارایی آن افزایش یابد که با پیروی از این مساله، تأخیرهای حسابرسی کاهش خواهد یافت و گزارش‌های حسابرسی به موقع، ارائه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: حق الزحمه، فاصله جغرافیایی، موقع بودن گزارش حسابرسی، چرخش حسابرس.

طبقه‌بندی موضوعی: M42

مقدمه

به موقع بودن اطلاعات در تحلیل و بررسی اطلاعات، معیار بسیار با اهمیتی از سوی مراجع حرفه‌ای، قانون‌گذار، تحلیلگران اطلاعات مالی، سرمایه‌گذاران، مدیران و جامعه علمی است. به عبارتی، برای کسب اطمینان نسبت به ارائه اطلاعات جاری و مربوط، باید فرآیند جمع‌آوری، تلخیص و انتشار اطلاعات مالی در حد امکان سریع و بدون وقفه انجام شود. در فرایند تصمیم‌گیری، اطلاعات قدیمی ارزش چندانی برای تصمیم‌گیرندگان و فعالان بازار ندارد و ویژگی به موقع بودن اطلاعات یکی از معیارهای مهم کیفی، در ارائه اطلاعات حسابداری است. به موقع بودن انتشار صورت‌های مالی به ویژه در بازارهای نوظهور برای تامین گردش سرمایه پایدار، حیاتی است، بنابراین باید تدابیری اندیشید تا بتوان گزارش حسابرسی را هر چه سریع‌تر مهیا کرده و صورت‌های مالی حسابرسی شده را با صرف زمان کمتری در اختیار استفاده‌کنندگان قرار داد (آبدین و زالوکی، ۲۰۱۲). تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که هرچه فاصله زمانی بین تاریخ تهیه صورت‌های مالی و تاریخ انتشار آنها کمتر باشد، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به شکلی بهتر و موثرتر قادر خواهند بود از اطلاعات منتشر شده استفاده نمایند. به دلیل آنکه زمانبندی حسابرسی صورت‌های مالی، پیش‌زمینه زمانبندی گزارش حسابرسی است، پیشرفت در زمانبندی حسابرسی صورت‌های مالی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر بهنگام بودن گزارش حسابرسی داشته باشد (برنسون و همکاران، ۲۰۱۱؛ کریشان و یانگ، ۲۰۰۹).

همچنین، در سال‌های اخیر پدیده چرخش مؤسسات حسابرسی به زمینه مهمی در تحقیقات و مباحث حرفه‌ای اغلب کشورها تبدیل شده است (حساس یگانه و جعفری، ۱۳۸۹). این موضوع با هدف افزایش کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرسی و پیشگیری از متمرکز شدن بازار حسابرسی بوده است که منجر به تغییر استانداردهای حرفه‌ای حسابرسی گردید (کامران و همکاران، ۲۰۰۶).

حق‌الزحمه حسابرسی و تعیین نرخ خدمات حرفه‌ای قابل ارائه فرآیند حسابرسی، از جمله موضوع‌های مهم در زمینه حسابرسی است که تا حدودی به عنوان یکی از مناقشات و بحث‌های اصلی حرفه حسابرسی مطرح است. به طور کلی، قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، یکی از موضوع‌های مورد توجه در زمینه حسابرسی است و برای بسیاری از صاحبکاران، هزینه حسابرسی رقمی درخور و قابل توجه است. اگرچه ممکن است در شرکت‌های بزرگ، باحجم فروش و

نقدینگی بالا یا در برخی شرکت‌های دولتی، توانایی پرداخت این هزینه‌ها به راحتی میسر باشد، اما اکثر شرکت‌های تجاری کوچک یا آنهایی که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند، رقم هزینه می‌تواند بسیار با اهمیت و سنگین باشد؛ هزینه‌ای که ناگزیرند آن را پرداخت کنند. اهمیت این موضوع، به خصوص در سال‌های اخیر در ایران و پس از تشکیل جامعه حسابداران رسمی ایران، بیشتر مشاهده شده است، زیرا پس از تشکیل جامعه حسابداران رسمی، انحصار بازار کار حسابرسی شکسته شد و رقابت شدیدی بین حسابرسان شکل گرفت؛ رویدادی که مدت‌ها قبل در اغلب کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته اتفاق افتاده است. بنابراین، در این مقاله سعی شده است مبانی نظری فاصله جغرافیایی بین مؤسسه حسابرسی و شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی، به‌موقع بودن گزارش حسابرسی و چرخش حسابرس بیان شود.

مخارج حسابرسی

مخارج حسابرسی بر اساس بهای تمام شده خدمات به کار رفته در فرآیند حسابرسی به اضافه برآوردی از زیان‌های آتی ناشی از مسئولیت حسابرس در برابر گزارش صادر شده، تعیین خواهد شد. اجرای این فرآیند در سه مرحله انجام می‌شود. مرحله اول، ارزیابی حسابرس از احتمال وقوع زیان آتی است که در آینده یک ذینفع مثل سهامدار، به دلیل قضاوت حسابرس، متحمل خواهد شد. مرحله دوم به کارگیری منابع (مثل نیروی انسانی شرکت) در اجرای عملیات حسابرسی است، تا منافع نهایی کاهش در ارزش فعلی زیان‌های مورد انتظار آتی ناشی از حسابرسی صورت‌های مالی برابر با هزینه نهایی سرمایه‌گذاری اضافی حسابرسی، باشد. در نهایت، حسابرس قیمتی را برای حسابرسی تعیین می‌کند که هزینه حسابرسی را پوشش دهد و در تعیین این قیمت، قضاوت حسابرس نقش مهمی دارد (استانلی، ۲۰۱۱). بنابراین، حق‌الزحمه حسابرسی عبارت است از مبالغی که افراد، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات بابت انجام امور حسابرسی دفاتر حسابداری خود و همچنین حسابرسی داخلی، عملیاتی و... به افراد و مؤسسات حسابرسی پرداخت می‌کنند.

در حال حاضر، از مناقشات اصلی حرفه حسابرس، تعیین حداقل نرخ حق‌الزحمه حسابرسی و نرخ شکنی برخی مؤسسات حسابرسی است (رجبی و محمدی خشویی، ۱۳۸۷). در کشور ما نحوه تعیین حق‌الزحمه‌های حسابرسی به معضل تبدیل شده و آشفتگی قیمت‌گذاری خدمات

حسابرسی، موجب شده است تا هیچ مبنای مشخصی برای تعیین حق الزحمه حسابرسی مالی، وجود نداشته باشد و بعضاً قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان منجر به پیشنهادهای ضد و نقیضی می‌گردد که تناسبی با یکدیگر ندارند (نیکبخت و تنانی، ۱۳۸۹).

مطالعه عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی از نظر تأثیر آن بر کیفیت حسابرسی، حائز اهمیت است. حق الزحمه حسابرسی در برنامه‌ریزی و اجرای مناسب و با کیفیت کار حسابرسی مالی موثر است. کیفیت پایین حسابرسی موجب کاهش اعتماد استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌شود و این امر نه تنها منجر به ناکامی از دستیابی به اهداف حسابرسی می‌شود، بلکه موجب کاهش اعتبار فرایند حسابرسی در ابعاد کلان خواهد شد و مانع از تخصیص بهینه سرمایه در بازار اوراق بهادار و افزایش هزینه سرمایه و تامین مالی خواهد شد (رجبی، ۱۳۸۳). تعیین عوامل موثر بر هزینه حسابرسی به صاحبکار نیز کمک می‌کند تا منافع این خدمت را بهتر درک کند و بداند این هزینه را به خاطر چه چیزی متحمل شده است. روش است، آگاهی از این مساله موجب تسریع و تسهیل کار حسابرسی شده و به دلیل مشارکت صاحبکار، حسابرسی با کیفیت بالاتری انجام خواهد گرفت (گیست، ۱۹۹۲).

به‌موقع بودن گزارش حسابرس

طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی، چنانچه صورت‌های مالی ظرف مدت معقولی بعد از تاریخ ترازنامه در اختیار استفاده‌کنندگان قرار نگیرد، مفید بودن آن کاهش می‌یابد. به‌موقع بودن گزارش حسابرس بر قابلیت اطمینان اطلاعات حسابداری نیز تأثیر دارد. در نتیجه، هر چه فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ انتشار گزارش حسابرسی کوتاه‌تر باشد، ارزش اطلاعاتی آن بیشتر می‌شود (بدری و علیخانی، ۱۳۸۵). در این راستا، درک عوامل مؤثر بر تأخیر در گزارش حسابرسی مهم است، زیرا به‌طور مستقیم بر به‌موقع بودن گزارش‌های مالی به‌عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های کیفی صورت‌های مالی اثرگذار است (کارسلا و کاپلان، ۱۹۹۱).

به‌موقع نبودن، می‌تواند منجر به کاهش مربوط و مفید بودن اطلاعات مالی شود (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰). علاوه بر این، به‌موقع بودن گزارش‌های مالی شرکت‌ها عنصری ضروری برای بازار سرمایه با عملکرد خوب است (افیفی، ۲۰۰۹). سرمایه‌گذاران به

اطلاعات به موقع تهیه شده به وسیله حسابداران، اتکا می‌کنند. گزارشگری مالی به موقع، اطلاعات را قبل از این که ظرفیت خود را برای تأثیرگذاری بر تصمیمات تجاری از دست بدهند، در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهد. اتلاف وقت در انتشار صورت‌های مالی موجب عدم قطعیت در ارتباط با تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین، هر چه تأخیر در انتشار صورت‌های مالی بیشتر شود، عدم اطمینان مربوط به تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی، افزایش می‌یابد (اشتون و همکاران، ۱۹۸۷).

با توجه به حرکت به سمت خصوصی سازی شرکت‌های ایرانی در سال‌های اخیر، اطلاعات مالی منتشر شده از سوی شرکت‌های ایرانی نقش مهمی را در این راستا ایفا می‌کند (ستایش و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از مهمترین ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی به موقع بودن اطلاعات است. به موقع بودن، به در دسترس بودن اطلاعات در زمان مناسب دلالت دارد. در صورتی که اطلاعات در زمان مناسب در اختیار استفاده‌کنندگان قرار نگیرند، سودمندی خود را جهت اتخاذ تصمیم و قضاوت توسط استفاده‌کنندگان از دست می‌دهد (پیلی، ۲۰۰۷). اگرچه موضوع تأخیر در انتشار صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده موضوع مهمی است، اما پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است (کلاتورسی، ۲۰۱۰). بهنگام بودن اطلاعات، ویژگی پشتیبانی‌کننده‌ای برای مربوط بودن اطلاعات است (شرودر و همکاران، ۲۰۰۸). اطلاعاتی که در دوره‌های زمانی مشخص شده توسط بازار سرمایه، از طرف شرکت‌ها منتشر می‌گردد، مهمترین عامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است. بنابراین، از آنجایی که اطلاعات در صورتی مؤثر هستند که در زمان مناسب گزارش شوند، زمان گزارش اطلاعات مورد توجه بسیار است (یار محمدی، ۱۳۸۰).

چرخش حسابرس

فرایند چرخش حسابرسان یا موسسه‌های حسابرسی به معنای تغییر حسابرس یا موسسه حسابرسی پس از انجام چند دوره حسابرسی برای یک واحد رسیدگی است که بر اساس مقررات یا تصویب مجامع عمومی انجام می‌شود و در سال‌های اخیر، از راهبردهای مورد توصیه مراجع حرفه‌ای و بورس‌های اوراق بهادار اغلب کشورها، برای ارتقای استقلال حسابرسان مستقل و افزایش کیفیت خدمات حسابرسی بوده است (حساس یگانه و جعفری، ۱۳۸۹).

با جدایی مالکیت و مدیریت در شرکت‌های سهامی و شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و ذی‌نفعان بیرونی شرکت ایجاد شد. از آنجا که این تضاد منافع، ناقربینگی اطلاعات را به همراه دارد، به‌منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی، گزارش‌های تهیه شده توسط مدیریت باید توسط اشخاص مستقل و با صلاحیت حسابرسی شود. ارزش حسابرسی به کیفیت حسابرسی بستگی دارد و کیفیت حسابرسی نیز به صلاحیت و استقلال حسابرسان بستگی دارد. از سوی دیگر، حسابرسان مستقل به دلیل اعتبار بخشیدن به صورت‌های مالی منتشر شده توسط شرکت‌های سهامی عام و در نتیجه کاهش ریسک اطلاعات، نقش با ارزشی در بازار سرمایه ایفا می‌کنند. حرمت و ارزش نقش حسابرسی، بستگی زیادی به ماهیت شهادت‌دهی حسابرسان دارد. استدلال می‌شود که رابطه دراز مدت حسابرس و صاحب کار می‌تواند باعث عافیت‌طلبی، سهل‌انگاری و قصور حسابرس در انجام نقش شهادت‌دهی خود شود. ضعف استقلال حسابرس خود موضوع مهمی است که نگرانی زیادی به همراه دارد. یک راهکار پیشنهادی برای رفع این نگرانی چرخش حسابرسان است (آرل و همکاران، ۲۰۰۵). دوره تصدی طولانی باعث ایجاد یک سری روابط عاطفی می‌شود که تا حدی احساس وفاداری در حسابرسان نسبت به صاحبکار ایجاد می‌کند و استقلال آنها را به خطر می‌اندازد.

فاصله جغرافیایی مؤسسه حسابرسی / شرکت و مخارج حسابرسی

هدف حسابرسی، ایجاد اطمینان در مورد صورت‌های مالی است و جمع‌آوری اطلاعات و شواهد، مبنای اولیه قضاوت و اظهارنظر حسابرس است (پریرا، ۲۰۰۹). در این راستا، انجام فرآیند حسابرسی، مستلزم صرف وقت و شناخت از صاحبکار و فعالیت‌های او و همچنین استخدام نیروی کار حرفه‌ای، با صلاحیت و مجرب است که این موضوعات، با توجه به مسئولیت قانونی حسابرس و پیامدهای احتمالی در خصوص اظهارنظر او، مبنایی برای تعیین حق‌الزحمه حسابرس خواهد بود. بر این اساس، حق‌الزحمه حسابرسی می‌تواند از جمله موضوع‌های مورد بحث در مسائل حسابرسی باشد که بررسی ابعاد مختلف آن و تحلیل مسائل و متغیرهای اثرگذار بر آن می‌تواند در تبیین مسائل مرتبط با حسابرسی مفید واقع شود (هیتاش و همکاران، ۲۰۱۶). به عبارتی، مطالعه عوامل موثر بر حق‌الزحمه حسابرسی از جمله مسائل حائز اهمیت است که در برنامه‌ریزی، اجرای مناسب و با کیفیت کار حسابرسی موثر است که این امر نه تنها منجر به ناکامی در دستیابی به اهداف حسابرسی می‌شود، بلکه موجب کاهش اعتبار

فرایند حسابرسی در ابعاد کلان نیز خواهد شد. همچنین، این مساله مانع از تخصیص بهینه سرمایه در بازار اوراق بهادار و افزایش هزینه سرمایه و تأمین مالی برای شرکت‌ها نیز می‌شود.

نزدیکی شرکت‌ها و مؤسسه‌های حسابرسی از نظر جغرافیایی می‌تواند منجر به سطوح بالاتری از مبادلات اجتماعی بین حسابرس و مشتریان شود؛ به گونه‌ای که نزدیکی جغرافیایی باعث ایجاد اعتماد بیشتر بین حسابرسان و مدیران ارشد شرکت‌ها خواهد شد. بنابراین ارتباط و تسلط بیشتر به موضوع فعالیت شرکت، در شرایطی که بعد مسافت جغرافیایی بالا باشد، کمتر رخ می‌دهد و احتمال بالا بردن خطر حسابرسی را در پی خواهد داشت و منجر به آزمون‌های بیشتر و افزایش سطح رسیدگی توسط حسابرس می‌شود که به نوعی در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی مؤثر است. بنابراین، از این منظر هر چه فاصله مؤسسه حسابرسی با شرکت صاحبکار طولانی‌تر باشد، هزینه حسابرسی افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر، انتظار می‌رود بعد مسافت جغرافیایی بیشتر بین حسابرسان و شرکت‌ها، دفعات حضور کمتر حسابرسان و سطح رسیدگی بیشتر در حضور حسابرس را در پی داشته باشد که این موضوع تا حد زیادی باعث افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۶).

فاصله جغرافیایی مؤسسه حسابرسی / شرکت و به موقع بودن گزارش حسابرسی

اوسو در تحقیقی در سال ۲۰۰۰ به این نتیجه رسید، در حالی که سرمایه‌گذاران و قانون‌گذاران برای انتشار به موقع اطلاعات مالی حسابرسی شده ارزش قائل هستند، تغییرات اخیر در محیط نظارتی باعث شده است که مشکل ارائه بهنگام اطلاعات مالی حسابرسی شده، افزایش یابد. از آنجا که شناسایی عوامل موثر بر تأخیر گزارش حسابرسی یک موضوع مهم است، وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا که محصول سیستم گزارشگری جامع و مناسب است، از ارکان ارزیابی وضعیت و عملکرد یک شرکت و تصمیم‌گیری در رابطه با سرمایه‌گذاری در شرکت به حساب می‌آید. در هر رویداد اقتصادی، سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری نیازمند اطلاعات قابل اتکا هستند. انتشار به موقع گزارش‌های مالی، عامل کلیدی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود عملکرد بازار سرمایه است. تأخیرهای مرتبط با انتشار صورت‌های مالی، عدم اطمینان مرتبط با تصمیمات سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۴).

به موقع بودن اطلاعات، عامل مهمی در ارزیابی سودمندی گزارش‌های حسابرسی است و دغدغه بلندمدت ناظرین، سهامداران، تحلیلگران، مدیران و حساب‌رسان بوده است. پژوهش‌ها واکنش شدید بازار به گزارش‌های مالی حسابرسی شده که به موقع ارائه شده‌اند، را نشان می‌دهند (چمبرز و پنمن، ۱۹۸۴).

افزایش تعداد موسسات حسابرسی، تنوع موقعیت جغرافیایی موسسات و فاصله آنها از شرکت‌ها را رقم می‌زند. حساب‌رسان محلی، احتمالاً یک مزیت اطلاعاتی دارند که عدم تقارن اطلاعات بین حساب‌رسان محلی و شرکت را کاهش می‌دهند، زیرا آنها اطلاعات مربوط به شرکت را به آسانی نسبت به حساب‌رسان غیرمحلی به دست می‌آورند. علاوه بر این، حساب‌رسان محلی با شرکت ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند و اخبار خاص شرکت را از رسانه‌های محلی به دست می‌آورند، که این امر توانایی آنها در نظارت بر شرکت را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد (آگروالد و هاسوالد، ۲۰۱۰؛ چویی و همکاران، ۲۰۱۲؛ کنگ و کی، ۲۰۰۸؛ پترسن و راجان، ۲۰۰۲).

راحتی نسبی دسترسی به اطلاعات شرکت‌ها و برتری نسبت به شناخت محیط اقتصادی و نظارتی در منطقه و تأثیر آن بر شرکت، کارایی حساب‌رسان محلی را افزایش و در نتیجه تأخیرهای حسابرسی را کاهش می‌دهد. برعکس، نزدیکی جغرافیایی حساب‌رسان و شرکت ممکن است بهبود کارایی حسابرسی را با توجه به در دسترس بودن فناوری، استفاده از برنامه‌های حسابرسی استاندارد و شیوه معمول اشتراک دانش در شرکت‌های حسابرسی بهبود بخشد. علاوه بر این، در حالی که حساب‌رسان محلی کیفیت درآمدهای شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد، مشخص نیست که آیا به موقع بودن گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد یا خیر؟ بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که در تحقیقات پیشین توجه چندانی به مقوله نزدیکی حساب‌رسان و شرکت و تأثیر آن بر تأخیر گزارش حسابرسی نشده است (دانگ و همکاران، ۲۰۱۸).

بر اساس مطالب فوق در حوزه حسابداری، امور مالی و حسابرسی، انتظار می‌رود که فاصله جغرافیایی کوتاه‌تر بین حساب‌رسان و صاحبکار، باعث کاهش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی و ارائه به موقع صورت‌های مالی مشتری شود.

فاصله جغرافیایی مؤسسه حسابرسی / شرکت و چرخش حسابرِس

تقلب‌های رخ داده به وسیله دستکاری اطلاعات حسابداری در ابتدای قرن ۲۱ در گوشه و کنار دنیا و ورشکستگی شرکت‌هایی مانند انرون، ورلد کام و پارمالات، باعث شد تا در رابطه با کیفیت گزارش‌های مالی منتشره توسط شرکت‌ها و همچنین استقلال حسابرسان به عنوان افرادی که کیفیت این گزارش‌ها را گواهی می‌کنند، تردیدهای جدی مطرح شود و پرسش‌های اساسی در زمینه عوامل مؤثر بر استقلال حسابرِس، از جمله چرخش حسابرِس و صاحبکار بیان شود.

با توجه به جایگاه و نقش مؤسسه‌های حسابرسی در تصمیم‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران، با هدف اعتباربخشی به صورت‌های مالی، استقلال و کیفیت حسابرسی را به عنوان عوامل کلیدی در تهیه گزارش‌های حسابرسی قلمداد می‌کنند. در راستای افزایش کیفیت و حفظ استقلال حسابرِس، راهکارهای مختلفی از سوی مراجع حرفه‌ای و صاحب‌نظران در این حرفه ارائه شده است که یکی از این پیشنهادها، چرخش منظم مؤسسه‌های حسابرسی است. بنابراین، مطالعه ابعادی که بر چرخش این فرآیند اثرگذار است، مهم و قابل توجه است.

همچنین، بررسی مبانی نظری مطرح در حوزه حسابرسی و چرخش حسابرِس نشان‌دهنده این موضوع است که نزدیکی شرکت‌ها و مؤسسه‌های حسابرسی از نظر جغرافیایی، می‌تواند باعث ایجاد اعتماد بیشتر بین حسابرسان و مدیران ارشد شرکت‌ها شود و افزایش دانش و یادگیری شرکت‌ها را نیز در پی داشته باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۶).

با توجه به آنچه بیان شد، انتظار می‌رود که فاصله جغرافیایی کوتاه‌تر بین حسابرسان و شرکت‌ها، کاهش خطرات حسابرسی را در پی داشته باشد و تعامل بیشتر حسابرِس و صاحبکار را منجر شود.

مروری بر پژوهش‌های تجربی مرتبط با فاصله جغرافیایی بین مؤسسه حسابرسی و شرکت

زف (۲۰۱۸) در پژوهشی با بررسی عوامل مرتبط با حوالزحمه حسابرسی، نشان داد در سال‌های اخیر، موسسات حسابرسی بیشتر بر قیمت توجه می‌کنند و با توجه به قیمت، سطح رسیدگی‌هاست که تعیین‌کننده کیفیت حسابرسی است. او بیان کرد فاصله جغرافیایی بیشتر بین

حسابرس و شرکت، به نوعی افزایش دهنده ریسک حسابرسی بوده که در نهایت منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی خواهد شد.

دانگ و همکاران (۲۰۱۸)، در تحقیقی به بررسی تأثیر فاصله جغرافیایی مؤسسه حسابرسی و شرکت بر به موقع بودن گزارش‌های مالی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ در بورس اوراق بهادار آمریکا پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد، فاصله جغرافیایی بین مؤسسات حسابرسی و شرکت‌ها به میزان زیادی بر به موقع بودن گزارش حسابرسی و گزارشگری مالی تأثیر داشته است. همچنین آنها در این تحقیق نشان دادند، تأثیر فاصله جغرافیایی بر شرکت‌های کوچک بیشتر از شرکت‌های بزرگ است.

چن و همکاران (۲۰۱۶)، در تحقیق خود به بررسی اینکه آیا دوره تصدی حسابرس و نزدیکی جغرافیایی حسابرس به صاحبکار با نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی ارتباط دارد یا خیر؟ پرداختند. در این تحقیق با استفاده از ۲۴۲۱۷ مشاهده برای دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲، نشان داده شد که شرکت‌هایی که دوره تصدی حسابرس طولانی‌تر و نزدیکی جغرافیایی حسابرسان کمتر باشد، نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی در آنها کمتر است. علاوه بر این، ارتباط مثبتی بین فاصله جغرافیایی حسابرس و صاحبکار با دوره طولانی تصدی حسابرس و با نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی را نشان دادند.

لوپز و ریچ (۲۰۱۶)، در تحقیقی به بررسی تأثیر فاصله جغرافیایی بر گزارش کنترل داخلی پرداخته‌اند. آنها بیان کرده‌اند که تحقیقات قبلی، عوامل مختلف موثر بر عملکرد حسابرس هنگام بررسی سیستم کنترل داخلی یک شرکت را بررسی کرده‌اند. با این حال، یکی از عوامل که نسبتاً ناشناخته باقی مانده است، فاصله جغرافیایی بین حسابرسان و صاحبکاران آنها است. بنابراین، در این پژوهش، آنها به بررسی فاصله جغرافیایی بین مؤسسه حسابرسی و شرکت و نقش آن در احتمال وقوع و شدت ضعف کنترل داخلی در طول حسابرسی پرداختند. در این پژوهش، شواهدی از ارتباط مثبت بین افشای کنترل داخلی و فاصله نشان داده شده است و همچنین تأیید شده است که دقت حسابرسی برای صاحبکار با فاصله جغرافیایی دورتر، بیشتر است.

دروپچه و همکاران (۲۰۱۶)، به بررسی تأثیر فاصله جغرافیایی شرکت‌ها و سطح افشای داوطلبانه آنها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار فرانسه در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش فاصله جغرافیایی شرکت‌ها از شهر

پاریس، هزینه‌های نظارت سهامداران بر مدیران شرکت و سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها، جلب اعتماد سهامداران و سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد.

چوی و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان نزدیکی جغرافیایی بین حسابرس و مشتری: چگونه بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد؟ نشان می‌دهند که شرکت‌ها گزارش‌های کمتری در مورد اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت اقلام تعهدی هنگام استفاده از یک حسابرس خارجی محلی ارائه می‌دهند. آنها بیان کردند که نزدیکی جغرافیایی، حسابرس را با مزایای اطلاعاتی بیشتری مواجه می‌نماید که نظارت مؤثرتری را بر مدیران فراهم می‌کند. این موضوع به دلیل بازار رسانه‌های مشترک، افزایش آگاهی از شرایط کسب و کار محلی، شبکه‌های اجتماعی رایج و یا دسترسی آسان‌تر به کارکنان شرکت است. با توجه به فقدان چنین مزایای اطلاعاتی در صورت وجود فاصله جغرافیایی، کیفیت حسابرسی بیشتر برای شرکت‌هایی خواهد بود که فاصله جغرافیایی کمتری دارند. با این حال، فاصله جغرافیایی هزینه‌های اضافی را برای حسابرسان ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

ویژگی مربوط بودن اطلاعات مالی مبتنی بر مفاهیمی مانند به‌موقع بودن، سودمندی در ارزیابی و سودمندی در پیش‌بینی است. زمان ارائه اطلاعات، سودمندی اطلاعات ارائه شده را تعیین می‌کند و افشای به‌موقع اطلاعات مربوط، مانع از بی‌خبری از وقایع مهمی می‌شود که ممکن است چشم‌انداز آتی واحد تجاری را کاملاً تغییر دهد. بر اساس قوانین و مقررات بازار سرمایه ایران، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ملزم هستند صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده شرکت اصلی و تلفیقی گروه را حداقل ۱۰ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی عادی و حداکثر ۴ ماه پس از پایان سال مالی افشا کنند. بنابراین، هر چقدر زمان اعلام صورت‌های مالی حسابرسی شده یا تأخیر حسابرسی کمتر باشد، ویژگی به‌موقع بودن اطلاعات بهتر رعایت خواهد گردید (بیات و علی احمدی، ۱۳۹۳).

تعیین عوامل موثر بر هزینه حسابرسی به صاحبکار نیز کمک می‌کند تا منافع این خدمت را بهتر درک کند و بدانند این هزینه را به خاطر چه چیزی متحمل می‌شود. بدیهی است آگاهی از این مساله، موجب تسریع و تسهیل کار حسابرسی شده و به دلیل مشارکت صاحبکار، حسابرسی

با کیفیت بالاتری انجام خواهد گرفت. بنابراین با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابرسی و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حسابرسی، پیدا کردن روشی اثر بخش برای کنترل کیفیت حسابرسی، امری ضروری است. حق الزحمه حسابرسی در برنامه ریزی و اجرای مناسب و با کیفیت کار حسابرسی مالی موثر است و یکی از مهم ترین جنبه‌های کنترل و مدیریت کیفیت حسابرسی می‌باشد.

حسابرسان مستقل به دلیل ارائه خدمات حسابرسی، نقش مهمی را جهت حفظ منافع عمومی در بازارهای سرمایه ایفا می‌کنند. گزارش‌های حسابرسی یکی از مواردی است که به عنوان راهنمای سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری استفاده می‌شود و کیفیت پایین این گزارش‌ها می‌تواند به تخصیص اشتباه منابع در جامعه منجر شود. ایفای نقش حافظ منافع جامعه، مستلزم این است که حسابرس در مقابل صاحبکار خود مستقل باقی بماند. در حقیقت کیفیت و اعتبار گزارش حسابرسی به میزان استقلال حسابرس از صاحبکار خود بستگی دارد، اما در عمل نفوذ مدیریت شرکت مورد رسیدگی بر مسائل مربوط به انتخاب و ارائه اطلاعات به حسابرس، به همراه انگیزه‌های بالای مدیریت برای دستیابی به اهداف تعیین شده یا عبور از آنها، موانع مهمی بر سر راه مستقل باقی ماندن، ثبات و چرخش حسابرسان محسوب می‌شود. با این حال، بسیاری از پژوهش‌های تجربی انجام شده نشان داده‌اند که به‌طور معمول حسابرسان مستقل قادر به کشف اشتباهات و تخلفات در سیستم مالی شرکت مورد رسیدگی هستند (چن و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۶).

با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله می‌توان بیان نمود که کاهش فاصله بین موسسه حسابرسی با شرکت می‌تواند منجر به ارتباط، صمیمیت و اعتماد بیشتر شود و همچنین این موضوع می‌تواند منجر به افزایش دانش و یادگیری حسابرسان از شرکت‌ها را نیز در بر داشته باشد. در نتیجه هر چه فاصله جغرافیایی موسسه حسابرسی با شرکت بیشتر شود، احتمال ارتباط، اعتماد و یادگیری بیشتر نسبت به شرکت کمتر می‌شود. بنابراین احتمال بالا بردن خطر حسابرسی را در پی خواهد داشت و منجر به آزمون‌های بیشتر حسابرسان برای اطمینان و گسترش سطح رسیدگی می‌شود که به نوعی در تعیین حق الزحمه حسابرسی مؤثر می‌باشد. همچنین این اعتماد، ارتباط و دانش و یادگیری بیشتر موسسه حسابرسی نسبت به شرکت که به واسطه کاهش مسافت جغرافیایی بین موسسه حسابرسی و شرکت ایجاد می‌شود، می‌تواند منجر به کاهش چرخش حسابرسان شود.

همچنین با کاهش فاصله جغرافیایی بین موسسه حسابرسی و شرکت، حسابرس‌ها راحت‌تر و سریع‌تر به اطلاعات دست می‌یابند و تسلط بیشتر نسبت به محیط اقتصادی و نظارتی شرکت خواهند داشت که منجر به افزایش کیفیت و کارایی حسابرسی می‌شود و در نتیجه گزارش‌های حسابرسی با تاخیر کمتر و به موقع‌تر ارائه می‌گردند.

منابع

- Abidin, S. , & Ahmad-Zaluki, N. A. (2012). Auditor industry specialism and reporting timeliness. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 65, 873-878.
- Afify, H. A. E. (2009). Determinants of audit report lag. *Journal of Applied Accounting Research*.
- Agarwal, S. , & Hauswald, R. (2010). Distance and private information in lending. *The Review of Financial Studies*, 23 (7) , 2757-2788.
- Ali, C. B. , & Lesage, C. (2013). Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France. *China journal of accounting Research*, 6 (1) , 21-34.
- Arel, B. , Brody, R. G. , & Pany, K. (2005). Audit firm rotation and audit quality. *The CPA Journal*, 75 (1) , 36.
- Ashton, R. H. , Willingham, J. J. , & Elliott, R. K. (1987). An empirical analysis of audit delay. *Journal of accounting research*, 275-292.
- Badri, A. (2006). Factors Affecting the Delay in the Release of Audit Reports. *Message Manager*, 21, 83 - 118. (in Persian).
- Bayat, A. , Ali Ahmadi, S. (2014). Delayed Audit and Timeliness of Financial Reporting. *Financial Accounting and Audit Research*, 6 (22) , 97 - 123. (in Persian).
- Bronson, S. N. , Hogan, C. E. , Johnson, M. F. , & Ramesh, K. (2011). The unintended consequences of PCAOB auditing Standard Nos. 2 and 3 on the reliability of preliminary earnings releases. *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1-2) , 95-114.
- Cameran, M. , Prencipe, A. , & Trombetta, M. (2009). Auditor tenure and auditor change: does mandatory auditor rotation really improve audit quality?. In *American Accounting Association 2009 Annual Congress: Accounting at a tipping point*. AAA (American Accounting Association).
- Carslaw, C. A. , & Kaplan, S. E. (1991). An examination of audit delay: Further evidence from New Zealand. *Accounting and business research*, 22 (85) , 21-32.
- Chambers, A. E. , & Penman, S. H. (1984). Timeliness of reporting and the stock price reaction to earnings announcements. *Journal of accounting research*, 21-47.
- Chen, Y. , Gul, F. A. , Truong, C. , & Veeraraghavan, M. (2016). Auditor client specific knowledge and internal control weakness: Some evidence on the role of auditor tenure and geographic distance. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 12 (2) , 121-140.

- Choi, J. H. , Kim, J. B. , Qiu, A. A. , & Zang, Y. (2012). Geographic proximity between auditor and client: How does it impact audit quality?. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31 (2) , 43-72.
- Clatworthy, M. A. , & Peel, M. J. (2010). Does corporate governance influence the timeliness of financial reporting? Evidence from UK private companies. In *HEC Accounting And Management Control Department Research Seminar*.
- Derouiche, I. , Jaafar, K. , & Zemzem, A. (2016). Firm geographic location and voluntary disclosure. *Journal of Multinational Financial Management*, 37, 29-47.
- Dong, B. , & Robinson, D. (2018). Auditor-client geographic proximity and audit report timeliness. *Advances in Accounting*, 40, 11-19.
- Gist, W. E. (1992). Explaining variability in external audit fees. *Accounting and Business Research*, 23 (89) , 79-84.
- Hasas Yeganeh Y. , Valileh J. (2010). Investigating the Effect of Audit Institutions on the Audit Report Quality of Accepted Companies in Tehran Stock Exchange. *Tehran Stock Exchange*, 19 (3) , 42 - 58. (in Persian).
- Hoitash, R. , Markelevich, A. , & Barragato, C. A. (2007). Auditor fees and audit quality. *Managerial Auditing Journal*.
- Jensen, K. , Kim, J. M. , & Yi, H. (2015). The geography of US auditors: information quality and monitoring costs by local versus non-local auditors. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 44 (3) , 513-549.
- Krishnan, J. , & Yang, J. S. (2009). Recent trends in audit report and earnings announcement lags. *Accounting Horizons*, 23 (3) , 265-288.
- López, D. M. , & Rich, K. T. (2017). Geographic distance and municipal internal control reporting. *Advances in accounting*, 36, 40-49.
- Nikbakht, M R. , Tonani, M. (2010). Examining Factors Affecting Financial Audit Audit Fees. *Financial Accounting Research*, 2 (2) , 111 - 132. (in Persian).
- Pereira, A. N. (2009). corporate governance and quality of Accounting Information: The Relation of content and logit betwing fiscal board and independent auditor opinion in brazilian companies listed at BOVESPA (2006). Available at SSRN 1415522.
- Petersen, M. A. , & Rajan, R. G. (2002). Does distance still matter? The information revolution in small business lending. *The journal of Finance*, 57 (6) , 2533-2570.
- Pili, A. (2007). The adoption of a Comprehensive Income Statement in Italy: has the time of a new disclosure come?. Available at SSRN 956905.
- Pourheidari, O. , Burhani Nejad, S. , Mohammad Reza Khan, V. (2015). Investigating the Effect of Audit Quality on the Timeliness of the Audit Report in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Audit Knowledge*, 14 (58) , 85-104. (in Persian).
- Pourheidari, O. , Koupaie Haji, M. (2010). The prediction of the corporate crisis by using a linear separation function model. *Journal of Financial Accounting Research*, 2 (3) , 33 - 46. (in Persian).
- Rajabi, R. (2004). Factors Affecting the Professional Power of Independent Audit. PhD thesis, Allameh Tabatabaee University, Faculty of Management and Accounting. (in Persian).

- Rajabi, R. , Mohammadi Khoshui, H. (2008) , Representative and pricing fees for independent auditor services. *Journal of Accounting and Auditing*, 15 (52) , 35-52. (in Persian).
- Schroeder, R. G. , Clark, M. W. , & Cathey, J. M. (2019). *Financial accounting theory and analysis: text and cases*. John Wiley & Sons.
- Setayesh, M. , Zolfaghari, M. (2013). Investigating the Effect of Disclosure Quality on Stock Liquidity and Cost of Capital of the Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Quarterly journal of financial accounting research*. 3, 55-74. (in Persian).
- Stanley, J. D. (2011). Is the audit fee disclosure a leading indicator of clients' business risk?. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30 (3) , 157-179.
- Yarmohammadi, A. (2001). *Investigating the Factors Affecting Timely Interim Reporting in Companies Acquired in Tehran Stock Exchange*, Tarbiat Modares University, Master's Degree in Accounting. (in Persian).
- Zeff, L. (2018). Can Big 4 versus Non-Big 4 Differences in Audit-Quality Proxies Be Attributed to Client Characteristics? *The Accounting Review*. 86 (1) , 25-39
- Zmijewski, M. E. (1984). Methodological issues related to the estimation of financial distress prediction models. *Journal of Accounting research*, 59-82.

حسابداری ناب در سازمان ناب (گذر از رویکرد مبتنی بر هزینه به رویکرد مبتنی بر ارزش)

رحیم بنابی قدیم^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۱

چکیده

مسئولیت و وظیفه‌ی گزارشگری در محیط ناب، بر عهده حسابداری ناب است که ریشه در تفکر ناب (ریشه‌کن کردن اتلاف و ارزش‌آفرینی در سازمان) دارد. هدف این مقاله، بررسی اهمیت حسابداری ناب و خصوصیات سازمان ناب است. همچنین، تحت این مقاله، حسابداری ناب با انواع سیستم‌های هزینه‌یابی شامل هزینه‌یابی سنتی، هزینه‌یابی جریان ارزش^۱، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت و هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا مقایسه شده است. نتایج این مقایسه بر مبنای پژوهش‌های انجام شده، نشان می‌دهد حسابداری ناب ابزاری در راستای رفع نواقص سیستم حسابداری و هزینه‌یابی سنتی است و می‌تواند یک دگرگونی و تغییر، از روش مبتنی بر هزینه به روش مبتنی بر ارزش برای حسابداری مدیریت، باشد. علاوه بر آن، شرکتی که از بهترین رویه‌ها در تمامی زمینه‌های کارکردی استفاده کرده است و در چهار بخش متفاوت شامل توسعه‌ی ناب، تامین و خرید ناب، تولید ناب و توزیع و تحویل ناب، شاهد پایداری است، یک سازمان ناب تلقی شده و پایداری و عملکرد بهتری را نسبت به هم‌تایان خود در صنعت تجربه خواهد نمود.

واژه‌های کلیدی: حسابداری ناب، هزینه‌یابی جریان ارزش، سازمان ناب، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا.

طبقه‌بندی موضوعی: D24, E23, L15, M4.

مقدمه

موفقیت مدیران، بستگی به توانایی آنها در واکنش مناسب و پذیرش و کنترل تغییرات نوظهور در دنیای کسب و کار دارد و شرکت‌ها برای ماندن در صحنه رقابت، لازم است روش‌های جدیدی از کاهش هزینه و افزایش کیفیت محصولات را مورد توجه قرار دهند. به عبارتی، مدیریت تغییرات، نیازمند بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای قدرتمند است که تفکر ناب یکی از روش‌های بالقوه برای بهبود عملکرد سازمانی است. حسابداری ناب واژه‌ی عمومی برای تغییرات مورد نیاز در فرایندهای حسابداری کنترل، اندازه‌گیری و مدیریتی است که از تولید و تفکر ناب حمایت می‌کند.

مفهوم بنیادین تفکر ناب، در ریشه‌کن کردن اتلاف و ایجاد ارزش در سازمان‌ها نهفته است. منظور از اتلاف، اجرای فعالیت‌هایی است که دارای ارزش افزوده نیستند و تفکر ناب نگرشی برای افزایش بهره‌وری، ارزش‌آفرینی مستمر و حداقل کردن هزینه‌ها و اتلاف، در شرکت است (آرورا، ۲۰۱۶). در حال حاضر، سیستم‌های تولید به سمت ناب شدن، یعنی کوچک، چابک و به‌موقع شدن، رفته‌اند. تفکر و روش‌های ناب در یک شرکت تولیدی، به فرهنگ تغییر در کل سازمان نیاز دارد. بیشتر شرکت‌هایی که به تولید ناب روی آورده‌اند، متوجه شدند که فرایندهای حسابداری و روش‌های مدیریت آنها در تضاد با تغییرات نابی است که در حال وجود آمدن، است. دلیل این موضوع آن است که حسابداری سنتی و روش‌های مدیریتی که برای حمایت از تولید سنتی طراحی شده‌اند، بر پایه تفکر تولید انبوه هستند (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۷).

مبانی نظری

تفکر ناب^۲

زادگاه تولید ناب، شرکت تویوتا در ژاپن است. در دهه ۱۹۳۰ مدیران شرکت تویوتا در بازدید از شرکت اتومبیل‌سازی فورد، به این نتیجه رسیدند که اصول تولید انبوه قابلیت پیاده‌سازی در ژاپن را ندارد، زیرا این سیستم بر از اتلاف^۳ منابع و انجام فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده است. بر این اساس، آنان شیوه جدیدی را که بعدها تولید ناب نام گرفت، ایجاد کردند (لوهانا، ۲۰۱۳). انجمن ملی استاندارد و فناوری در وزارت بازرگانی آمریکا، تولید ناب را راه حلی نظام مند برای شناسایی و از بین بردن اتلاف‌ها، از طریق بهبود مستمر و تولید به‌هنگام

محصول و متناسب با نیاز مشتری، تعریف کرده است. این تولید ناب نامیده می‌شود، زیرا در مقایسه با تولید انبوه همه چیز را به میزان کمتر مورد استفاده قرار می‌دهد. اصول تولید ناب اهداف نامحدودی مانند نزول پیوسته قیمت تمام شده، به صفر رساندن ضایعات و تنوع بی‌پایان محصولات را برای سیستم در نظر می‌گیرد. از ویژگی‌های چنین سیستمی کاهش زمان تولید، کارایی بهتر کارکنان، کیفیت بیشتر، عمر بیشتر ماشین آلات و کاهش در سطح موجودی و هزینه‌های غیرمستقیم تولید است (استاجانویچ و رادوجویچ، ۲۰۰۶). در این راستا حسابداری ناب^۴، به‌عنوان یک نظام اطلاعاتی تلقی می‌شود که مسئولیت و وظیفه‌ی گزارشگری را در محیط ناب برعهده دارد. حسابداری ناب، واژه‌ای عمومی است که برای تغییرات مورد نیاز در فرایندهای حسابداری، کنترل، اندازه‌گیری شرکت، برای حمایت تولید و تفکر ناب مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین، هدف حسابداری ناب خلق ارزش از طریق افزایش پس‌اندازها و کاهش هزینه‌ها در سازمان است (کوتر، ۲۰۰۷). در حسابداری ناب، گزارشگری هزینه‌ها و سودآوری توسط یکی از ابزارهای حسابداری ناب تحت عنوان هزینه‌یابی مستقیم جریان ارزش صورت می‌گیرد. هزینه‌یابی جریان ارزش، فرایند تخصیص هزینه‌های واقعی یک شرکت به جریان‌های خلق ارزش، بجای محصولات، خدمات و سازمان‌ها است. هزینه‌های سربار نه براساس زمان تولید نیروی کار، بلکه به کل جریان ارزش ارتباط داده می‌شود. حداکثر سوددهی با ایجاد حداکثر جریان محصول از طریق ایجاد جریان ارزش و با جذب مشتری، حاصل می‌شود. مدیران جریان ارزش علاقه‌مند به نرخ جریان در طول جریان ارزش در مقایسه با بهره‌گیری از منابع، کارایی نیروی انسانی و یا تخصیص‌های سربار هستند (وفا و هنفی، ۲۰۱۳). هزینه‌یابی جریان ارزش تامین‌کننده‌ی نیازهای سازمان‌های ناب و یکی از عوامل مهم در حسابداری سازمان‌های ناب هستند. در این روش هزینه‌یابی، تمایزی بین هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم گذاشته نمی‌شود و همه هزینه‌ها در جریان ارزش، مستقیم تلقی می‌شوند؛ هزینه‌ها به طور هفتگی کنترل می‌شوند؛ تخصیص سربار اندکی صورت می‌گیرد و یا حتی هیچ تخصیص سرباری انجام نمی‌شود. این روش هزینه‌یابی، اطلاعات مالی را فراهم می‌کند که به آسانی توسط هر فردی در جریان ارزش درک می‌شود و منجر به تصمیم‌گیری‌های مناسب، ایجاد انگیزه برای بهبود ناب در تمام جریان ارزش و پاسخگویی شفاف برای هزینه‌ها و سودآوری می‌شود (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۷). بنابراین، واژه تولید ناب، مدیریت ناب و حسابداری ناب، به سیستم کامل کسب و کار برای سازماندهی و مدیریت توسعه‌ی محصولات، عملیات، روابط مشتریان،

تامین کنندگان و کل سازمان، اشاره دارد که نیازمند سرمایه، مواد اولیه، فضا، زمان یا تلاش‌های انسانی کمتر برای تولید محصولات یا ارائه خدمات با نواقص کمتری نسبت به مطلوبیت مورد انتظار مشتری در مقایسه با مدیریت سنتی است (آرورا، ۲۰۱۶). اجرای حسابداری ناب نیازمند بکارگیری ابزارها و تکنیک‌های ارزش آفرین در قالب اصول، رویه‌ها و ابزارهای تولید و تفکر ناب است. همچنین، برای اجرای آن بکارگیری الزامات حسابداری و هزینه‌یابی برای توسعه و معرفی محصولات جدید، تولید ناب و گسترش جریان ارزش ناب، ضروری است. الزامات حسابداری و هزینه‌یابی برای الف) معرفی محصول جدید ناب شامل: هزینه‌یابی چرخه‌عمر^۵ و هزینه‌یابی هدف، ب) برای تولید ناب شامل: هزینه‌یابی محصول و تخصیص سربار که خود (۱) تخصیص سربار شامل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت^۶، هزینه‌یابی محصول در محیط یاخته‌ای، هزینه‌یابی مبتنی بر زمان و هزینه‌یابی جریان ارزش است؛ (۲) کنترل عملیاتی شامل شاخص‌های عملکرد غیرمالی، نگاره امتیازات جریان ارزش^۷، حسابداری عملکرد^۸ و بک فلش^۹ است. در نهایت (۳) هزینه‌یابی برای بهبود مستمر شامل هزینه‌یابی کایزن، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت و کاهش هزینه، هزینه اتلاف و نمایه‌های اتلاف^{۱۰}، هزینه‌ی کیفیت و کاهش موجودی است. ج) گسترش جریان ارزش ناب نیز شامل: هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت برای زنجیره‌ی تامین داخلی، هزینه‌یابی هدف زنجیره تامین، هزینه‌یابی کایزن زنجیره تامین و هزینه کل مالکیت^{۱۱} است (وارد و گرویس، ۲۰۰۴).

عوامل موثر بر تفکر ناب

کرات و همکاران (۲۰۰۳)، عوامل موثر بر تفکر ناب را تغییر استراتژی به استراتژی کل‌نگر، اثرات فرهنگ سازمانی، تمرکز بر محصول، تعهدات مدیریت ارشد و زمان‌بندی بهبود عملکرد، می‌دانند. پیوز و همکاران (۲۰۰۶)، عواملی مانند تامین مالی، رهبری، فرهنگ سازمانی، مهارت‌ها و تخصص‌ها را بر تفکر ناب موثر می‌دانند. کوتر (۲۰۰۷)، عواملی مانند اقدام استراتژیک مدیران در تعریف و ابلاغ حالت تغییر، تمایل به یادگیری، آمادگی فرهنگی، روابط شبکه‌ای متوازن، اشتراک‌گذاری دانش، مدیریت فرایند و رویه‌های مدیریت جدید را موثر بر تفکر ناب معرفی می‌کند. سزبک و همکاران (۲۰۰۸)، ابلاغ تصویری از خلاقیت جدید در تمامی سطوح، ضرورت تغییر در فرهنگ سازمانی، پیروی از رویه‌ها و اصول جدید را عوامل موثر بر تفکر ناب تعریف می‌کنند. در نهایت مفورد (۲۰۰۹)، نیز اعتقاد به مفهوم ناب، ابلاغ مدیران برای اجرای

ناب، شمولیت کل سازمان، کارکنان و منابع، صبر و دید بلندمدت از منابع را عوامل موثر بر تفکر ناب بیان می‌کند. با بررسی تحقیقات انجام شده، عوامل مشترک و موثر بر تفکر ناب را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود.

۱. تعهدات مدیریت ارشد و ابلاغ برنامه‌ها،
۲. تغییرات در فرهنگ سازمانی،
۳. دخالت کارکنان،
۴. روابط شبکه‌ای،
۵. استراتژی کل نگر و
۶. تمایل به یادگیری (والنتینو، ۲۰۱۰).

مزایای حسابداری ناب

حسابداری ناب، خود نیز ناب است و از ابزارهای ناب برای حذف اتلاف از فرایندهای حسابداری با حفظ کنترل‌های مالی استفاده می‌کند. بطور کامل با اصول پذیرفته شده حسابداری^{۱۲}، مقررات گزارشگری برون سازمانی و الزامات گزارشگری درون سازمانی مطابقت دارد. حمایت‌کننده فرهنگ ناب، به وسیله انگیزش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، فراهم‌کننده اطلاعات مربوط و قابل رسیدگی است و سبب تقویت بهبود مستمر در هر سطح از سازمان می‌شود. حسابداری ناب، مطابقت‌دهنده اهداف فرهنگی سازمان ناب است. اطلاعات ساده و به موقع سبب انگیزش افراد در تمامی سطوح سازمان می‌شود. تحت حسابداری ناب، اطلاعات ارزشیابی مالی و عملکرد جریان‌های ارزش سازماندهی می‌شود و به اصول ناب مدیریت جریان‌های نقدی، اعتبار می‌بخشد. تأکید بر ارزش مشتری از اصول تفکر ناب است. روشی که شرکت بدان وسیله کسب و کار خود را ارزشیابی می‌کند، ریشه در فرهنگ سازمانی آن دارد و حسابداری ناب نقش مهمی در توسعه فرهنگ سازمانی بر عهده دارد (چوپرا، ۲۰۱۳).

حسابداری ناب با استفاده از حسابداری جریان ارزش، مزایای زیر را به دنبال خواهد داشت.

- اندازه‌گیری‌ها سبب حذف اتلاف‌ها، آزادسازی ظرفیت جریان ارزش و افزایش درآمد به وسیله ارائه خدمات بهتر به مشتریان، بدون هزینه اضافی می‌شوند.
- اندازه‌گیری‌های متمرکز بر جریان سریعتر، سبب کاهش زمان انتظار، بهبود کیفیت، توزیع و تحویل به موقع، انعطاف‌پذیری، کاهش هزینه و افزایش سود می‌شوند.
- اندازه‌گیری جریان ارزش سبب ارائه دید شفاف از چگونگی و مقدار ارزش ایجاد شده برای مشتری می‌شود. به عبارتی، اندازه‌گیری‌ها، محرک اهداف استراتژیک و بهبود مستمر ناب هستند.
- اطلاعات به موقع، بصری و معنی‌دار، این امکان را فراهم می‌سازند که افراد بتوانند تصمیمات آگاهانه‌ای اتخاذ نمایند؛ فرایندهای خود را که به حذف اتلاف‌ها، افزایش جریان‌ها و رشد درآمد و سود منجر می‌شود، کنترل نمایند.
- اندازه‌گیری‌های صحیح ناب، محرک تفکر و رویه ناب هستند.
- اندازه‌گیری ساده، افراد را قادر می‌سازد که کار خود را کنترل و بهبود بخشند.
- کنترل فرایند و شناسایی مسئله منجر به فهم و بهبود مستمر جریان ارزش می‌شود.
- افراد درون سازمانی و محلی، به‌طور فعال با اندازه‌گیری‌ها و ارزشیابی‌های خود درگیر هستند.
- و در نهایت، وقتی که ارزشیابی‌ها تنبیهی نیستند، سبب بهبود ناب، ایجاد ارزش مشتری و افزایش سود می‌شوند (آرورا، ۲۰۱۶).

محدودیت‌های حسابداری ناب

محدودیت جدی حسابداری ناب ناشی از عدم کفایت سیستم‌های حسابداری سنتی برای پشتیبانی از تفکر ناب است. سیستم‌های حسابداری سنتی، به‌ویژه آنهایی که از هزینه‌یابی استاندارد، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت یا دیگر روش‌های هزینه‌یابی جذبی کامل استفاده می‌کنند، برای پشتیبانی روش‌های مدیریت سنتی، طراحی شده‌اند. سیستم‌های حسابداری سنتی، به‌طور اساسی نگاه به گذشته دارند و قادر به انعکاس درست بهبودهای انجام شده از طریق ناب نیستند.

بنابراین، اطلاعات ارائه شده به وسیله مدیریت هزینه سنتی، نامربوط بوده و برای کسب و کار زیان آور هستند. سه ایراد اساسی به سیستم‌های حسابداری سنتی شامل (۱) اطلاعات نامربوط و ناقص برای کسب و کار، (۲) هزینه نگهداری زیاد و (۳) انحراف توجه حسابداران از موضوعات بسیار مهم، است (هانید و همکاران، ۲۰۱۰). وقتی که شرکت به سمت تفکر ناب حرکت می‌کند، بسیاری از اصول و مبانی سیستم مدیریتی آن تغییر کرده و حسابداری سنتی و روش‌های کنترل ارزشیابی آن مناسب و مفید نخواهند بود. به عبارتی، سیستم‌های حسابداری سنتی دارای فرایندهای زیاد و پیچیده‌ای هستند که نیازمند مقادیر زیادی از کارهای بدون ارزش هستند. این نوع از سیستم، ارزشیابی و گزارش‌هایی را فراهم می‌کند که موجب ایجاد انگیزه برای تولید انبوه و افزایش سطح موجودی کالا در شرکت، می‌شوند. چنین ارزشیابی، برای شرکت‌هایی که تولید ناب در آنها فراگیر شده است، مناسب نیست. سیستم‌های حسابداری سنتی هیچ روشی برای مطالعه و بررسی اثرات مالی بهبود ناب که در شرکت رخ می‌دهد، ندارند و گزارش‌های مالی غالباً در مواقعی که تغییرات ناب، بخوبی در حال پیاپی‌سازی در شرکت هستند، نتایج را منفی نشان می‌دهند. گزارش‌های حسابداری سنتی از واژگان و روش‌های تکنیکی مانند جذب سربار، حاشیه ناویژه و غیره استفاده می‌کنند، در حالی که در تفکر ناب، شرکت به دنبال گزارشگری واضح و قابل فهم است که هر فردی بتواند به راحتی از این گزارش‌ها برای بهبود تصمیم‌گیری استفاده نماید (چوپرا، ۲۰۱۳).

پژوهش‌های مرتبط با تفکر، تولید و حسابداری ناب

پویا و سلطانی (۱۳۹۴) در راستای تدوین مدلی جهت ارزیابی تولید ناب در صنایع کوچک و متوسط و با استفاده از ترکیب روش‌های تحلیل عاملی تأییدی و خوشه‌بندی به این نتیجه رسیدند که صنایعی که توجه بیشتری به تولید به موقع، تأمین کنندگان و مشتریان دارند، عملکرد بالاتری نیز در تولید ناب دارند. به عبارتی، شرکت‌های تولید ناب که سیستم هزینه‌یابی مدیریتی مبتنی بر جریان ارزش را به کار می‌برند، تمرکز سیستمی بر رشد مداوم و حذف ضایعات بوسیله فرآیند حسابداری ساده‌تر و تحت سیستم حسابداری استراتژیکتری را دارا هستند (خدای پور و همکاران، ۱۳۹۳).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد اغلب سازمان‌هایی که رویکرد تولید ناب را برگزیده‌اند، دیری نمی‌پایند که در می‌یابند فرایندها و روش‌های حسابداری مدیریت آنها با سیستم جدید هماهنگ نیست. علت این امر آن است که روش‌های مدیریت و حسابداری سنتی برای پشتیبانی از سیستم تولید سنتی مبتنی بر تفکر تولید انبوه و نه تولید ناب، طراحی شده است (رضایی دولت آبادی و مهرآذین، ۱۳۹۲).

محمدی زارچی و بابایی خلیلی (۱۳۹۱) با بررسی ارتباط فلسفه تولید ناب با حسابداری مدیریت، نشان دادند رشد روزافزون تکنولوژی در قرن بیستم و به دنبال آن در قرن بیست و یکم، جهان شاهد دو نوع جهش یا گونه‌ای انقلاب صنعتی است. اولین انقلاب باعث ظهور تولید انبوه و پایان عصر تولید دستی و انقلاب بعدی باعث ظهور تولید ناب و پایان عصر تولید انبوه شده است. در این روش تلاش می‌شود اتلاف به حداقل برسد و بهره‌وری از تسهیلات، منابع انسانی و سرمایه حداکثر شود.

الموساوی و همکاران (۲۰۱۹) با بررسی تأثیر اطلاعات حسابداری ناب بر عملکرد مالی صنایع پزشکی، نشان دادند که بکارگیری هزینه‌یابی جریان ارزش، برای مدیران در تفکیک فعالیت‌های دارای ارزش افزوده و فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده مفید است و سبب حذف هرگونه اتلاف و حفظ منابع موجود برای کاربرد اثربخش آنها می‌شود. در نتیجه با بکارگیری اطلاعات حسابداری ناب، می‌توان کیفیت اطلاعات و عملکرد شرکت را بهبود بخشید.

ویلامسن و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی نحوه کاربرد تفکر ناب برای مدیریت ریسک در توسعه محصولات، نشان دادند که تفکر ناب، سبب تسهیل، تأکید بر ارزش و یکپارچه‌سازی کاربرد مدیریت ریسک به عنوان بخشی از توسعه محصولات می‌شود.

کالدرا و همکاران (۲۰۱۷) نیز بیان کردند که مدیران صنایع با بکارگیری سیستمی مانند تفکر ناب می‌توانند عملکرد سازمانی خود را از طریق رویه‌های تجاری یکپارچه و توأم با پایداری، متحول نمایند.

جادیت و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی تأثیر تفکر ناب در انگیزش محیط کار، نشان دادند که رویکرد حل مسائل در تفکر ناب به گونه‌ای است که نه تنها مسائل باید حل شوند، بلکه باید از

تکرار وقوع آنها جلوگیری به عمل آید و تفکر ناب نوعی رویکرد حل مسئله با جهت گیری بازدارندگی است.

آدیمی و همکاران (۲۰۱۷) بر این باور هستند که تفکر ناب ابزار مرتبط و مهمی برای بهبود پایدار است، به گونه‌ای که تفکر ناب برای بهبود پایدار، نقش مکمل تا نقش جایگزین را دارد.

رحمان‌خان و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی وضعیت جاری محیط تولید ناب و مدیریت هزینه‌ها، نشان دادند که از جمله معیارهای مورد استفاده در محیط ناب شامل تولید انبوه، زمان اتلاف، هزینه کیفیت، کاهش هزینه‌های اتلاف و موجودی‌های اضافی است. علاوه بر آن، کارکنان دخیل در فرایندها، آموزش کارکنان، عملکرد مطابق با جداول زمانی، سطح کیفیت و خدمات مشتریان نیز از دیگر معیارهای غیرمالی با اهمیت در این بررسی بودند.

فولرتون و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی شیوه‌های حسابداری مدیریت و کنترل در محیط تولید ناب، دریافتند که بین میزان اجرای تولید ناب و سیستم گزارش‌دهی استراتژیک ساده، هزینه‌یابی بر مبنای جریان ارزش، اطلاعات اندازه‌گیری عملکرد بصری و توانمندسازی کارکنان، ارتباط مثبت و مستقیمی وجود دارد. همچنین، ردیابی موجودی نشان داد که اگرچه این ارتباط مشروط به وسعت حمایت مدیریت ارشد برای تغییر در استراتژی‌های تولید است، اما موجودی ارتباط مستقیم و منفی با آنها داشته، به گونه‌ای که شرکت‌ها در صورت وجود حمایت قاطع مدیریت، تکیه بر ردیابی موجودی را کاهش می‌دهند. همچنین با توجه به ارتباطات مستقیم بین فعالیت‌های حسابداری مدیریت و کنترل، نتیجه گرفتند که این فعالیت‌ها به صورت یک مجموعه مرتبط بهم و در محیط تولید ناب کار می‌کنند.

تساسی و بروس بارت (۲۰۰۸) با بررسی تغییرات سازمانی از طریق تفکر ناب، نشان داد که نه تنها تفکر ناب برای بهبود کارایی و مهار هزینه‌ها مفید است، بلکه ابزاری برای تغییرات سازمانی اثربخش نیز محسوب می‌شود.

مقایسه سازمان ناب^{۱۳} و سازمان سنتی

در حالت استراتژیک تولید ناب، پژوهشگران بر شبکه‌های خارجی شرکت متمرکز هستند. این حالت به وسیله پژوهشگران در قالب سازمان ناب به جای تولید ناب، تصویرسازی شده است. بکارگیری تکنیک‌های ناب در طول جریان ارزش کل شرکت، می‌تواند سبب ایجاد

جریان ارزش مستمر به وسیله فعالیت‌های دارای ارزش افزوده شود. چیزی که محققان عنوان می‌کنند، یکپارچه سازی فعالیت‌های ارزش آفرین است که از طریق مدل جدید سازمانی و تحت عنوان سازمان ناب، تحقق می‌یابد. سازمان ناب، گروهی از افراد و عملکردهایی است که از لحاظ قانونی از هم تفکیک شده‌اند، اما از نظر عملیاتی و اجرایی، همگام با شرکت‌ها هستند. مفهوم جریان ارزش، سازمان ناب را تعریف می‌کند. سازمان ناب شرکتی است که از بهترین رویه‌ها در تمامی زمینه‌های کارکردی استفاده کرده و شاهد پایداری در چهار بخش متفاوت توسعه ناب، تامین و خرید ناب، تولید ناب و توزیع و تحویل ناب است. بنابراین، مجموعه روش‌های سازمانی که شامل تمامی بخش‌های مرتبط بهم، برای ایجاد اقدامات موثر با هدف حذف اتلاف‌های کل جریان ارزش است، سازمان ناب نامیده می‌شود (کیلپاتریک، ۲۰۰۳).

تغییر از سیستم هزینه‌یابی استاندارد سنتی به حسابداری ناب در سازمان‌های ناب، به‌عنوان یک دگرگونی و تغییر از روش مبتنی بر هزینه به روش مبتنی بر ارزش برای حسابداری مدیریت، تلقی می‌شود. سازمان حسابداران مدیریت^{۱۴}، بیانیه‌ای را تحت عنوان حسابداری برای سازمان‌های ناب ارائه نموده است که تحت آن تغییرات اساسی و ضرورت تغییر در نظریه‌های حسابداری و حرکت به سمت نظریه‌های جدید و مبتنی بر سازمان‌های ناب را منتشر کرده است. پنج تغییر اساسی در حسابداری برای سازمان‌های ناب در این بیانیه شامل (۱) تهیه صورت سود و زیان جریان ارزش برای کنترل هزینه‌ها، تقویت رفتار ناب و مدیریت عملکرد، (۲) روش‌های جدید تصمیم‌گیری بدون استفاده از هزینه‌یابی استاندارد به عنوان مبنا، (۳) ایجاد تصور گروهی و جمعی از هزینه‌های تولید، (۴) بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی مالی مبتنی بر نگاه امتیازات و صورت‌های جریان ارزش و (۵) حذف داد و ستدها و کاهش جمع‌آوری و ثبت اطلاعات در روش‌های دیداری ساده و مطلوب، است (مانجوناس و اندرو، ۲۰۱۱). بنابراین، می‌توان سازمان سنتی را از سازمان ناب به شرح نگاره ۱ تفکیک نمود (کیلپاتریک، ۲۰۰۳).

نگاره (۱): مقایسه سازمان ناب و سازمان سنتی

ویژگی	سازمان سنتی	سازمان ناب
موجودی	یک دارایی که بر مبنای اصطلاحات حسابداری تعریف می‌شود.	یک اتلاف که سبب حبس سرمایه و افزایش پردازش زمان انتظار می‌شود.
مقدار بصره سفارش اقتصادی و اندازه بسته	خیلی زیاد/ با انجام اندازه‌های بسیار زیاد، سبب ایجاد اختلال و توقف در فرایندها می‌شود.	یک واحد/ تلاش‌های مستمر برای کاهش اختلال و زمان توقف به سطح صفر، انجام می‌شود.
بهره‌گیری از نیروی انسانی	تمامی افراد باید در همه اوقات، مشغول به کار باشند.	برای اینکه کارها مبتنی بر نیاز مشتری انجام شود، افراد ممکن است همیشه درگیر کار نباشند.
بهره‌گیری از فرایندها	استفاده از فرایندهایی با سرعت بالا و اجرای آنها در تمامی اوقات	فرایندها لازم است تنها برای اجرای نیازها طراحی شوند.
زمان‌بندی کارها	ساخت محصولات بر اساس پیش‌بینی	ساخت محصولات بر اساس نیاز
هزینه‌های دستمزد	هزینه متغیر	هزینه ثابت
گروه‌های کاری	سازمان‌های سنتی	تیم‌های کارکردی عرضی
حسابداری	به وسیله رهنمودهای سنتی و مبتنی بر استانداردهای مصوب هیات استانداردهای حسابداری مالی	حسابداری عملکرد (تروپوت) ^{۱۵}
کیفیت	از طریق بازرسی/ بررسی فعالیت‌ها در انتهای فرایند و پیدا کردن اشتباهات.	فرایندها، محصولات و خدمات برای حذف اشتباهات طراحی می‌شوند و نیازی به بازرسی نیست.

مقایسه حسابداری ناب با هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت و هزینه‌یابی بر مبنای

فعالیت زمان‌گرا

هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، روابط ساختاری بین محصولات و منابع استفاده شده در تولید را مدل‌بندی کرده و هزینه محصولات را بر اساس فعالیت‌های مربوطه، به وسیله استفاده از محرک هزینه مناسب، ردیابی می‌کند (اورپرت و همکاران، ۲۰۰۸). برخلاف هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، در هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا^{۱۶}، می‌توان ظرفیت بلااستفاده را محاسبه و از محاسبه نادرست نرخ هزینه فعالیت‌ها جلوگیری کرد. مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، دارای جزئیات کمتری بوده و به روزرسانی آن آسانتر است و برخلاف هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت که تنها محرک‌های معادلاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، محرک‌های زمانی مانند زمان مورد نیاز برای فعالیت راه اندازی نیز استفاده می‌شود. با هر فعالیت

تعداد محرک‌های نامحدودی استفاده می‌شود. هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، همه ویژگی‌های فعالیت‌ها را در نظر نمی‌گیرد و این موضوع بر صحت هزینه‌ها اثرگذار است، اما هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا، همه ویژگی‌های فعالیت‌ها را در زمان تخصیص به شیوه مناسبی در نظر گرفته و از صحت کافی برخوردار است. در هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت هر تفاوتی در انجام فعالیت‌ها نیازمند بکارگیری یک فعالیت جدید است، اما در هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا، برای هر فعالیت یک معادله زمانی استفاده می‌شود که همه ویژگی‌های فعالیت را دارا است (مکس، ۲۰۰۷). بنابراین، می‌توان گفت که هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا در مقایسه با هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، ابزار مناسبی برای بهبود عملیات و کاهش فعالیت‌های فاقد ارزش است، اما باید اشاره کرد که محدود بودن هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا به محرک و معادله زمانی، می‌تواند مشکلاتی را در پی داشته باشد. عدم توجه به عواملی که بر خطای اندازه‌گیری زمانی تأثیر می‌گذارند، سبب اندازه‌گیری نادرست از زمان انجام فعالیت‌ها و در نتیجه تخصیص نادرست هزینه‌ها به موضوعات هزینه‌یابی خواهد شد (اوریرت و همکاران، ۲۰۰۸). اینکه کدام روش هزینه‌یابی، روش بهتری است، به عواملی مانند شرایط واقعی در شرکت، سیستم‌های اطلاعاتی شرکت، قوانین وضع شده در کشور خاص، نوع شرکت، محصول و محیط کارآفرینی بستگی دارد. با وجود این پژوهشگران معتقدند که هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا، برای رفع نقاط ضعف روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت ایجاد شده است و همچنین نسبت به روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، هزینه‌ها را به شکل بهتری به فعالیت، مشتری، منطقه و یا محصول اختصاص می‌دهد (توکلی محمدی و همکاران، ۱۳۹۱). در نگاره شماره ۲ حسابداری ناب با هزینه بر مبنای فعالیت و هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا، مقایسه شده است (مونروی و همکاران، ۲۰۱۲).

نگاره (۲): مقایسه حسابداری ناب با هزینه یابی بر مبنای فعالیت و هزینه یابی بر مبنای فعالیت

زمانگرا

حسابداری ناب	هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا	هزینه یابی بر مبنای فعالیت	ویژگی
پذیرفته شده توسط اصول حسابداری	عدم پذیرش توسط اصول پذیرفته شده حسابداری	عدم پذیرش توسط اصول پذیرفته شده حسابداری	گزارشگری مالی
تصمیم گیری در سطح جریان ارزش	تصمیم گیری در سطح محصول و فرایند	تصمیم گیری در سطح محصول	تصمیم گیری
تأکید بر اندازه گیری های غیر مالی	تأکید بر اندازه گیری های غیر مالی	تأکید بر اندازه گیری های مالی	کنترل عملیاتی و بهبود

نتیجه گیری

حسابداری ناب، واژه ای عمومی برای توضیح تغییرات مورد نیاز در فرایندهای حسابداری، کنترل، اندازه گیری و مدیریتی شرکت با هدف حمایت از تولید و تفکر ناب است. هدف حسابداری ناب خلق ارزش از طریق افزایش صرفه جویی ها و کاهش هزینه ها در سازمان است. در حسابداری ناب گزارشگری هزینه ها و سودآوری توسط یکی از ابزارهای حسابداری ناب تحت عنوان هزینه یابی جریان ارزش صورت می گیرد که هزینه یابی مستقیم جریان ارزش نامیده می شود. تغییر از سیستم هزینه یابی استاندارد سنتی به حسابداری ناب در سازمان های ناب، می تواند به عنوان یک دگرگونی و تغییر از روش مبتنی بر هزینه به روش مبتنی بر ارزش برای حسابداری مدیریت، تلقی شود. اجرای حسابداری ناب نیازمند بکارگیری ابزارها و تکنیک های ارزش آفرین در قالب اصول، رویه ها و ابزارهای تولید و تفکر ناب و همچنین بکارگیری الزام های حسابداری و هزینه یابی برای توسعه و معرفی محصولات جدید، تولید ناب و گسترش جریان ارزش ناب است. کاربرد تکنیک های ناب در طول جریان ارزش کل شرکت، می تواند سبب ایجاد جریان ارزش مستمر به وسیله فعالیت های دارای ارزش افزوده شود. مفهوم جریان ارزش، سازمان ناب را تعریف می کند. سازمان ناب شرکتی است که از بهترین رویه ها در تمامی زمینه های کارکردی استفاده کرده و شاهد پایداری در چهار بخش متفاوت توسعه ی ناب، تامین و خرید ناب، تولید ناب و توزیع و تحویل ناب است. اطلاعات ارائه شده به وسیله مدیریت هزینه سنتی، نامربوط بوده و برای کسب و کار زیان آور است. بنابراین، به دلیل نواقص سیستم حسابداری و هزینه یابی سنتی لازم است که راه حلی برای رفع نواقص آن جستجو شود که

می‌توان به حسابداری ناب به عنوان ابزاری در راستای پوشش این نواقص، تأکید کرد. در این ارتباط هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا در مقایسه با هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت ابزار مناسبی برای بهبود عملیات و کاهش فعالیت‌های فاقد ارزش است، اما باید به این نکته اشاره کرد که محدود بودن هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا به محرک و معادله زمانی، می‌تواند مشکلاتی را در پی داشته باشد. به‌عنوان یک الگوی کلی می‌توان گفت، ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد و توسعه آن، به فرهنگ سازمانی مناسب در سازمان نیاز دارد. یکی از مواردی که در محیط سازمانی باید فرهنگ‌سازی شود، مشتری‌مداری است. در حال حاضر، محیط کسب و کار بطور فزاینده‌ای از کالاگرایی به سمت مشتری‌گرایی جابجا شده است و اغلب سازمان‌ها می‌پذیرند که برای بقا و پیشرفت به سیستم تولیدی که بتواند به تمامی نیازهای مشتریان پاسخگو باشد، نیازمند هستند. بنابراین، نتایج حاصل از این پژوهش تأکید می‌کند، برای آنکه تولید ناب در دوره‌های درازمدت موفقیت‌آمیز باشد، ضرورت دارد تا روش‌های نوینی که بطور فعال از تفکر ناب حمایت می‌کنند، دائماً جایگزین گردند؛ در این صورت، حسابداری ناب باید جایگزین سیستم‌های اندازه‌گیری و حسابداری سنتی شود و سیستم حسابداری مدیریت یکپارچه را در قالب یک چارچوب واحد برای سازمان ارائه دهد. تحت این چارچوب، سیستم‌های تولید بهنگام، تئوری محدودیت، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا و ارزیابی متوازن به شکل یک مجموعه پیوسته و در قالب حسابداری ناب، به سازمان‌ها ارائه می‌شود.

پی نوشت

۱ Value stream costing	۲ lean Thinking
۳ Waste	۴ Lean Accounting
۵ Life-Cycle Costing	۶ Activity Based Costing
۷ Value stream box scores	۸ Throughput accounting
۹ Backflushing	۱۰ Waste indices
۱۱ Total cost of ownership	۱۲ General Accepted Accounting principles
۱۳ Lean enterprise	۱۴ Management Accounting Organization
۱۵ Throughput Accounting	۱۶ Time-DrivenActivity Based Costing

منابع

- Adeyemi, A. , Martin, D. , & Kasim, R. (2017). The relevance of lean thinking to sustainable improvement of public office buildings in Nigeria. *Journal of Engineering and Applied Sciences*, 12 (6) , 1365-1376.
- Almusawi, E. , Almagtome, A. , & Shaker, A. S. (2019). Impact of Lean Accounting Information on the Financial performance of the Healthcare Institutions: A Case Study. *Journal of Engineering and Applied Sciences*, 14 (2) , 589-599 .
- Arora, V. (2016). Lean Accounting a Case Study of Selected Enterprises in India .
- Caldera, H. T. S. , Desha, C. , & Dawes, L. (2017). Exploring the role of lean thinking in sustainable business practice: A systematic literature review. *Journal of Cleaner Production*, 167, 1546-1565.
- Chopra, A. (2013). Lean accounting-an emerging concept. *structure*, 2 (8) .
- Crute, V. , Ward, Y. , Brown, S. , & Graves, A. (2003). Implementing Lean in aerospace—challenging the assumptions and understanding the challenges. *Technovation*, 23 (12) , 917-928 .
- Czabke, J. , Hansen, E. N. , & Doolen, T. L. (2008). A multisite field study of lean thinking in US and German secondary wood products manufacturers. *Forest Products Journal*, 58 (9) , 77 .
- Everaert, P. , Bruggeman, W. , & De Creus, G. (2008). Sanac Inc.: From ABC to time-driven ABC (TDABC) –An instructional case. *Journal of Accounting Education*, 26 (3) , 118-154 .
- Fullerton, R. R. , Kennedy, F. A. , & Widener, S. K. (2013). Management accounting and control practices in a lean manufacturing environment. *Accounting, Organizations and Society*, 38 (1) , 50-71 .

- Khan, S. R. , Zhang, Y. , & Shahid, S. (2017). Today's World: Lean Manufacturing Environments and Cost Management. *Journal of Investment and Management*, 6 (4) , 87-91 .
- Kilpatrick, J. (2003). Lean principles. *Utah Manufacturing Extension Partnership*, 68 (1) , 1-5.
- Koskela, L. , Hanid, M. , & SiriwardenaI, M. (2010). Traditional Cost Management vs. Lean Cost Management'. In *CIB World Congress* .
- Kotter, J. (2007). Leading change: Why transformation efforts fail. *Harvard business review*, 86, 97-103 .
- Kovacheva, A. V. (2010). Challenges in Lean implementation: successful transformation towards lean enterprise. Aarhus: University of Aarhus .
- Manjunathh, S. , Anderew, b. (2011). Exploring the Role of Standard Costing in Lean Manufacturing Enterprises: A Structuration Theory Approach,*management accounting quarterly*. 13 (1) , 47 .
- Max, M. (2007). Leveraging process documentation for time-driven activity based costing. *Journal of Performance Management*, 20 (3) , 16.
- Medeiros, H. D. S. , Santana, A. F. B. , & Guimarães, L. D. S. (2017). The use of costing methods in lean manufacturing industries: a literature review. *Gestão & Produção*, 24 (2) , 395-406.
- Mefford, R. N. (2009). Increasing productivity in global firms: The CEO challenge. *Journal of International Management*, 15 (3) , 262-272.
- Mohammadi, M. , Amini, M. , & Khosrowanian, H. (2012). TDABC: a customer-oriented approach to calculating cost. *Journal of Accounting Research*, 2 (1) , 135-163. (In Persian)
- Monroy, C. R. , Nasiri, A. , & Peláez, M. Á. (2014). Activity based costing, time-driven activity based costing and lean accounting: Differences among three accounting systems' approach to manufacturing. In *Annals of Industrial Engineering 2012* (pp. 11-17). Springer, London .
- Oláh, J. , Szolnok, Á. , Nagy, G. , Lengyel, P. , & Popp, J. (2017). The Impact of Lean Thinking on Workforce Motivation: A Success Factor at LEGO Manufacturing Ltd. *Journal of Competitiveness*, 9 (2) .
- Pooya, A. , & Soltani-fesaghandis, G. (2015). Investigating the Effect of Firm Size and Industry Growth Rate on Survival of Newcomer Companies in Electronic and Electric Industries of Mazandaran Province. *Industrial Management Studies*, 13 (37) , 55-90. (In Persian) .
- Rahnamaye Roodposhti, F. (2008). Strategic Management Accounting: Based on Creates value cost management, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran .
- Rezaei Dolatabadi, H. , & maher azin, S. (2013). Analysis the role of management accounting in creating competitive advantage for organizations, in dynamic

- and dynamic environments. *Journal of Accounting Research*, 3 (1) , 89-99. (In Persian) .
- Saad, S. , Perera, T. , Achanga, P. , Shehab, E. , Roy, R. , & Nelder, G. (2006). Critical success factors for lean implementation within SMEs. *Journal of manufacturing technology management* .
- Salah, W. , & Zaki, H. (2013). Product Costing in Lean Manufacturing Organization. *Research Journal of Finance and Accounting*, 4 (6) , 86-98 .
- Samad, M. A. , Shu, Y. , & Ogar, K. (2017). Value Creation with Lean Accounting.. *Accounting and Management Control*, 23 (8) , 1-90 .
- Stojanovic, D. , & Radojevic, Z. (2006). Accounting characteristics in lean manufacturing. *International Scientific Days*, 1146-1151 .
- Tsasis, P. , & Bruce-Barrett, C. (2008). Organizational change through lean thinking. *Health Services Management Research*, 21 (3) , 192-198 .
- Ward, Y. , & Graves, A. (2004). A new cost management & accounting approach for lean enterprises. University of Bath School Of Management, Working Paper Series, 2004-05 .
- Willumsen, P. , Oehmen, J. , Rossi, M. , & Welo, T. (2017). Applying lean thinking to risk management in product development. In *DS 87-2 Proceedings of the 21st International Conference on Engineering Design (ICED 17) Vol 2: Design Processes, Design Organisation and Management*, Vancouver, Canada, 21-25. 08. 2017 (pp. 269-278) .
- Zare, M. , & Pourzamani, Z. (2017). The impact of lean production environment on the performance and value SREAM costing companies using structural equation. *Management Accounting*, 10 (35) , 67-76. (In Persian) .

مطالعه رفتار چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران

سید حسام وقفی^۱، کاوه پرن‌دین^۲، سامیران خواجه زاده^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۳۰

چکیده

رفتار هزینه به واکنش هزینه در برابر تغییرات در سطح فعالیت گفته می‌شود. به عبارتی، تغییر هزینه‌ها رابطه‌ای متناسب با افزایش و کاهش سطح فعالیت دارد. چسبندگی هزینه‌ها به مفهوم آن است که هزینه‌ها هنگام افزایش فروش بالا رفته، اما در هنگام کاهش فروش، به همان میزان کاهش نمی‌یابند. هدف این پژوهش، بررسی تجربی چسبندگی هزینه‌های عملیاتی در شرکت‌های تولیدی فعال در بورس اوراق بهادار تهران در سه سطح شامل بهای تمام شده کالای فروش‌رفته، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ است. نتایج بررسی‌ها بیانگر آن است که شدت افزایش در هر سه سطح هزینه به ازای افزایش یکسان سطح فعالیت، بزرگ‌تر از شدت کاهش در هر سه سطح هزینه به ازای کاهش یکسان در سطح فعالیت است. بنابراین، بهای تمام شده کالای فروش‌رفته، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی در شرکت‌های مورد بررسی دارای رفتار چسبندگی هزینه هستند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که چسبندگی در سطح هزینه‌های عملیاتی کل نیز وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: چسبندگی هزینه، بهای تمام شده کالای فروش‌رفته، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، سایر هزینه‌های عملیاتی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G1

DOI: 10.22051/ijar.2018.19973.1396

^۱ دکتری حسابداری و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول، (h.vaghfi2012@gmail.com)

^۲ دکتری حسابداری و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (kparandin@gmail.com)

^۳ دکتری مهندسی مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، (sarakhmt20@yahoo.com)

مقدمه

شناخت رفتار هزینه در واکنش به تغییرات سطح تولید و فروش برای مدیریت شرکت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. در مدل رایج و سنتی رفتار هزینه‌ها، هزینه‌های متغیر به نسبت تغییرات در سطح فعالیت تغییر می‌کنند. به عبارتی، اندازه تغییر در هزینه‌ها تنها به میزان تغییر در سطح فعالیت و نه جهت تغییر، بستگی دارد، اما نظریه‌ی جدید در مورد رفتار هزینه‌ها حاکی از آن است که میزان درصد افزایش هزینه‌ها با افزایش حجم فعالیت، بیشتر از میزان درصد کاهش هزینه‌ها، در نتیجه‌ی کاهش همان حجم فعالیت است. این نوع رفتار هزینه به چسبندگی هزینه‌ها معروف شده است (عاشوری، ۱۳۹۳). یکی از نظریه‌های حاکم در ارتباط با علت چسبندگی هزینه‌ها، تصمیمات سنجیده مدیران است. تحت این نظریه، در صورت کاهش فروش در دوره جاری، هرچه پیش‌بینی مدیریت از فروش دوره آتی با خوش‌بینی بیشتری همراه باشد، نشان می‌دهد که کاهش فروش از نظر مدیریت، موقتی‌تر است. به همین دلیل، منابع بیشتری به‌منظور آمادگی برای افزایش فروش در آینده حفظ می‌شود. اگر مدیران انتظار افزایش فروش را در آینده داشته باشند، چسبندگی هزینه‌ها افزایش می‌یابد (یوسوکاتا و کاجیوارا، ۲۰۱۱). در صورت افزایش فروش، هرچه خوش‌بینی مدیریت بیشتر باشد، میزان افزایش هزینه‌ها بیشتر می‌شود و بالعکس. به عبارتی، در صورت کاهش فروش، هرچه بدبینی مدیریت بیشتر باشد، میزان کاهش هزینه‌ها بیشتر می‌شود. همچنین، با افزایش فروش، هرچه پیش‌بینی تحلیلگران از فروش آتی بیشتر باشد، تعدیلات افزایشی هزینه‌ها نیز بیشتر می‌شود (بنکر و همکاران، ۲۰۱۴). شناخت رفتار هزینه، یکی از مباحث مهم حسابداری بهای تمام شده و حسابداری مدیریت است. در مدل‌های سنتی رفتار هزینه‌ها، هزینه‌های متغیر متناسب با تغییرات حجم فعالیت افزایش یا کاهش می‌یابند و جهت تغییرات در حجم فعالیت تأثیری روی بزرگی تغییرات در هزینه‌ها ندارد و یا تغییرات در سطح فعالیت به یک میزان معین، هزینه‌ها را نیز به مقدار معینی، افزایش یا کاهش می‌دهد (اتکینسون، ۲۰۰۰). به عنوان مثال، با یک درصد افزایش یا کاهش در سطح فعالیت، هزینه‌ها با درصد ثابتی افزایش یا کاهش می‌یابند، اما در سال‌های اخیر هزینه‌ها رفتاری دیگر از خود نشان داده‌اند که در نتایج پژوهش‌های پژوهشگرانی چون اندرسون و همکاران در سال ۲۰۰۷ دیده شده است. آنها بیان می‌کنند که میزان افزایش در هزینه‌ها هنگام افزایش در سطح فعالیت، بیشتر از میزان کاهش در هزینه‌ها هنگام کاهش در حجم فعالیت است. چنین رفتاری در هزینه‌ها به

چسبندگی هزینه‌ها معروف است. چسبندگی هزینه‌ها به این معنی است که بزرگی افزایش در هزینه‌ها هنگام افزایش سطح فعالیت، بیشتر از بزرگی کاهش هزینه‌ها در هنگام کاهش در سطح فعالیت است. به عبارتی، هزینه‌ها هنگامی چسبنده هستند که مقدار افزایش در هزینه‌های مرتبط با افزایش حجم، بزرگ‌تر از میزان کاهش هزینه‌های مرتبط با همان مقدار کاهش در حجم است (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹). با توجه به اهمیت نقش هزینه در سودآوری، قیمت‌گذاری و رشد شرکت و همچنین اهمیت بررسی رفتار هزینه‌ها برای برنامه‌ریزی‌های آتی شرکت‌ها بررسی چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و همچنین عوامل مؤثر بر شدت آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (زنجیردار و همکاران، ۱۳۹۳). در این مقاله، به منظور بررسی چسبندگی هزینه‌ها، رفتار هزینه‌های اداری، عمومی و فروش نسبت به تغییرات سطح فروش، بررسی و آزمون شده است. با توجه به اهمیت این نوع هزینه‌ها در ساختار هزینه‌ای شرکت‌ها، در این پژوهش چگونگی رفتار این هزینه‌ها نسبت به تغییرات سطح فروش و چسبندگی این دسته از هزینه‌ها بررسی می‌شود.

مبانی نظری

چسبندگی هزینه، تصمیم‌مدیر به تحمل هزینه‌ی منابع استفاده نشده در صورت کاهش فروش است. شرکت‌های دارای چسبندگی هزینه به دو گروه شرکت‌های کارآمد (با اخبار مثبت) و شرکت‌های ناکارآمد (با اخبار منفی) تقسیم می‌شوند. شرکت‌های دارای چسبندگی کارآمد به آن گروه از شرکت‌ها اطلاق می‌شود که فروش فعلی آنها کاهش یافته، اما انتظار می‌رود که فروش آنها در آینده نزدیک به سطح اولیه بازگردد. بنابراین، این شرکت‌ها از این لحاظ کارآمد هستند که تحمل هزینه‌های اضافی (منابع استفاده نشده)، با اجتناب از هزینه‌های تعدیل منابع (کاهش و افزایش دوباره)، منافی برای شرکت در آینده به وجود می‌آورد. شرکت‌های دارای چسبندگی ناکارآمد به آن گروه از شرکت‌ها اطلاق می‌شود که فروش فعلی آنها کاهش یافته، اما انتظار می‌رود فروش آنها دچار کاهش دائمی (بلندمدت) شود. بنابراین، شرکت‌های مزبور از این نظر ناکارآمد هستند که تحمل هزینه‌های اضافی (منابع استفاده نشده)، منافی در زمان حال و آینده برای شرکت ایجاد نمی‌کنند. بنابراین، صرف نظر از آنکه شرکت با چسبندگی هزینه کارآمد یا ناکارآمد مواجه است، چسبندگی هزینه تأثیر منفی بر سود فعلی (سال کاهش سطح فروش) دارد، زیرا کاهش فروش با همان مقدار کاهش در هزینه‌ها

بازپرداخت نمی‌شود (نیک کار و جلیلی، ۱۳۹۴). چسبندگی هزینه در شرکت‌های کارآمد، تأثیر مثبتی بر سود آینده (به سبب افزایش دوباره‌ی سطح فروش به عنوان خبر مثبت) دارد و در شرکت‌های ناکارآمد تأثیر منفی بر سود آینده (به سبب دائمی بودن کاهش فروش به عنوان خبر منفی) دارد. عملکرد مالی مطلوب موجب می‌شود که چسبندگی هزینه‌ها کاهش یابد (وارجانگرا و تامار، ۲۰۱۴). تصمیم مدیر به منظور کاهش سطح هزینه‌ها یا نگهداری منابع بدون استفاده، بستگی به انتظار او از تقاضا در آینده دارد. اگر مدیر انتظار داشته باشد که کاهش در سطح فروش موقتی است و در مدت کوتاهی به حالت اولیه باز می‌گردد، او تصمیم خواهد گرفت منابع بدون استفاده را حفظ کند، زیرا اگر مدیران منابع مرتبط با فعالیت‌های عملیاتی را متناسب با کاهش فروش، کاهش دهند، تحصیل و آماده‌سازی دوباره‌ی منابع در آینده، نیازمند زمان است. بنابراین، اگر منابع و هزینه‌ها متناسب با کاهش فروش کاهش یابد، شرکت فرصت‌های توسعه‌ی فروش را از دست می‌دهد؛ بنابراین، هزینه‌های تعدیل از هزینه‌های ظرفیت بدون استفاده، بیشتر خواهد بود و مدیر تصمیم خواهد گرفت منابع اضافی را حفظ کند. از سوی دیگر، اگر عدم قطعیت در مورد تقاضا در آینده و هزینه‌های کاهش و افزایش دوباره‌ی منابع، زیاد باشد، مدیر تصمیم خواهد گرفت صبر کند تا قبل از تخمین هزینه‌های تعدیل، اطلاعات بیشتری به دست آورد. بنابراین، مدیران ممکن است کاهش منابع مربوط به فعالیت‌های عملیاتی را به تأخیر بیندازند، تا زمانی که از دائمی بودن کاهش تقاضا (کاهش فروش) اطمینان بیشتری حاصل نمایند. در صورتی که مدیریت با کاهش فروش روبه‌رو شود، باید در ارتباط با کاهش متناسب منابع (هزینه‌ها) یا حفظ آن تصمیم‌گیری کند. تصمیم‌گیری در ارتباط با کاهش یا حفظ منابع به انتظار مدیریت از تقاضا در آینده بستگی دارد. اگر مدیریت، پروژه‌ی ریسکی چسبندگی هزینه را برگزیند، بنابراین نیازمند حفظ منابع استفاده نشده خواهد بود. در این وضعیت، مدیریت در ارتباط با چشم‌انداز آینده‌ی شرکت آگاه‌تر است و می‌تواند ارزیابی کند که آیا حفظ منابع استفاده نشده، نتیجه خواهد داد یا خیر؟ از سوی دیگر، مدیریت نمی‌تواند اطلاعات خصوصی خود را به صورت باور پذیرانه به بازار انتقال دهد (بنکر و همکاران، ۲۰۱۳). هدف نهایی هر واحد تجاری، حداکثر کردن سود و به دنبال آن، افزایش حقوق صاحبان سهام است. سعی مدیریت هر واحد انتفاعی، کسب بیشترین سود و کارایی با استفاده از کمترین منابع است و از ساده‌ترین روش‌های کاهش مصرف منابع، کنترل هزینه‌ها است، اما این امر، مستلزم آگاهی کامل از چگونگی رفتار هزینه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر رفتار هزینه‌ها است. از مواردی که باید

در تجزیه و تحلیل رفتار هزینه‌ها مورد توجه قرار گیرد، پدیده چسبندگی هزینه است. یکی از مفروضات اولیه حسابداری مدیریت بیانگر آن است که تغییرات هزینه‌ها رابطه‌ای متناسب با افزایش و کاهش سطح فعالیت دارد، اما به تازگی این فرض با مطرح شدن بحث چسبندگی هزینه‌ها توسط اندرسون و همکارانش (۲۰۰۳) مورد تردید قرار گرفته است. به عبارتی، میزان افزایش در هزینه‌ها با افزایش در سطح فعالیت، بیشتر از میزان کاهش در هزینه‌ها در ازای همان میزان کاهش در سطح فعالیت است. در تحقیقی از بالکریشان، پیترسون و سادستروم در سال ۲۰۰۴ عنوان می‌شود که این مدیریت شرکت است که ترجیح می‌دهد در زمان افزایش سطح فعالیت، هزینه‌ها را بالا ببرد، اما در زمان کاهش فعالیت، چندان علاقه‌ای به کاهش هزینه‌ها ندارد. سابرامانیام و ویدنمیر در سال ۲۰۰۳ تأیید می‌کنند که هزینه‌های توزیع، فروش و عمومی و اداری و بهای تمام شده کالای فروش رفته جزء هزینه‌های چسبنده است، اما در سطوح پایین تغییر درآمد (کمتر از ۱۰٪) چسبندگی وجود ندارد. همچنین، چسبندگی هزینه‌ها در صنایع مختلف با یکدیگر متفاوت است. کالیجا در سال ۲۰۰۶، چسبندگی هزینه‌های عملیاتی را آزمون کرد و نشان داد شدت چسبندگی هزینه‌ها در فرانسه و آلمان، بیشتر از شدت چسبندگی در آمریکا و انگلیس است. در پژوهشی از بنکر و چن در سال ۲۰۰۶، مدلی برای پیش‌بینی سود پیشنهاد شد که سود را به دو جزء تغییرپذیری هزینه نسبت به درآمد فروش و چسبندگی هزینه‌ها به هنگام کاهش فروش، تجزیه می‌کرد. نتایج این پژوهش نشان داد مدل مبتنی بر چسبندگی هزینه‌ها، دقت بیشتری نسبت به دو مدل دیگری دارد. ویس در سال ۲۰۱۰، به بررسی تأثیر رفتار نامتقارن هزینه‌ها بر پیش‌بینی سود تحلیلگران پرداخت و نشان داد در شرکت‌هایی که هزینه‌ها چسبندگی بالاتری دارند، دقت پیش‌بینی سود توسط تحلیلگران کمتر است و چسبندگی هزینه‌ها بر اولویت‌های پوششی تحلیلگران تأثیر گذار است. همچنین، او بیان می‌کند که سرمایه‌گذاران در ارزیابی ارزش شرکت، چسبندگی هزینه‌ها را لحاظ می‌کنند. پژوهش دیگری از بالکریشان و لاپرو در سال ۲۰۱۱ با عنوان ساختار هزینه و چسبندگی هزینه‌ها، شواهدی ارائه می‌کند که در بلندمدت، هزینه تصمیم‌گیری در ارتباط با ساختار هزینه، تحت تأثیر توانایی ما از شناسایی تصمیمات کوتاه‌مدت مدیریت هزینه، است. در پژوهشی دیگر چن، لو و سوگیانیس در سال ۲۰۱۲ به بررسی حاکمیت شرکتی و مشکلات شرکت و رفتار چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش پرداختند (چن، لو و سوگیانیس، ۲۰۱۲). هدف مقاله حاضر بررسی چسبندگی

هزینه‌های عملیاتی در شرکت‌های تولیدی فعال در بورس اوراق بهادار تهران در سه سطح بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی است.

پیشینه تحقیق

محموظی و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی ارتباط سرمایه‌سازمانی و رفتار چسبده هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در ۷۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج پژوهش، بیانگر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین دو عامل سرمایه‌سازمانی و چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

علی‌خانی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود به بررسی ارتباط مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه پرداختند. نمونه آماری پژوهش شامل ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حاکمیت شرکتی می‌تواند به کاهش چسبندگی هزینه منجر شود، هر چند اثر آن به اندازه مدیریت سود قوی نیست. همچنین، اثر متقابل بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی می‌تواند چسبندگی هزینه را کاهش دهد.

صفرزاده و کاظمی (۱۳۹۵) در بررسی ارتباط بین چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری و هزینه‌های نمایندگی با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۴۵ شرکت برای یک دوره ۷ ساله ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲، نشان دادند در ازای یک درصد افزایش در سطح فروش، هزینه‌های فروش، عمومی و اداری یک درصد افزایش می‌یابد، در حالی که در ازای کاهش یک درصد در سطح فروش، هزینه‌های فروش، عمومی و اداری ۰/۳ درصد کاهش می‌یابد. همچنین در این پژوهش، معناداری ارتباط بین چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری و هزینه‌های نمایندگی مورد بررسی قرار گرفت.

بهارمقدم و خادمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی چسبندگی هزینه‌ها در دوره‌های رونق و رکود اقتصادی" درباره رفتار هزینه، به بررسی رفتار نامتقارن انواع هزینه‌ها پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رفتار هزینه‌های یاد شده در کل دوره مورد مطالعه نامتقارن است. به عبارتی، رفتار هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در تمامی دوره‌ها شامل

دوره‌های رونق و رکود اقتصادی، چسبنده و رفتار بهای تمام شده کالای فروش رفته در تمامی ادوار، تقریباً ضد چسبنده است. همچنین، دوره‌های رونق و رکود اقتصادی کشور تأثیر چندانی در نگرش مدیران شرکت‌ها نداشته است.

شیبه و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان "آزمون تجربی چسبندگی هزینه: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران"، نشان دادند که شدت افزایش در هر سه سطح هزینه به ازای افزایش یکسان (۱٪) در سطح فعالیت، بزرگتر از شدت کاهش هر سه سطح هزینه به ازای کاهش یکسان (۱٪) در سطح فعالیت است. بدین ترتیب بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی در شرکت‌های مورد بررسی دارای رفتار چسبندگی هزینه می‌باشند. همچنین نتایج، نشان‌دهنده چسبندگی در سطح هزینه‌های عملیاتی کل نیز می‌باشند.

نمازی و دوانی پور (۱۳۸۹) در مقاله خود بررسی تجربی رفتار چسبندگی هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که شدت چسبندگی هزینه‌ها در دوره‌هایی که در دوره قبل از آن کاهش درآمد رخ داده، کمتر است. همچنین شدت چسبندگی هزینه‌ها برای شرکت‌هایی که نسبت جمع دارایی‌ها به فروش بزرگ تری دارند، بیشتر است.

هومبورگ و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهش خود به مطالعه چگونگی تأثیر چسبندگی هزینه بر ریسک اعتباری پرداخته‌اند. آنها شواهد محکمی برای تأثیر رفتار هزینه نامتقارن (به‌طور دقیق چسبندگی هزینه) بر ریسک اعتباری، ارائه می‌دهند. بر اساس نتایج این پژوهش، افزایش چسبندگی هزینه‌ها، موجب افزایش ۲۷ درصدی ریسک اعتباری شده است.

هاس و هنریک (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی هزینه چسبندگی در طول بحران مالی با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۶۷۵ شرکت در بورس آمریکا پرداختند. نتایج حاصل از آزمون نشان داد که چسبندگی هزینه‌ها با عملکرد شرکت رابطه منفی دارد.

زو و هانگ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "مدیریت سود، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه" نیز بیان می‌کنند که در مقایسه با حاکمیت شرکتی، محرک‌های مدیریت سود، تأثیر معناداری بر کاهش چسبندگی دارند.

نیکولا و پادو (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های کوچک و متوسط ایتالیایی در دوره‌ی زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰، اتفاق افتاده است یا خیر؟ نتایج پژوهش نشان داد که چسبندگی هزینه‌ها تنها در ارتباط با هزینه‌های دستمزد رخ می‌دهد و چسبندگی هزینه‌ها در ارتباط با هزینه‌های اداری، عمومی و فروش وجود ندارد.

پورپوراتو و ورین (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی چسبندگی هزینه‌ها در بین بانک‌های آرژانتینی، برزیلی و کانادایی پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان داد که با افزایش یک درصدی در درآمد، هزینه‌های بانک‌ها به ترتیب در کشورهای آرژانتین، برزیل و کانادا، ۰/۸۲ و ۰/۹۲ درصد افزایش می‌یابد، در حالی که با کاهش یک درصدی در درآمد بانک‌های مزبور، کاهش ۰/۳۸، ۰/۴۸ و ۰/۵۵ درصدی در هزینه‌ها را مشاهده کردند. آنان دریافتند بانک‌هایی که بیشترین افزایش را در هزینه‌ها در شرایط بهبود فروش دارد، در زمان کاهش فروش نیز بیشترین کاهش را خواهند داشت.

فرضیه‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی چسبندگی هزینه‌های عملیاتی است. بنابراین، هزینه‌های عملیاتی در سه سطح بهای تمام شده کالای فروش‌رفته، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی مورد بررسی قرار گرفته است و این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا تغییرات هزینه‌ها به ازای تغییر در سطح فعالیت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، رفتاری چسبنده دارند یا خیر؟ جهت پاسخ به سؤال مذکور، فرضیات زیر ارائه شد.

فرضیه اول

نسبت افزایش در بهای تمام شده کالای فروش‌رفته به هنگام افزایش فروش، بیشتر از نسبت کاهش در بهای تمام شده کالای فروش‌رفته به هنگام کاهش در فروش است.

فرضیه دوم

نسبت افزایش در هزینه‌های اداری، عمومی و فروش به هنگام افزایش فروش، بیشتر از نسبت کاهش در هزینه‌های اداری، عمومی و فروش به هنگام کاهش در فروش است.

فرضیه سوم

نسبت افزایش در سایر هزینه‌های عملیاتی به هنگام افزایش فروش، بیشتر از نسبت کاهش در هزینه‌های عملیاتی به هنگام کاهش در فروش است.

فرضیه چهارم

نسبت افزایش در مجموع بهای تمام شده، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی هنگام افزایش فروش، بیش از بزرگی نسبت کاهش در مجموع بهای تمام شده، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی در هنگام کاهش در فروش است.

روش پژوهش

این پژوهش، به بررسی و تحلیل رفتار چسبندگی مجموع بهای تمام شده، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی (از قبیل هزینه‌های تعمیر و نگهداری دارایی‌های غیرتولیدی، هزینه سوخت وسایل نقلیه، هزینه استهلاک عمومی بخش‌های غیرتولیدی، هزینه بیمه دارایی‌های ثابت غیرتولیدی، هزینه بیمه موجودی‌ها، هزینه ملزومات، هزینه پست، هزینه اجاره، هزینه استهلاک دارایی‌های غیرتولیدی، هزینه مواد مصرفی آزمایشگاهی، استهلاک سرقتی، هزینه‌های جذب نشده تولید، ضایعات غیرعادی تولید) شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران، پرداخته است. روش مورد استفاده از حیث گردآوری داده‌ها، توصیفی و تحلیل همبستگی است و از لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. طرح این پژوهش، از نوع شبه‌تجربی و پس‌رویدادی است. در این پژوهش، رفتار هزینه‌ها در سطوح مختلف تغییر در درآمد فروش تحلیل و میزان چسبندگی یا عدم چسبندگی آنها در هر یک از سطوح تعیین شده و قدرت آن، مورد بررسی قرار گرفته است. فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ بررسی شده است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. داده‌های مورد نیاز پژوهش، از نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین و اطلاعات منتشر شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران، گردآوری شده‌اند. برای مرتب کردن و طبقه‌بندی داده‌ها از نرم‌افزار Excel استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام شده است.

روش‌های آماری پژوهش

چگونگی رفتار هزینه‌ها نسبت به تغییرات سطح فروش در دوره‌های افزایش و کاهش درآمد را می‌توان با استفاده از مدلی که توسط اندرسون و همکارانش (۲۰۰۳) ارائه شده است، ارزیابی کرد. این مدل تحت مدل شماره (۱) ارائه شده است.

مدل (۱):

$$\log\left[\frac{SGAi,t}{SGAi,t-1}\right] = \beta_0 + \beta_1 \text{LOG}\left[\frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}}\right] + \beta_2 * Dec - Dum_{i,t} \\ * \text{LOG}\left[\frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}}\right] + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن $SGA_{i,t}$: هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت i در دوره t : $Sales_{i,t}$: خالص فروش شرکت i در دوره t و $Dec - Dum_{i,t}$: یک متغیر مجازی و وابسته به تغییرات درآمد است. با افزایش درآمد مقدار این عبارت صفر می‌باشد (در این حالت β_1 درصد افزایش در هزینه‌های اداری، عمومی و فروش را نشان می‌دهد) و با کاهش درآمد مقدار این عبارت یک است (در این حالت جمع $\beta_1 + \beta_2$ ، درصد کاهش در هزینه‌های اداری، عمومی و فروش را به ازای یک درصد کاهش درآمد، نشان می‌دهد).

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ است. در این تحقیق برای این که نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد نظر باشد، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. در انتخاب نمونه شرایط زیر اعمال شده است.

- شرکت قبل از سال ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس فعال باشد.
- شرکت‌های انتخابی در نمونه جزو شرکت‌های هلدینگ، بیمه، لیزینگ، بانک‌ها، موسسات مالی و سرمایه‌گذاری، به دلیل ماهیت خاص و متفاوت فعالیت این نوع از شرکت‌ها، نباشند.

- سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی بازه زمانی تحقیق تغییر سال مالی رخ نداده باشد.
 - سال/ شرکت‌هایی که در آنها فروش کمتر از بهای تمام شده فروش یا هزینه‌های فروش، عمومی و اداری بوده، از نمونه کنار گذاشته شده‌اند.
 - شرکت‌هایی که دارای زیان عملیاتی (به علت تأثیر احتمالی منفی بر نتایج تحقیق) هستند و شرکت‌هایی که تغییرات درآمدی و هزینه‌ای شدید داشته‌اند (بالای ۵۰ درصد)، به دلیل احتمال ادغام با شرکت‌های دیگر یا تحصیل توسط شرکت‌های دیگر و نیز احتمال غیرمترقبه بودن ارقام صورت سود و زیان، از نمونه حذف شدند.
- بر اساس شرایط گفته شده، نگاره (۱) وضعیت نمونه مورد بررسی در این مقاله را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): نمونه آماری

۴۹۴	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در پایان سال ۱۳۹۵
(۱۷۱)	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ در بورس فعال نبوده‌اند.
(۶۱)	تعداد شرکت‌هایی که بعد از سال ۱۳۸۶ در بورس پذیرفته شده‌اند.
(۴۲)	تعداد شرکت‌هایی که جزو شرکت‌های هلدینگ، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و یا لیزینگ‌ها بوده‌اند.
(۶۳)	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش، تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نیست.
(۳۷)	تعداد شرکت‌هایی که زیان عملیاتی دارند و داده‌های آنها در دسترس نبود.
۱۲۰	تعداد شرکت‌های نمونه

با توجه به محدودیت‌های ذکر شده تعداد ۱۲۰ شرکت به عنوان نمونه آماری جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره شماره (۲) آمار توصیفی متغیرهای خالص درآمد فروش، بهای تمام شده و هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی را نشان می‌دهد.

نگاره (۳): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	انحراف استاندارد
خالص درآمد فروش	۲۹۲۷۸	۸۴۲۳۸۵۱۲	۴۱۴۷۵/۸۱	۲۳۵۵۰۹	۷۵۶۳۳۳۲
بهای تمام شده کالای فروش رفته	۱۹۶۳۴	۶۸۲۴۱۳۷۰	۳۳۸۹۷	۱۸۸۶۵۲	۶۴۷۱۵۵۹
هزینه اداری، عمومی و فروش	۲۹۰۰	۳۱۱۲۸۸	۹۹۳۵۶/۲۱	۱۶۸۴۸	۴۷۰۲۸۵
سایر هزینه‌های عملیاتی	۱۰۲	۱۳۷۵۹۸۴۶۵	۵۲۷۳۵/۵۷	۳۶۲۵	۲۸۵۳۲۱

میانگین یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های مرکزی است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و ثقل توزیع و همچنین شاخص مناسبی برای مرکزیت داده‌ها است. با توجه به اینکه دامنه تغییرات بین حداقل و حداکثر مقدار متغیرها زیاد است، انحراف استاندارد این تغییرات را نشان می‌دهد و به‌عنوان معیار پراکندگی مقدار متغیرها در نظر گرفته شده است که در نگاره شماره (۲)، میزان پراکندگی متغیرهای نمونه مورد بررسی، نشان داده شده است. با توجه به نتایج آمار توصیفی تحقیق می‌توان بیان کرد تفاوت بین حداقل و حداکثر خالص درآمد فروش بسیار زیاد است و به همین دلیل انحراف استاندارد نیز زیاد می‌باشد.

پایایی متغیرهای پژوهش

به‌منظور اطمینان از غیرکاذب بودن مدل رگرسیونی به بررسی ایستایی متغیرهای پژوهش پرداخته شد. نتایج حاصل از بررسی پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از این آزمون در نگاره شماره (۳) ارائه شده است. در این نگاره، کلیه متغیرهای مستقل و وابسته در سطح معناداری ۹۹ درصد، در آزمون‌های ریشه واحد لوین و لین و چو مورد تأیید قرار گرفته و این نتیجه حاکی از آن است که متغیرها پایا هستند.

نگاره (۳): نتایج حاصل از آزمون پایایی لوین، لین و چو

معناداری	آماره آزمون	متغیرهای پژوهش
۰/۰۰۰۰	-۵۱/۳۲	خالص فروش
۰/۰۰۰۰	-۳۱۱/۰۹	بهای تمام شده
۰/۰۰۰۰	-۱۹۸/۷۴	هزینه‌های اداری، عمومی و فروش
۰/۰۰۰۰	-۳۸/۰۴۷	سایر هزینه‌های عملیاتی

همان‌طور که نگاره شماره (۳) نشان می‌دهد، کلیه‌ی متغیرهای مستقل و وابسته در سطح معناداری ۹۹ درصد پایا هستند. بنابراین، میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت است و شرکت‌های مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

انتخاب مدل آزمون

نگاره شماره ۴ نتایج مربوط به برآورد مدل، برای انتخاب مدل مناسب جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره (۴): نتایج مربوط به انتخاب مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

سطح معناداری	آماره آزمون	آزمون	فرضیه
۰/۰۳۸۵	۲/۴۱۳۵	چاو	فرضیه اول
۰/۰۰۰۱	۱۵/۲۱۳۲	هاسمن	
۰/۰۴۸۵	۲/۱۱۴۵۳۷	چاو	فرضیه دوم
۰/۷۲۷۱	۰/۸۸۴۳۲۸	هاسمن	
۰/۰۴۲۵	۰/۰۹۴۱۳۸	چاو	فرضیه سوم
۰/۰۶۱	۱۱/۶۲۹۴	هاسمن	
۰/۶۹۸۲	۰/۴۳۵۵۲۱	چاو	فرضیه چهارم
۰/۶۱۳۳	۰/۹۹۵۵۶۳	هاسمن	

همان‌طور که نگاره شماره ۴ نشان می‌دهد، سطح معناداری آزمون چاو برای فرضیه‌های اول، دوم و سوم کمتر از ۵ درصد است. بنابراین، از آزمون هاسمن برای انتخاب بین روش مدل اثرات ثابت یا روش تصادفی استفاده می‌شود. در فرضیه چهارم نیز به دلیل آنکه سطح معناداری آزمون

چاو بیشتر از ۵ درصد است، نیازی به استفاده از آزمون هاسمن برای انتخاب بین روش مدل اثرات ثابت یا روش تصادفی نیست. بر اساس نتایج آزمون هاسمن، برای فرضیه‌های اول و سوم روش اثرات ثابت و برای آزمون فرضیه دوم از روش اثرات تصادفی استفاده شده است.

تفسیر نتایج آزمون

فرضیه اول:

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول که با استفاده از مدل (۲) انجام شده است، در نگاره شماره (۵) ارائه شده است.

مدل (۲)

$$\log\left[\frac{COGS_{i,t}}{COGS_{i,t-1}}\right] = \beta_0 + \beta_1 \text{LOG}\left[\frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}}\right] + \beta_2 * Dec - Dum_{i,t} *$$

$$\text{LOG}\left[\frac{Sales_{i,t}}{Sales_{i,t-1}}\right]$$

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	ضرایب	ضریب تعیین	خطای استاندارد	آماره T	آماره F	سطح معناداری
β_0	۰/۰۰۶۲۱۲	۰/۸۴۲۴	۰/۰۰۲۸۵۱	۰/۵۶۸۲۳	۱۲۰۱/۵۲۸	۰/۰۶۲۹
β_1	۰/۹۸۱۱۴۲		۰/۰۱۲۳۵۴	۸۲/۱۱۸۲۹		۰/۰۰۰۱
β_2	-۰/۰۲۵۶۷۶		۰/۲۳۲۴۹۸	-۴/۸۸۸۴۳		۰/۰۴۱۱

با توجه به نگاره شماره (۵)، ضرایب β_1 و β_2 برابر $۰/۹۸$ و $-۰/۰۲۵$ است. ضریب β_1 حاکی از آن است که با افزایش یک درصد در درآمد فروش، بهای تمام شده $۰/۹۸$ درصد افزایش می‌یابد. منفی بودن اندازه ضریب β_2 و معنادار بودن آن نشان‌دهنده رفتار چسبنده بهای تمام شده است. جمع ضرایب $\beta_1 + \beta_2$ برابر با $۰/۹۵۵$ است و این $\beta_1 + \beta_2 < \beta_1$ بدان معنی است که با کاهش ۱ درصد در فروش، بهای تمام شده ۹۵ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه اول در سطح معناداری ۵ درصد تأیید می‌شود.

فرضیه دوم:

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم که با استفاده از مدل (۳) انجام شده است، در نگاره شماره (۶) ارائه شده است.

مدل (۳)

$$\log\left[\frac{SGAi,t}{SGAi,t-1}\right] = \beta_0 + \beta_1 \text{LOG}\left[\frac{Sales\ i,t}{Salesi,t-1}\right] + \beta_2 * Dec - Dum_i,t \\ * \text{LOG}\left[\frac{Sales\ i,t}{Salesi,t-1}\right]$$

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم

سطح معناداری	آماره F	آماره T	خطای استاندارد	ضریب تعیین	ضرایب	متغیر
۰/۰۰۰۱	۴۹/۹۲۷۳۴	۴/۴۸۹۳۲۵	۰/۰۰۶۱۳۳	۰/۶۸۲۴۹۹	۰/۰۴۱۳۷۶	β_0
۰/۰۰۰۱		۱۴/۱۱۱۴۵۸	۰/۰۲۷۷۴۱		۰/۴۶۱۱۷۸	β_1
۰/۰۰۰		-۳/۵۷۹۸۳۶	۰/۰۳۶۴۸۳		-۰/۰۵۴۳۹۵	β_2

با توجه به نگاره شماره (۶)، ضرایب β_1 و β_2 برابر $۰/۴۶$ و $-۰/۰۵۴$ است. ضریب β_1 حاکی از آن است که با افزایش ۱ درصد درآمد فروش، بهای تمام شده $۰/۴۶$ درصد افزایش می‌یابد. منفی بودن اندازه‌ی ضریب β_2 و معنادار بودن آن نشان‌دهنده رفتار چسبنده هزینه‌های اداری، عمومی و فروش است. جمع ضرایب $\beta_1 + \beta_2$ برابر با $۰/۴۰$ است و این ($\beta_1 + \beta_2 < \beta_1$) بدان معنی است که با کاهش ۱ درصد در فروش، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش ۴۰ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه دوم در سطح معناداری ۵ درصد تأیید می‌شود.

فرضیه سوم:

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم که با استفاده از مدل (۴) انجام شده است، در نگاره شماره (۷) ارائه شده است.

مدل (۴)

$$\log\left[\frac{OOCi,t}{OOCi,t-1}\right] = \beta_0 + \beta_1 \text{LOG}\left[\frac{Sales\ i,t}{Salesi,t-1}\right] + \beta_2 * Dec - Dum_i,t \\ * \text{LOG}\left[\frac{Sales\ i,t}{Salesi,t-1}\right]$$

نگاره (۷): نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیر	ضرایب	ضریب تعیین	خطای استاندارد	آماره T	آماره F	سطح معناداری
β_0	-۰/۰۲۱۳۲۷	۰/۷۹۶۴۲۵	۰/۰۰۳۳۹۵	۳/۲۱۲۵۷	۴۳۸/۶۳۷	۰/۰۰۰۱
β_1	۰/۹۳۸۹۷۵		۰/۰۱۹۶۵۳	۵۶/۷۶۶۹۴		۰/۰۰۰۱
β_2	-۰/۱۴۱۵۳۸		۰/۱۵۳۲۸۸	۰/۲۹۷۳۱۵		۰/۰۰۰۱

با توجه به نگاره شماره (۷)، ضرایب β_1 و β_2 برابر ۰/۹۴ و -۰/۱۴ است. ضریب β_1 حاکی از آن است که با افزایش ۱ درصد درآمد فروش، بهای تمام شده ۰/۹۴ درصد افزایش می‌یابد. منفی بودن اندازه‌ی ضریب β_2 و معنادار بودن آن نشان‌دهنده رفتار چسبنده سایر هزینه‌های عملیاتی است. جمع ضرایب $\beta_1 + \beta_2$ برابر با ۰/۸۰ است و این ($\beta_1 + \beta_2 < \beta_1$) بدان معنی است که با کاهش ۱ درصد در فروش، سایر هزینه‌های عملیاتی ۸۰ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه سوم در سطح معناداری ۵ درصد تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم:

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم که با استفاده از مدل (۴) انجام شده است، در نگاره شماره (۸) ارائه شده است.

مدل (۴)

$$\log\left[\frac{TOCi, t}{TOCi, t-1}\right] = \beta_0 + \beta_1 \log\left[\frac{Sales i, t}{Sales i, t-1}\right] + \beta_2 * Dec - Dum_i, t * \log\left[\frac{Sales i, t}{Sales i, t-1}\right]$$

نگاره (۸): نتایج آزمون فرضیه چهارم

متغیر	ضرایب	ضریب تعیین	خطای استاندارد	آماره T	آماره F	سطح معناداری
β_0	۰/۰۰۷۱۳۲	۰/۸۳۴۴	۰/۰۰۱۹۸۵	۲/۷۹۴۲۷	۲۸۵۴/۱۳۲	۰/۰۰۱
β_1	۰/۸۸۹۷۵		۰/۰۱۷۰۱	۶۴/۵۴۶۸۲		۰/۰۰۱
β_2	-۰/۱۶۶۶۲۸		۰/۰۲۸۹۹۱	-۶/۱۱۱۵۶۹		۰/۰۰۱

با توجه به نگاره شماره (۸)، ضرایب β_1 و β_2 برابر ۰/۸۹ و ۰/۱۶- است. ضریب β_1 حاکی از آن است که با افزایش ۱ درصد درآمد فروش، بهای تمام شده ۰/۸۹ درصد افزایش می‌یابد. منفی بودن اندازه‌ی ضریب β_2 و معنادار بودن آن نشان‌دهنده رفتار چسبنده مجموع بهای تمام شده، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی است. جمع ضرایب $\beta_1 + \beta_2$ برابر با ۰/۷۳ است و این ($\beta_1 + \beta_2 < \beta_1$) بدان معنی است که با کاهش ۱ درصد در فروش، مجموع بهای تمام شده، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی ۷۳ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه چهارم در سطح معناداری ۵ درصد تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رفتار چسبندگی هزینه‌ها در سه سطح بهای تمام شده کالای فروش‌رفته، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی در بورس اوراق بهادار تهران (۱۲۰ شرکت) در دوره زمانی ده‌ساله (۱۳۹۳-۱۳۸۴) بوده است. این هزینه‌ها دارای رفتاری چسبنده بوده و شدت چسبندگی آنها در سطوح مختلف هزینه متفاوت است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که با کاهش یک درصد از فروش، بهای تمام شده ۹۵ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین، فرضیه اول در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید می‌شود. همچنین فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌شود و با کاهش یک درصد از فروش، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش ۴۰ درصد کاهش یافته‌اند. فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید و نتایج بررسی نشان می‌دهد که با کاهش یک درصد از فروش، سایر هزینه‌های عملیاتی ۸۰ درصد کاهش می‌یابد و در مجموع با کاهش یک درصد از فروش، مجموع بهای تمام شده، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و سایر هزینه‌های عملیاتی ۷۳ درصد کاهش یافته‌اند. بنابراین، فرضیه چهارم در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید می‌شود. یافته‌های پژوهش با پژوهش‌های انجام شده توسط پورپوراتو و وریبن (۲۰۱۰)، شیبه و همکاران (۱۳۹۳)، نمازی و دوانی پور (۱۳۸۹) منطبق است. به عبارتی، بررسی رفتار هزینه‌ها، به‌منظور برآورد میانگین تغییرات در هزینه‌ها به ازای یک واحد تغییر در محرک هزینه، حائز اهمیت است و بدون توجه به ویژگی چسبندگی هزینه‌ها، برآورد میانگین تغییرات در هزینه‌ها، در زمان افزایش سطح فعالیت کمتر از واقع و بلعکس انجام خواهد شد.

پیشنهاد‌های حاصل از نتایج پژوهش

نتایج این پژوهش، دربرگیرنده اطلاعاتی در ارتباط با چگونگی رفتار هزینه‌ها است که می‌تواند برای مدیران، حسابداران، تحلیلگران مالی و حسابرسان مورد استفاده قرار گیرد. همچنین مدل‌های به کار گرفته شده در این پژوهش می‌تواند ابزار مناسبی برای انجام پژوهش‌های آتی در مبحث رفتار چسبندگی هزینه‌ها باشد.

بر اساس نتایج پژوهش، به مدیران پیشنهاد می‌شود، چسبندگی هزینه‌های شرکت را شناسایی و در فرآیند تصمیم‌گیری، آنها را مدنظر قرار دهند، زیرا آنها قادر به شناسایی و کنترل چسبندگی هزینه‌های شرکت هستند. برای مثال، آنها می‌توانند از طریق انعقاد قراردادهای مناسب برای اجاره دارایی‌های عملیاتی و استخدام کارکنان (به عنوان مثال انعقاد قراردادهای کوتاه مدت) میزان تعدیلات لازم برای کاهش سطح دارایی‌های عملیاتی را در دوره‌های کاهش تقاضا و فروش، اعمال نمایند و از شدت چسبندگی هزینه‌های شرکت بکاهند. از سوی دیگر، به حسابرسان پیشنهاد می‌شود درصد درک بهتر تغییرات هزینه‌های اداری، عمومی و فروش نسبت به تغییرات فروش باشند تا در انجام هر چه بهتر بررسی‌های تحلیلی موفق باشند.

برای انجام تحقیقات آتی نیز پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها بر اساس صنعت، تفکیک و مدل آزمون پژوهش مجدد به تفکیک صنایع مورد برآورد و تحلیل قرار گیرد. همچنین، بررسی عوامل کلان اقتصادی، از جمله تورم و نرخ رشد ناخالص ملی و بررسی تأثیر سیاست‌های قیمت‌گذاری بر چسبندگی هزینه‌ها، دو موضوع پیشنهادی دیگر برای انجام تحقیقات آتی است.

منابع

- Aflatooni, A. , Nikbakht, L. (2001). Econometric application in accounting research. Financial Management and Economic Sciences. Tehran. Termeh Publishing House. 1 (4) , 12-17. (In Persian).
- Alikhani, R. Maranjory, M. Seyed Zadeh, S. F. (2017). Upward earnings management, corporate governance and expense stickiness. Journal of Accounting Research, 7 (3) , 61-80. (In Persian).
- Anderson, M. , Banker, R. , Huang, R. , & Janakiraman, S. (2007). Cost behavior and fundamental analysis of SG&A costs. Journal of Accounting, Auditing & Finance, 22 (1) , 1-28.
- Anderson, M. C. , Banker, R. D. , & Janakiraman, S. N. (2003). Are selling, general, and administrative costs “sticky”? Journal of accounting research, 41 (1) , 47-63.
- Anderson, S. W. , & Lanen, W. N. (2007). Understanding cost management: what can we learn from the evidence on 'sticky costs'?. Available at SSRN 975135.
- Ashuri, E. (2014). Investigating the impact of earnings incentives on cost stickiness. Master's thesis. Mazandaran University. 4 (2) , 56-70. (In Persian).
- Atkinson, A. (2000). Management Accounting. São Paulo: Atlas. 17.
- Baharmoghaddam, M. , Khademi, S. (2016). Investigate costs stickiness in economic prosperity and recession cycles. MANAGEMENT ACCOUNTING, 9 (30) , 67-86. (In Persian)
- Balakrishnan, R. , & Gruca, T. S. (2008). Cost stickiness and core competency: A note. Contemporary Accounting Research, Forthcoming. 18 (5) , 87-93.
- Balakrishnan, R. , Labro, E. , & Soderstrom, N. S. (2014). Cost structure and sticky costs. Journal of management accounting research, 26 (2) , 91-116.
- Balakrishnan, R. , Petersen, M. J. , & Soderstrom, N. S. (2004). Does capacity utilization affect the “stickiness” of cost?. Journal of Accounting, Auditing & Finance, 19 (3) , 283-300.
- Banker, R. D. , & Chen, L. (2006). Predicting earnings using a model based on cost variability and cost stickiness. The accounting review, 81 (2) , 285-307.
- Banker, R. D. , Basu, S. , Byzalov, D. , & Chen, J. (2013). Asymmetries in cost-volume-profit relation: Cost stickiness and conditional conservatism. 9 (8) , 68-75.
- Banker, R. D. , Basu, S. , Byzalov, D. , & Chen, J. (2015, August). The confounding effect of cost stickiness in conservatism research. AAA.
- Calleja, K. , Steliaros, M. , & Thomas, D. C. (2006). A note on cost stickiness: Some international comparisons. Management Accounting Research, 17 (2) , 127-140.
- Chen, C. X. , Lu, H. , & Sougiannis, T. (2012). The agency problem, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs. Contemporary Accounting Research, 29 (1) , 252-282.
- Chen, C. X. , Lu, H. , & Sougiannis, T. (2012). The agency problem, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs. Contemporary Accounting Research, 29 (1) , 252-282.

- Haas, D. H. , & Kajan, D. (2017). Cost stickiness during the financial crisis: rational resource management or wasteful overspending?. 5 (5) , 44-54.
- He, D. , Teruya, J. , & Shimizu, T. (2010). Sticky selling, general, and administrative cost behavior and its changes in Japan. *Global Journal of Business Research*, 4 (4) , 1-10.
- Ho-koo ,J. Song ,S. Paik, T. Y. (2015). Earningmanagement and cost sickness. *Advance Science and Technologyletters*. Vol84. 3 (5) , 23-34.
- Homburg, C. , & Nasev, J. (2009). How timely are earnings when costs are sticky? Implications for the link between conditional conservatism and cost stickiness. *Implications for the Link Between Conditional Conservatism and Cost Stickiness*. AAA.
- Homburg, C. , Hoppe, A. , Nasev, J. , Reimer, K. , & Uhrig-Homburg, M. (2018). How Cost Stickiness Affects Credit Risk. *Available at SSRN 2792085*.
- Kama, I. , & Weiss, D. (2013). Do earnings targets and managerial incentives affect sticky costs?. *Journal of Accounting Research*, 51 (1) , 201-224.
- Mahfoozi, Gh. , Abolhassani MT. , Shirpour Abkenar, H. (2018). Organizational capital and sticky behavior of selling, general and administrative expenses in companies listed on Tehran stock exchange (Using the ABJ and extended models). *Accounting and Management Knowledge Management*, 7 (26) , 159-174. (In Persian).
- Namazi, M. , Davanipoor, I. (2010). Experimental investigation of sticky behavior of costs listed on the Tehran stock exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 6 (4) , 89-102. (In Persian).
- Namazi, M. , Ghaffari, M. J. , Fereyduni, M. (2013). Fundamental Analysis of Costs and Cost Sticky Behavior Emphasizing Scope Changes in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 4 (2) , 151-177. (In Persian).
- Nick Car, J. , Jalili, A. (2014). The effect of moderating future expectations and sales changes without the symmetry of cost behavior. *Applied Research in Financial Reporting*, 4, 119-124. (In Persian).
- Nicola, D. , Pado, P. (2013). Evidence from small and medium sized companies Sticky cost behavior. *Accounting & Finance Journal*, 4 (5) , 2-89.
- Porporato, M. , & Werbin, E. M. (2011, August). Active cost management in banks: evidence of sticky costs in Argentina, Brazil and Canada. 7 (6) , 89-99.
- safarzadeh, M. (2016). The Relationship between Agency Costs and Stickiness of Selling, General and Administrative costs. *JOURNAL OF FINANCIAL ACCOUNTING KNOWLEDGE*, 3 (2) , 69-90. (In Persian).
- Sepasi, S. , Taban, K. (2016). Correction Cost-Volume-Profit Analysis model by using Cost Stickiness and Conditional Conservatism. *MANAGEMENT ACCOUNTING*, 9 (28) , 67-8. (In Persian).
- Sheibe, S. , Fathi, Z. , Sepasi, S. (2014). Empirical investigation of cost stickiness in Tehran stock exchange. *EMPIRICAL RESEARCH IN ACCOUNTING*, 3 (4) , 163-177.. (In Persian).
- Venieris, G. , Naoum, V. C. , & Vlismas, O. (2015). Organisation capital and sticky behaviour of selling, general and administrative expenses. *Management Accounting Research*, 26, 54-82.
- Warganegara, D. L. , & Tamara, D. (2014). The impacts of cost stickiness on the profitability of Indonesian firms. *International Journal of Social, Behavioral,*

- Educational, Economic, Business and Industrial Engineering, 8 (11) , 3602-3605.
- Warganegara, D. L. , & Tamara, D. (2014). The impacts of cost stickiness on the profitability of Indonesian firms. International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic, Business and Industrial Engineering, 8 (11) , 3602-3605.
- Weidenmier, M. L. , & Subramaniam, C. (2003). Additional evidence on the sticky behavior of costs. 8 (4) ,86-98.
- Weiss, D. (2010). Cost behavior and analysts' earnings forecasts. The Accounting Review, 85 (4) , 1441-1471.
- Xue, S. , & Hong, Y. (2016). Earnings management, corporate governance and expense stickiness. China Journal of Accounting Research, 9 (1) , 41-58.
- Yasukata, K. (2011). Are 'Sticky Costs' the Result of Deliberate Decision of Managers?3 (2) , 22-32.
- Zanjirdar, M. , Ghafari Ashtiani, P. , Maddahi, Z. (2015). Review and analyze the factors affecting the behavior of sticky costs, Management Accounting, 7 (1) , 79-91. (In Persian).

Experimental Study of Adhesion Behavior Costs in Tehran Stock Exchange Companies

Seyed Hesam Vaghfi¹, Kaveh Parandin², Samiran Khajezade³

Received: 2018/04/16

Accepted: 2018/08/21

Abstract

Response of cost to changes in the level of activity is called cost behavior. Namely changes in costs are associated with increase and decrease their activity levels. Cost Adhesion means that cost when sales increase, go up, but when sales decrease, they don't go down that much. The main purpose of this study, is to empirically examine the adhesion operating costs in the manufacturing companies at three levels included cost of goods sold, administrative and sale expense and other operating expenses in Tehran Stock Exchange companies during the period 1386 to 1395. The result showed that increased sharply in all three levels of costs for the same level of activity, was bigger than reduced costs levels for the same decrease in the level of activity. So, the cost of goods sold, administrative and sale expenses and other operating expenses have adhesion in cost behavior. There is also adhesion at the levels of total operating expenses.

Keywords: Adhesion of Costs, Administrative and Sale Expenses, Cost of Goods Sold, Other Operating Expenses.

JEL classification: M41, G1.

DOI: 10.22051/ijar.2018.19973.1396

PhD of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. Corresponding Author(h.vaghfi2012@gmail.com)

PhD of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (kparandin@gmail.com)

PhD of financial Engineering, Islamic Azad University, Shahr-e-Qods Branch, Tehran, Iran. (sarakhmt20@yahoo.com)

Lean Accounting in Lean Organization (Transformation from Cost-based Approach to Value-based Approach)

Rahim Banaei Ghadim¹

Received: 2019/01/02

Accepted: 2019/04/10

Abstract

Reporting Responsibility in the lean environment is done by an information system called lean accounting that rooted in lean thought, by eliminating waste and creating value in the organization. The aim of this paper is to review the importance of lean accounting and characteristics of lean organization, in comparison with types of costing systems included the traditional costing, the value stream costing, the activity-based costing (ABC) and the time-driven activity-based costing (TDABC). The results show that Lean accounting as a tool in order to cover the shortcomings of traditional accounting system and costing, can be viewed as a transformation from cost-based approach to value-based approach for management accounting. A company that uses the best practices in all functional areas and experienced sustainability in four different aspects of lean development, lean supply and purchasing, lean production and lean delivery, is considered a lean organization and will experience greater sustainability and better performance than its counterparts in the industry.

Keyword: ABC, Lean Accounting, Lean Organization, TDABC, Value Stream Costing.

JEL Classification: D24, E23, L15, M41

DOI: 10.22051/ijar.2019.23874.1470

¹Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Hashtrud Branch, , Hashtrud, Iran(rahim.bonabi@yahoo.com)

Review the Theoretical Basis of the Impact of Geographical Distance Between Audit Firm and Company on the Audit Fees, Timeliness of Audit Report and Rotation of Auditor

Rahman Saedi¹

Received: 2019/02/28

Accepted: 2019/07/22

Abstract

The purpose of this article is review the theoretical basis of the impact of the geographical distance between the audit firm and the firm on the audit fees, the timeliness of the audit report, and the rotation of the auditor. More communication and mastery over the company's activities in auditing, which are less likely to occur in areas where geographical distances are high and will increase the risk of audits, leading to more auditors' tests to ensure and extend the level of review. Which is somehow effective in determining audit fees. From this perspective, the longer the audit firm's distance with the client is, the greater the cost of the audit. The close proximity of geographic auditing companies and auditors can lead to higher levels of social exchanges between auditors and customers, with geographical proximity leading to greater trust between auditors and senior executives of companies. This can be achieved even in networking, interacting and exchanging social relationships that leads to trust and increasing knowledge and learning of companies. Therefore, it could be expected that the geographical proximity of the audit firm and the firm, would help the auditor to stabilize and the auditors' rotation would decrease. Also, the relative ease of access to corporate information, as well as the greater excellence of the economic and regulatory environment in the region and its impact on companies, should increase the efficiency of local auditing, reduce audit delays, and provide timely audit reports.

Keywords: Auditor's Rotation, Fee, Geographical Distance, Timeliness of Audit Report.

JEL classification: M42

DOI: 10.22051/ijar.2019.25143.1496

Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Dolatabad Branch, Isfahan, Iran. (saedi.rahman@yahoo.com)

The Relationship between Corporate Social Responsibility and CEO Compensation

Sareh Pahlavan¹, Roya Darabi²

Received: 2018/08/03

Accepted: 2018/11/26

Abstract

Corporate social responsibility has a great impact on different aspects of accounting and finance. From the earliest classic studies by Bowen (1953), the importance of Corporate Social Responsibility (CSR) and its impact on society have been explored from various viewpoints and it has led to different views on responsibility and development of reporting framework and Corporate Social Responsibility concept. The aim of this study was to examine the relationship between corporate social responsibility and CEO compensation in firms listed on the Tehran Stock Exchange. Information required for the study, were collected in financial statements of 100 firms in the period 2012-2017. In this research, the criteria included social participation, employee relations, environment, product characteristics and cash reward board were used for measuring of corporate social responsibility and CEO compensation respectively. The results of the study showed that there is a significantly positive relationship between corporate social responsibility and CEO compensation.

Keywords: CEO Compensation, Corporate Social Responsibility, Employee Relations.

JEL classification: G30 .G34 J33 .M14

DOI: 10.22051/ijar.2019.21519.1421

¹PhD Student of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran(sara.pahlavan31@gmail.com)

²Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. Corresponding Author(royadarabi110@yahoo.com)

The Investigating Effect of Ownership Structure on Financial Leverage of Listed Companies in the Tehran Stock Exchange

Seyed Mojtaba Motalebian Chaleshtori¹, Zahra Mostafavi²

Received: 2017/10/11

Accepted: 2018/01/24

Abstract

Financial Leverage plays a crucial role in investment decisions. Obtaining an appropriate cost rate is essential in determining the optimal financial structure of corporate particularly when gaining profit from operations is set as objectives. On the other hand, creditors consider the ownership structure of companies in estimating the risk of non-payment. Thus, the ownership structure influences financial leverage. The present study investigates the effect of ownership structure on financial leverage of listed companies in the Tehran Stock Exchange. For this purpose, the financial information of 118 companies listed in the Tehran Stock Exchange during the years 1390 to 1394 using the panel data method was analyzed. The results showed that there is a reverse and significant relationship between institutional monitoring and financial leverage. The effect of institutional control and managerial ownership on financial leverage is positive and significant.

Keywords: Financial Leverage, Institutional Controlling Shareholders, Institutional Monitoring Shareholders, Institutional Shareholders, Management Ownership.

JEL classification: G23

DOI: 10.22051/ijar.2019.17575.1343

Phd of Accounting, Payame Noor University, Farsan Branch, Farsan, Iran.

Corresponding Author (mojtaba_508@yahoo.com)

¹MSc of Accounting, Secretary of the Technical and Vocational Farzaneh School of Shahrekord, Iran. (mostafavi213@yahoo.com)

Pattern Development and Prioritisation of Effective Factors on Quality Enhancement of Internal Audit

Zohreh Hajiha¹, Hossein Rajabdoori²

Received: 2017/04/05

Accepted: 2017/07/25

Abstract

Internal audit is an important issue that has recently attracted increasing attention. This study has been conducted with the objective of pattern development and investigating the prioritization of effective factors on a quality Enhancement of internal audit. This study is a functional survey. In this regard, firstly by investigating 15 internal and external studies that have provided patterns for a quality rise of internal audit and by using content analysis approach, factors influencing the quality Enhancement of an internal audit were identified in a five-dimensional model. Then the subject was analyzed by converting obtained factors into the questionnaire and random sampling of 81 University professors. After data normalization by SPSS software, a parametric one-sample t-test was used for analysis of the results in the form of five hypotheses and also Friedman test was used to determine the priority of factors. The findings of the research showed the approval of all hypotheses and the importance of investigated factors. Also from the perspective of respondents, the factor of “independence” is the priority and thereafter, the factors of “privacy principles”, “competences”, “communicational factors” and “management support from internal auditors” are the next priorities.

Keywords: Internal Audit, Internal Audit Pattern, Quality.

Jel classification: M42, M49

DOI: 10.22051/ijar.2019.14834.1283

¹Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, East Tehran Branch, Tehran, Iran(drzhajiha@gmail.com)

²PhD Student in Accounting, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran. Corresponding Author(Hosrado@gmail.com)

The Effect of Risk Management Quality on Volatility around Earnings Announcements

Vahid Bekhradi Nasab¹, Fatemeh ZholaNezhad²

Received: 2016/07/09

Accepted: 2016/10/24

Abstract

The Volatility around earnings announcements reduce the characteristic of earnings time-series. Improving the risk management quality, reduces the volatility around earnings announcements. Accordingly, in this paper, using the guidelines of the Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO), the impact of risk management quality on volatility around earnings announcements has been addressed. Risk management quality based on the research Gordon et al (2009) is estimated four objectives of ERM. The statistical population include the companies listed in the Tehran Stock Exchange between 2011 and 2016. The sample is based on a systematic method of over 69 companies. The method of research is based on panel data and multiple regression, taking into account the generalized least squares model. Evidence of research suggests that changes in risk management quality reduce the volatility around earnings announcements. In other words, for a 1% increase in the risk management quality, the implied volatility of the profit declaration is reduced by 1%.

Keywords: COSO Guidance, Risk Management Quality, Volatility around Earnings Announcements.

JEL classification: D81, G32

DOI: 10.22051/ijar.2018.10735.1161

¹PhD of Accounting, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran.

Corresponding Author (Vahid.BekhradiNasab@gmail.com)

²PhD Student in Accounting, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran. (jolanejad1022@gmail.com)

Effective Factors on Harmonization of Financial Reporting Frameworks, Accounting Standards and Producers

Gholamreza Soleimani Amiri¹, Neda Rasouli²

Received: 2017/02/06

Accepted: 2017/05/27

Abstract

Accounting diversity refers to the differences that exist between the characteristics of the financial reporting frameworks and accounting standards and producers used in different countries. The accounting literature presents several factors that cause this diversity. These factors are mainly related to environmental factors. The solution of accounting diversity problem is accounting harmonization in accounting standards and reporting procedures in international level. As currently in Iran, there is the roadmap to apply international financial reporting standards, it is useful to predict and remove problems and limitations by using other countries experiences. In this article, we review the accounting literature to learn about the reasons for accounting diversity in financial reporting frameworks, accounting standards and procedures. This analysis can assist policy setters in their efforts to realize further international accounting harmonization.

Keywords: Diversity, Environmental Factors, Harmonization, International Financial Reporting Standards.

JEL classification: M40

DOI: 10.22051/ijar.2017.14034.1266

¹Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran (gh.soleymani@alzahra.ac.ir)

²PhD Student of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. Corresponding Author (nedarasouli66@gmail.com)

Table of content

Effective Factors on Harmonization of Financial Reporting Frameworks, Accounting Standards and Producers	1
Gholamreza Soleimani Amiri, Neda Rasouli	
The Effect of Risk Management Quality on Volatility around Earnings Announcements	162
Vahid Bekhradi Nasab, Fatemeh ZholaNezhad	
Pattern Development and Prioritisation of Effective Factors on Quality Enhancement of Internal Audit.....	161
Zohreh Hajiha, Hossein Rajabdoori	
The Investigating Effect of Ownership Structure on Financial Leverage of Listed Companies in the Tehran Stock Exchange	160
Seyed Mojtaba Motalebiyan Chaleshtori, Zahra Mostafavi +	
The Relationship between Corporate Social Responsibility and CEO Compensation	159
Sareh Pahlavan, Roya Darabi	
Review the Theoretical Basis of the Impact of Geographical Distance Between Audit Firm and Company on the Audit Fees, Timeliness of Audit Report and Rotation of Auditor.....	158
Rahman Saedi	
Lean Accounting in Lean Organization (Transformation from Cost-based Approach to Value-based Approach.....	157
Rahim Banaei Ghadim	
Experimental Study of Adhesion Behavior Costs in Tehran Stock Exchange Companies	156
Seyed Hesam Vaghfi, Kaveh Parandin, Samiran Khajezade	

IN THE NAME OF GOD

Quarterly Journal of Accounting and Auditing Research
Winter 2020, Volume 9, Issue number 4
Number 35

<p>Jornal of</p> <p><i>Accounting research</i></p>	<p>Licence Holder: Alzahra University Director: Rahmani. Ali, Prof. Alzahra University Editor in chief: Mashayekh. Shahnaz, Associate Prof. Alzahra University Executive Manager: Behbahaninia. Parisa Saadat, Assistant Prof. Alzahra University Editorial Board: Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University Hejazi, Rezvan, Professor of Alzahra University Rahmani Ali, Professor of Alzahra University Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Homayoun Saeid, Professor of Gavle University Yazdifar Hassan, Associate Professor of Salford University Business School Scientific Editor: Behbahaninia, Parisa Saadat Literally editor: Taheri, Mandana English Editor: Mostafaie, Parasto Cover Designer: Samadian, Maryam Lay out editor: Esfandi, Khadijeh Coordinator: Pakkhesal Azam, Esfandi Khadijeh Address: Alzahra University, Vanak ,Tehran - Iran. P. O Box 1993893973 Tel: (+9821) 85692421- 85692745 Fax: 88252178 Website: http://ijar.alzahra.ac.ir/ Email: jar@alzahra.ac.ir</p>